

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عربی زبان قرآن (۱)

رشته های علوم تجربی، ریاضی و فیزیک - شاخه های فنی و حرفه ای و کار دانش

دوره دوم متوسطه

۱۳۹۵

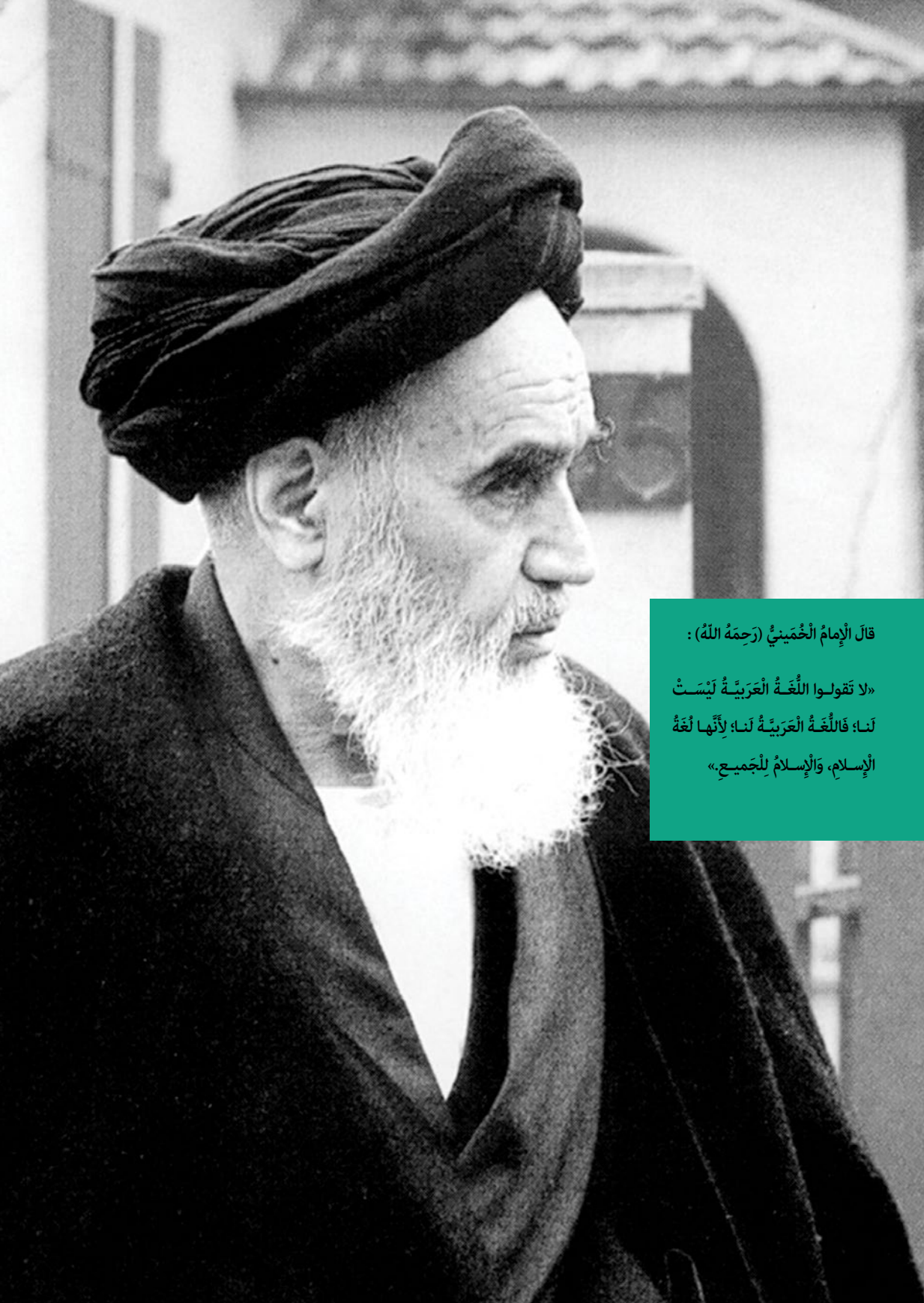


وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

عربی زبان قرآن (۱)، دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۲۰۶	نام کتاب:
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	پدیدآورنده:
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری	مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:
حبیب تقوایی، علی‌جان بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد دلبری، سیدمهدی سیف، عبدالله یزدانی و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی) عادل اشکیوس، محی‌الدین بهرام محمدیان، علی چراغی و اباذر عباچی (اعضای گروه تألیف) - سیداکبر میرجعفری (ویراستار)	شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:
اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی	مدیریت آماده‌سازی هنری:
لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - مؤسسه نقطه گرافیک (طراحی گرافیک، طراحی جلد و صفحه‌آرایی) - محمد مهدی ذبیحی فرد، مراد فتحی (تصویرگر) - علی نجمی، سیف‌الله بیگ محمد دلپونسد، فاطمه پرشکی، سپیده ملک ایزدی، ناهید خیام باشی (امور آماده‌سازی)	شناسه افزوده آماده‌سازی:
تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir	نشانی سازمان:
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹	ناشر:
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»	چاپخانه:
چاپ اول ۱۳۹۵	سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۴۹۹-۲

ISBN: 978-964-05-2499-2



قال الإمام الخميني (رحمته الله) :

«لا تقولوا اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ تَبَسَّتْ

تَنَا؛ فَاللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ تَنَا؛ لِأَنَّهَا لُغَةُ

الإسلام، وَالْإِسْلَامُ لِلْجَمِيعِ.»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

أَلْفِهْرِس

■ بيشگفتار الف |

■ أَلَدَّرْسُ الْأَوَّلُ ١ |

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ + التَّعَارُفُ -----

■ أَلَدَّرْسُ الثَّانِي ١١ |

أَلْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ + الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ + فِي مَطَارِ النَّجْفِ -----

■ أَلَدَّرْسُ الثَّلَاثُ ٢٥ |

مَطَرُ السَّمَكَ + أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (١) + فِي قِسْمِ الْجَوَازَاتِ -----

■ أَلَدَّرْسُ الرَّابِعُ ٤١ |

التَّعَابُثُ السُّلْمِيُّ + أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (٢) + فِي صَالَةِ التَّفْتِيْشِ -----

■ أَلَدَّرْسُ الْخَامِسُ ٥٥ |

«هَذَا خَلَقَ اللَّهُ» + الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ وَالْإِسْمِيَّةُ + مَعَ سَائِقِ سِيَارَةِ الْأَجْرَةِ -----

■ أَلَدَّرْسُ السَّادِسُ ٧١ |

ذَوَالْقَرْنَيْنِ + أَلْفِعْلُ الْمَجْهُولُ + مَعَ مَسْؤُولِ اسْتِيقْبَالِ الْفُنْدُقِ -----

■ أَلَدَّرْسُ السَّابِعُ ٨٧ |

يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ + أَلْجَارُ وَالْمَجْرورُ وَ نُونُ الْوَقَايَةِ + مَعَ مُشْرِفِ

خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ -----

■ أَلَدَّرْسُ الثَّامِنُ ١٠٥ |

صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ + إِسْمُ الْفَاعِلِ وَ إِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ إِسْمُ الْمُبَالَغَةِ +

شِرَاءُ شَرِيحَةِ الْهَاتِفِ الْجَوَالِ -----

■ أَلْمُعْجَمُ ١٢١ |

پیشگفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به‌دقت مطالعه کرده باشد؛
۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد؛
۳. کتاب معلّم و نرم‌افزار «بر فراز آسمان» ویژه آموزش معلّمان را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش نخستین کتاب «عربی» ویژه پایه دهم رشته‌های غیر «ادبیات و علوم انسانی» به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا دهم متن محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه دهم بتواند در پایان سال تحصیلی متون و عبارات ساده قرآنی را در حد ساختارهای خوانده‌شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند. این کتاب با توجه به مصوّبات اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی هفتم تا دهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است. در این کتاب ۳۶۳ کلمه پرکاربرد به کار رفته و افزون بر آن نزدیک به ۸۵۰ واژه کتاب‌های عربی هفتم، هشتم و نهم نیز در کتاب دهم تکرار شده است؛ پس در واقع هدف، آموزش حدود ۱۲۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است. ۵۵۲ واژه از ۸۵۰ واژه سه کتاب دوره اول متوسطه کاربرد قرآنی داشتند. در سه کتاب دوره دوم متوسطه نیز چنین خواهد شد.

هدف اصلی، فهم متن به‌ویژه فهم قرآن کریم و نیز متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی؛ مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

(رعایت این تأکیدات در کنکور و مسابقات علمی، امتحان نوبت اول و دوم و کتاب‌های کمک آموزشی الزامی است. این نوشته به منزله بخشنامه رسمی است.)

۱. کتاب عربی پایه دهم در هشت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد. این مقدار زمان در مجموع برای تدریس کل کتاب در طول سال کفایت می‌کند.

۲. دانش‌آموز پایه دهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخُوکِنَّ الصَّغِيرُ»، وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی، و ساعت خوانی.

هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این است که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخي العزیز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی، و ساعت خوانی.

در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است.

در ساعت خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است.

۳. درس اول دوره آموخته‌های پیشین است و در هفت درس دیگر نیز این مرور انجام شده است.

۴. در درس دوم عددها آموزش داده می‌شود. در دوره اول متوسطه عددهای اصلی و ترتیبی تا دوازده آموزش داده شده است. در این کتاب عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده خواهد شد. مباحث مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست.

۵. دانش‌آموزان در دورهٔ اوّل متوسطه با فعل‌های مجرد و مزید در کتاب درسی آشنا شده‌اند و در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرد صحیح و سالم رو به رو شده‌اند؛ اما فعل‌های مزید، مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند *آمَنَ، اِبْتَسَمَ، اَتَى، اَجَابَ، اَحَبَّ، اِحْتَقَقَ، اِشْتَرَى، اَصَابَ، اَعْطَى، تَخَرَّجَ، حَاوَلَ، حَذَرَ، زَادَ* و ... هدف آموزشی درس سوم و چهارم این است که با استفاده از آموخته‌های سه سال اوّل با فعل‌هایی آشنا شوند که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص ثلاثی مجرد و مزید و ذکر نوع باب و صیغهٔ فعل از اهداف آموزشی نیست. **فعل‌های معتل، مهموز، مضاعف و هر گونه فعلی که تغییرات پیچیدهٔ صرفی دارد از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در کتاب فعل «استفاد» به کار رفته و فعل استفعل نیز آموزش داده شده است؛ از فعل اِسْتَفِدَّ سؤال طرح نمی‌شود؛ ولی اگر معنای اِسْتَفَادَت را در جمله بخواهیم، اشکالی ندارد؛ چون تغییراتی در مقایسه با اِسْتَفَادَ ندارد.** در بخش واژه‌نامه در انتهای کتاب مضارع و مصدر فعل‌های ماضی ثلاثی مزید نوشته شده است تا دانش‌آموز کم کم این فعل‌ها را بشناسد؛ اما مصدر فعل‌هایی مانند *دَلَّ، سَارَ، رَجَا، رَضِيَ* و ... چون قیاسی نیستند، نیامده‌اند.

۶. در درس پنجم جملهٔ اسمیه و فعلیه تدریس می‌شود. هدف شناخت اجزای جمله یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر است؛ اما قرار دادن اِعراب کلمات هدف نیست. کتاب کاملاً حرکت‌گذاری شده است تا دانش‌آموز با خواندن متون و عبارات ذوق پیدا کند و به تدریج با اِعراب کلمات آشنا شود.

۷. در درس ششم فعل مجهول تدریس می‌شود. هدف این است که دانش‌آموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند؛ تبدیل جملهٔ دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس هدف نیست.

۸. در درس هفتم معانی حروف جر آموزش داده می‌شود. دانش‌آموز باید بتواند حروف جر و جار و مجرور را در جمله درست تشخیص داده و ترجمه کند.

۹. در درس هشتم مهم‌ترین وزن‌های اسم‌های مشتق تدریس می‌شود. فقط شناخت نوع آنها و دانستن معنایشان مطلوب است. تشخیص جامد از مشتق و ساختن اسم مشتق از فعل ارائه شده هدف کتاب نیست.

۱۰. نیازی به ارائهٔ جزوهٔ مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است یا در سال‌های بعد خواهد آمد.

۱۱. پژوهش‌های هر درس، نمایش، سرود، ترجمهٔ تصویری و داستان‌نویسی، کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود.

۱۲. تحلیل صرفی و اِعراب، تعریب، تشکیل و اِعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۳. آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های متوسطهٔ اوّل بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این گونه بود: «هُوَ، هُمَا، هُمْ، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُمَا، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمَا، أَنْتُنَّ، أَنَا، نَحْنُ».

شیوهٔ نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند.

۱۴. تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۵. معنای کلمات در امتحان در جمله خواسته می‌شود.

۱۶. در بخش انوار القرآن فقط معنای کلماتی مدّ نظر است که به شکل «جای خالی»، «زیرخط‌دار» یا «دو گزینه‌ای» طراحی شده است. به عبارت دیگر معنای سایر کلمات، هدف نیست. ضمناً این بخش برای کار در منزل است و دبیر فقط در صورت داشتن وقت می‌تواند در کلاس کار کند؛ اما در هر حال در امتحان از آن سؤال طرح می‌شود.

۱۷. روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمرهٔ شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۸. در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حلّ تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد.

۱۹. از طریق وبگاه دفتر تألیف می‌توان با نحوهٔ تهیهٔ کتاب معلم، نرم افزار پر فراز آسمان، بارم‌بندی و نمونه سؤال استاندارد آشنا شد. همچنین در شبکه ملی مدارس (رشد) اطلاعات سودمند بسیاری را می‌توان به دست آورد.

۲۰. از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا دانش‌آموزان با این شیوه از دورهٔ اوّل متوسطه به دورهٔ دوم متوسطه آمده‌اند.

نشانی وبگاه گروه عربی: www.arabic-dept.talif.sch.ir

سخنی با دانش آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن، حدیث و دعاست؛ زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است؛ زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است؛ یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است؛ زبانی کامل، پرمعنا و قوی است؛ ادبیات آن غنی است و ...

این کتاب ادامهٔ سه کتاب پیشین است. هرآنچه در سه سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است. ترجمهٔ متون و عبارات کتاب بر عهدهٔ شماست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید؛ به همین منظور در انتهای کتاب همهٔ واژگان سه کتاب عربی دورهٔ اول متوسطه در کنار واژگان جدید متن درس قرار داده شده است. استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود. برای یادگیری هر زبانی باید بسیار تکرار و تمرین کرد. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش مطالعه کنید.

هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید و درست بفهمید و ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید.

«کتاب گویا» نیز برای پایهٔ تحصیلی تهیه شده است تا با تلفظ درست متون آشنا شوید. ترجمهٔ متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.



الدَّرْسُ الأوَّلُ



﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾

الأنعام : ١

به کتاب گویا گوش کنید، سپس در یک کار گروهی شعر زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان بپرسید. می‌توانید یک گروه تشکیل دهید و شعر را برای جلسه آینده به صورت سرود اجرا کنید.

مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

أَنْظُرُ لِيَتْلِكَ الشَّجَرَهُ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضِرَهُ^۱
 كَيْفَ نَمَتُ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ
 فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ



وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتَهَا مُسْتَعْرَهُ
 فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَهُ
 مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَهُ



۱- الشَّاعِرُ: مَعْرُوفُ الرِّصَائِي، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَبِي كُرْدَيْي النَّسَبِ وَ أُمَّ تَرْكَمَانِيَّةٍ، لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشَّعْرِ.

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ رَهْ
 ذُو حِكْمَةٍ بِالِغَةِ وَ قُدْرَةٍ مُّقْتَدِرَهْ



أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهْ
 وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالدَّرِّ الْمُنْتَشِرَهْ



وَ أَنْظُرْ إِلَى الْعِيمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهْ

■ به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

مَنْهُمْ رَهْ: ریزان
 نَصْرَهْ: تر و تازه
 نَمَتْ: رشد کرد «مؤنث»
 يُخْرِجُ: در می آورد

ذات: دارای
 ذَاكَ: آن
 زَانٌ: زینت داد
 شَرَرَهْ: اخگر (پاره آتش)
 ضیاء: روشنائی
 عُصُونٌ: شاخه‌ها «مفرد: عُصْنٌ»
 عِيمٌ: ابر
 قُلٌّ: بگو
 مُسْتَعْرَهْ: فروزان

أَنْزَلَ: نازل کرد
 أَنْعَمَ: نعمت‌ها
 أَوْجَدَ: پدید آورد
 بِالِغِ: کامل
 جَدْوَهْ: پاره آتش
 جَهْرٌ: مجهز کرد
 دُرٌّ: مرواریدها (مفرد: دُرٌّ)
 ذَا: این ← هَذَا
 «مَنْ ذَا: این کیست؟»

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوارات (التعارُفُ في مطارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ)

أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ	زائِرٌ مَرَقَدِ أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ
وَ عَلَیْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.	السَّلَامُ عَلَیْكُمْ.
صَبَاحَ النُّورِ وَ السُّرُورِ.	صَبَاحَ الْخَبْرِ يَا أَحْيَى.
أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟	كَيْفَ حَالُكَ؟
عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟	بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.
مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.
إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ.	إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
لَا، مَعَ الْأَسْفِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.	هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟
إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ، مَعَ السَّلَامَةِ.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ!
فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي.	فِي أَمَانِ اللَّهِ.



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان بپرسید.

التَّامِرِينَ

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: كَمُلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَيْنِ.



۱- ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الشُّعْرَاءُ : ۸۴

و برای من یاد نیکو در

۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ الصَّفَّ : ۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

۳- ﴿وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ الْمُؤْمِنُونَ : ۵۱

و کار نیکو

۴- ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ الْأَعْرَافُ : ۴۷

پروردگارا،

۵- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى

صِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به بسیاری نمازشان و و بسیاری حجشان

۶- «إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به کسی که در زمین است

التَّمْرِينُ الثَّانِي: اِقْرَأِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

۱- «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برای (دنیایت □ دنیا □) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می کنی □ لذت می بری □) و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می میری □ نزدیک است بمیری □).

۲- «أَنْظِرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.» أمير المؤمنين علي ؑ

به آنچه گفته است (بنگر □ می نگرم □) و به آن که گفته است (ننگر □ نمی نگرم □).

۳- «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ.» أمير المؤمنين علي ؑ

هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی رسیدند □ مالک قدرت شدند □)؛ شایستگان هلاک شدند.

۴- «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.» أمير المؤمنين علي ؑ

هرکس (دشمنی □ دوستی □) کاشت؛ (زیان □ سود □) درو کرد.

۵- «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ.» أمير المؤمنين علي ؑ

سخن مانند داروست. اندکش (سود می رساند □ شفا می دهد □) و بسیارش کشنده است.



التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَاضِيَ وَالْمُضَارِعَ وَالْأَمْرَ وَالنَّهْيَ.

١- ﴿... وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ...﴾ النحل: ٣٣

٢- ﴿... وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا...﴾ النساء: ٢٩

٣- ﴿... لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ...﴾ يوسف: ٦٧

٤- اطلبوا العلم ولو بالصين فإن طلب العلم فريضة. رسول الله ﷺ

٥- إذا قدرت على عدوك؛ فاجعل العفو عنه شكراً للقدرة عليه. رسول الله ﷺ

٦- قول «لا أعلم» نصف العلم. أمير المؤمنين علي عليه السلام

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ هَذِهِ الْأَفْعَالَ، وَاکْتُبْ نَوْعَهَا.

.....	لا تَكْتُبُ:	اُكْتُبُ:
.....	لا يَكْتُبَنَّ:	اُكْتُبُوا:
.....	سَوْفَ نَكْتُبُ:	سَأَكْتُبُ:
.....	كانوا يَكْتُبُونَ:	ما كَتَبْتُمْ:

التمرين الخامس: اكتب في الفراغ كلمة مناسبة حسب المعنى.

- ١- الأعداد الأصليَّة هي: واحد / / / أربعة /
- سِتَّة / / ثمانية / / عشرة / / إنا عشر
- ٢- الأعداد الترتيبية هي: الأول / / الثالث / / الخامس /
- / السابع / / العاشر / / الثاني عشر
- ٣- أيام الأسبوع سبعة وهي: يوم السبت و ال و الإثنين و
- و و و الجمعة.
- ٤- فصول السنة أربعة وهي: فصل الربيع و و الخريف و
- ٥- نأكل الفطور في الصباح و في الظهر و في الليل.
- ٦- لَوْنُ الغُرابِ، و لَوْنُ السَّحابِ و لَوْنُ البَحْرِ، و لَوْنُ الموزِ، و لَوْنُ الرُّمانِ، و لَوْنُ الشَّجَرِ

التمرين السادس: ضع في الدائرة العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة».

- ١- الشَّرَرَةُ من الأحجار الجميلة الغالية ذات اللون الأبيض.
- ٢- الشَّمْسُ جذوتها مستعرة، فيها ضياءٌ وبها حرارةٌ منتشرة.
- ٣- القَمَرُ كوكبٌ يدور حول الأرض؛ ضياؤه من الشمس.
- ٤- الأَنعَمُ بخارٌ متراكمٌ في السماء ينزل منه المطر.
- ٥- العَيمُ من الملابس النسائية ذات الألوان المختلفة.
- ٦- الفُستَانُ قطعة من النار.
- ٧- الدَّرَرُ

الْتَمْرِينُ السَّابِعُ: صَعِّ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرَجِمَهَا.

هُؤْلَاءِ فَايْرَاتُ / هَذَا دَلِيلَانِ / تِلْكَ الْبَطَارِيُّهُ / أَوْلَيْكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ أَصْدِقَاءُ / هَاتَانِ الرَّجَايَاتَانِ

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر

الْتَمْرِينُ الثَّامِنُ: اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

- ١- ناصِر، مَنْصُور، أَنْصَار:
- ٢- أَحْمَد، مُحَمَّد، حَمِيد:
- ٣- صَبَّار، صَبُور، صَابِر:
- ٤- مِفْتَاح، إِفْتِتَاح، فَاتِحَة:

الْتَمْرِينُ التَّاسِعُ: صَعِّ الْمُتْرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. = ≠

ضِيَاءُ / نَامٌ / نَاجِحٌ / مَسْرُورٌ / قَرِيبٌ / جَمِيلٌ / نِهَآيَة / يَمِينٌ / غَالِيَة / شِرَاءٌ / مَسْمُوحٌ / مُجِدٌّ

رَخِيصَة	رَاسِبٌ	يَسَارٌ	حَزِينٌ
بَيْعٌ	بِدَايَة	بَعِيدٌ	مُجْتَهِدٌ
رَقَدَ	قَبِيحٌ	نُورٌ	مَمْنُوعٌ

الْتَمْرِينُ الْعَاشِرُ: أَرْسُمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



الْتَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعًا



الْتَّامِثَةُ وَ النُّصْفُ



الْخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ

﴿ اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ ﴾

ابْحَثْ فِي الْاِنْتَرْنِتِ اَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيْرٍ اَوْ جَمَلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظْمَةِ
مَخْلُوْقَاتِ اللّٰهِ، ثُمَّ تَرْجِمْهُ اِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِيْنًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.

جبال كيركوه في مَدِيْنَةِ بَدْرَةَ بِمُحَافَظَةِ اِيْلَام



﴿ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا ﴾

آلِ عِمْرَانَ: ١٩١

الدَّرْسُ الثَّانِي



قال رسول الله ﷺ :

تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.

به کتاب گویا گوش کنید، سپس در یک کار گروهی سخنان حکیمانه زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان بپرسید.

الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

﴿الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ: ظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَظُلْمٌ يَغْفِرُهُ، وَظُلْمٌ لَا يَتْرُكُهُ. فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشَّرْكَ. قَالَ اللَّهُ: ﴿إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ أَنْفُسَهُمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ رَبِّهِمْ، وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَتْرُكُهُ اللَّهُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا.

﴿سَبْعٌ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَهُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، أَوْ أَجْرَى نَهْرًا، أَوْ حَفَرَ بَيْرًا، أَوْ عَرَسَ نَخْلًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ وَرَثَ مُصْحَفًا، أَوْ تَرَكَ وَلَدًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

﴿جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِئَةَ جُزْءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ جُزْءًا وَأَنْزَلَ فِي الْأَرْضِ جُزْءًا وَاحِدًا، فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتْرَاحُمُ الْخَلْقُ.

﴿إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ، وَطَعَامَ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَالْأَرْبَعَةَ، كُلُوا جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَاتَةَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.

﴿إِثْنَانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اثْنَيْنِ وَأَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ.

﴿مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ يَتَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.

﴿أَرْبَعَةٌ قَلِيلٌهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَالْوَجْعُ وَالْعِدَاوَةُ وَالتَّارُ.

اَلْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ اَجْزَاءُ تِسْعَةٌ اَجْزَاءٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

اِذَا كَانَ اِثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلُ بَيْنَهُمَا.

به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

أَجْرِي: جاری کرد

أَخْلَصَ: مُخْلِصٌ شد

أَمْسَكَ: به دست گرفت و نگه داشت

بَعْضٌ ... بَعْضًا: یکدیگر

بَنَى: ساخت

عَلَّمَ: یاد داد

عَرَسَ: کاشت

كَلُوا: بخورید

لَا تَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید

وَرَّثَ: به ارث گذاشت

يَتَرَاخَمُ: به هم مهربانی می کنند

يَتَنَاجَى: با هم راز می گویند

يَجْرِي: جاری است

يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می خواهد

يَكْفِي: بس است

يَنَابِيعُ: جوی های پر آب، چشمه ها

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- يَجْرِي أَجْرٌ حَفَرَ الْبَيْرَ لِلْعَبْدِ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ.

۲- أَنْزَلَ اللَّهُ تِسْعَةَ وَ تِسْعِينَ جُزْءًا مِنَ الرَّحْمَةِ لِلْخَلْقِ.

۳- يَجْرِي أَجْرٌ اسْتِغْفَارِ الْوَالِدِ لِلْوَالِدَيْنِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا.

۴- إِنَّ طَعَامَ الْإِنْتَيْنِ لَا يَكْفِي الثَّلَاثَةَ.

۵- يَغْفِرُ اللَّهُ الشُّرْكَ لِأَنَّهُ ظَلَمٌ صَغِيرٌ.

إِعْلَمُوا الأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

الأَعْدَادُ الْأَصْلِيَّةُ (وَاحِدٌ إِلَى عِشْرِينَ)		الأَعْدَادُ التَّرْتِيبِيَّةُ (الأَوَّلُ إِلَى العِشْرِينَ)		الأَعْقُودُ
وَاحِدٌ ۱	أَحَدَ عَشَرَ ۱۱	الأَوَّلُ ۱م	الأَحَادِي عَشَرَ ۱۱م	
إِثْنَانِ ۲	إِثْنَاعَشَرَ ۱۲	الثَّانِي ۲م	الثَّانِي عَشَرَ ۱۲م	عِشْرُونَ ۲۰
ثَلَاثَةٌ ۳	ثَلَاثَةَ عَشَرَ ۱۳	الثَّالِثُ ۳م	الثَّالِثَ عَشَرَ ۱۳م	ثَلَاثُونَ ۳۰
أَرْبَعَةٌ ۴	أَرْبَعَةَ عَشَرَ ۱۴	الرَّابِعُ ۴م	الرَّابِعَ عَشَرَ ۱۴م	أَرْبَعُونَ ۴۰
خَمْسَةٌ ۵	خَمْسَةَ عَشَرَ ۱۵	الخَامِسُ ۵م	الخَامِسَ عَشَرَ ۱۵م	خَمْسُونَ ۵۰
سِتَّةٌ ۶	سِتَّةَ عَشَرَ ۱۶	السَّادِسُ ۶م	السَّادِسَ عَشَرَ ۱۶م	سِتُونَ ۶۰
سَبْعَةٌ ۷	سَبْعَةَ عَشَرَ ۱۷	السَّابِعُ ۷م	السَّابِعَ عَشَرَ ۱۷م	سَبْعُونَ ۷۰
ثَمَانِيَةٌ ۸	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ ۱۸	الثَّامِنُ ۸م	الثَّامِنَ عَشَرَ ۱۸م	ثَمَانُونَ ۸۰
تِسْعَةٌ ۹	تِسْعَةَ عَشَرَ ۱۹	التَّاسِعُ ۹م	التَّاسِعَ عَشَرَ ۱۹م	تِسْعُونَ ۹۰
عَشْرَةٌ ۱۰	عِشْرُونَ ۲۰	العَاشِرُ ۱۰م	العَاشِرُونَ ۲۰م	

- ۱- به کلمات «رجال» و «گوگبأ» در «خَمْسَةُ رِجَالٍ» و «أَحَدَ عَشَرَ كُوكِبًا» محدود گفته می شود.
- ۲- گاهی عددهای ثلاثه تا عَشْرَةَ بدون «ة» می آیند؛ مثال: ثلاث و ثلاثه؛ أَرْبَع و أَرْبَعَة.
- ۳- «مِئَة» به معنای «صد» به صورت «مِائَة» نیز نوشته می شود.
- ۴- عُقُود از بیست تا نود با «وَنَ» و «يَنَ» می آید؛ مثال: أَرْبَعُونَ و أَرْبَعِينَ.



إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

.....	﴿ثَلَاثِينَ لَيْلَةً﴾ الأعراف: ١٤٢
.....	﴿سَبْعِينَ رَجُلًا﴾ الأعراف: ١٥٥
.....	﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ المذثر: ٣٠
.....	﴿سَبْعَةُ أَبْوَابٍ﴾ الحج: ٤٤
.....	﴿عَشْرُونَ صَابِرُونَ﴾ الأنفال: ٦٥
.....	﴿سِتِّينَ مَسْكِينًا﴾ المُجَادَلَة: ٤
.....	﴿سِتَّةَ أَيَّامٍ﴾ ق: ٣٨
.....	﴿زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ٢٧
.....	﴿مِئَّةَ حَبَّةٍ﴾ الْبَقَرَة: ٣٦١
.....	﴿إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينٍ﴾ الْمَائِدَة: ٨٩



﴿ فَنُتْرَجَمَةُ ﴾

گاهی حرف اضافه معنای فعل را تغییر می دهد؛ مثال:

«قام: ایستاد» و «قامَ بِ: اقدام کرد، عمل کرد، پرداخت»

«جاءَ، أَتَى: آمد» و «جاءَ بِ، أَتَى بِ: آورد»

يَدْخُلُ الْأُسْتَاذُ فِي الصَّفِّ فَيَقُومُ الطُّلَابُ احْتِرَامًا لَهُ.

استاد وارد کلاس می شود و دانشجویان به احترامش بر می خیزند.

قَامَ جَدِّي بِتَوْزِيعِ الْهَدَايَا عَلَى الْبَنَاتِ وَالْبَنِينَ فِي الْحَفْلَةِ.

پدربزرگم در جشن، به پخش هدیه ها میان دختران و پسران پرداخت.

جَاءَ أَخِي الْمِضْيَافُ بِالطَّعَامِ لِضَيْوْفِنَا الْأَعْرَاءِ.

برادرِ میهمانِ نوازم برای میهمانانِ گرمیمان خوراک آورد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. ﴿نُورُ السَّمَاءِ﴾

۱- ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾ غافر: ۲۵

۲- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ﴾ الروم: ۴۷

۳- ﴿مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ القصص: ۷۱

۴- ﴿وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ﴾ يوسف: ۵۸

۵- ﴿قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى﴾ الأنعام: ۹۱

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جوارات (في مطار النجف الأشرف)

سائح من إيران	سائح من الكويت
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
مَسَاءَ الْخَيْرِ يَا حَبِيبِي.	مَسَاءَ النَّورِ يَا عَزِيزِي.
هَلْ حَضَرْتِكَ مِنَ الْعِرَاقِ؟	لَا؛ أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ. أَأَنْتَ مِنَ بَاكِسْتَانِ؟
لَا؛ أَنَا إِيرَانِيٌّ. كَمْ مَرَّةً جِئْتَ لِلزِّيَارَةِ؟	جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى؛ وَكَمْ مَرَّةً جِئْتَ أَنْتَ؟
أَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.	كَمْ عُمْرُكَ؟
عُمْرِي سِتَّةَ عَشَرَ عَامًا.	مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟
أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جَوِيْبَارِ فِي مُحَاقَطَةِ مازَنْدَرَانِ.	مَا أَجْمَلُ غَابَاتِ مازَنْدَرَانِ وَطَبِيعَتِهَا!
هَلْ ذَهَبْتَ إِلَى إِيرَانَ مِنْ قَبْلُ؟!	نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الرُّضَا، ثَامِنِ أَيْمُنِنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ.
كَيْفَ وَجَدْتَ إِيرَانَ؟	إِنَّ إِيرَانَ بِلَادٌ جَمِيلَةٌ جِدًّا، وَ الشَّعْبُ الْإِيرَانِيَّ شَعْبٌ مِضْيَافٌ.



التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: اِقْرَأِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ تَرْجِمْهَا.

۱- ﴿... سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةً سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ ... وَيَقُولُونَ سَبْعَةً وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ...﴾ الْكَهْفُ: ٢٢

۲- ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ...﴾ يُونُسُ: ٤

۳- ﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعَجَةً وَلِي نَعَجَةٌ وَاحِدَةٌ...﴾ ص: ٢٣

۴- ﴿قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا الْإِهْنِي اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ﴾ النَّحْلُ: ٥١

۵- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا...﴾ الْأَنْعَامُ: ١٦٠

التَّمْرِينُ الثَّانِي: أَجِبْ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ التَّالِيَةِ.

(+ زائد) (- ناقص) (: تقسيم على) (× ضرب في)

۱- عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ.

۲- تِسْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةٍ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.

۳- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عِشْرِينَ.

۴- سِتَّةٌ فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةً وَ سِتِّينَ.

۵- خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةٍ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.

۶- اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اِثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا مُنَاسِبًا.

- ١- الْيَوْمُ الـ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْوَحْدِ.
- ٢- الْيَوْمُ الـ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ.
- ٣- الْفَصْلُ الرَّابِعُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلٌ الـ
- ٤- الْفَصْلُ الـ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الْخَرِيفِ.
- ٥- يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً وَ الْفَائِزُ الـ جَائِزَةً فَضِيَّةً.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغَاتِ أَعْدَادًا مُنَاسِبَةً.

مِنْ وَاحِدٍ إِلَى ثَلَاثِينَ				
.....	أَرْبَعَةٌ	ثَلَاثَةٌ	وَاحِدٌ
عَشْرَةٌ	تِسْعَةٌ	سَبْعَةٌ
.....	أَرْبَعَةَ عَشَرَ	ثَلَاثَةَ عَشَرَ	أَحَدَ عَشَرَ
عِشْرُونَ	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ	سَبْعَةَ عَشَرَ
.....	أَرْبَعَةَ وَ عِشْرُونَ	إِثْنَانِ وَ عِشْرُونَ	وَاحِدٌ وَ عِشْرُونَ
ثَلَاثُونَ	تِسْعَةَ وَ عِشْرُونَ	ثَمَانِيَةَ وَ عِشْرُونَ	سِتَّةَ وَ عِشْرُونَ

الْعُقُودُ			
خَمْسُونَ	أَرْبَعُونَ	عِشْرُونَ
.....	ثَمَانُونَ	سَبْعُونَ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا مِنَ الْأَعْدَادِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ».

عَشْرَةٌ / مِئَةٌ / حَمْسٌ / عِشْرِينَ / خَمْسِينَ / ثَلَاثَةٌ / وَاحِدٌ

١- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا عامًا﴾ ← (٩٥٠)

الْعَنَكَبُوتُ: ١٤

٢- ﴿وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ﴾ ← (+١٠٠٠٠٠)

الضَّافَّاتُ: ١٤٧

٣- فَقِيهٌ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- الصَّبْرُ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَصَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَصَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ الْوَرَعُ فِي الْخُلُوعِ، وَالصَّدَقَةُ فِي الْقِلَّةِ وَالصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ،

الْإِمَامُ السَّجَّادُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَالْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَالصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ.

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ الصَّمِيرِ الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرَجِّمِ الْجُمْلَ.

أَنَا / أَنْتَ ، أَنْتِ / هُوَ ، هِيَ نَحْنُ / أَنْتُمْ ، أَنْتُنَّ ، أَنْتُمْ / هُمْ ، هُنَّ ، هُمَا

.....	سَيَمِضِي	لَا أَنْسَى	مَا وَضَعُوا
.....	سَوْفَ يَقُومُ	سَتَنْزِلُونَ	لَا يَصْرُخُونَ
.....	مَا وَقَعَتْ	وَصَلْتُنَّ	كَانَتَا تَنْصَحَانِ
.....	كَانُوا يَقْدِفُونَ	لَا تَكْتُمُ	اِكْشِفُوا
.....	طَلَبْتُ	عَطَّرْتُ	مَا عَلِمْنَا
.....	لَا تَطْرُدُوا	لَا تَنْدَمَنَّ	تَطْبَعِينَ

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. هَلْ تَعْلَمُ أَنْ ...

- ١- ... أَكْبَرَ عَنكَبُوتٍ، تَعِيشُ فِي الْبِرَازِيلِ وَ وَزْنُهَا مِئَةٌ وَ سَبْعُونَ غِرَامًا؟ (غرام: گرم)
- ٢- ... الْكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟
- ٣- ... النَّمْلَةُ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟
- ٤- ... الْغُرَابُ يَعِيشُ عِشْرِينَ سَنَةً إِلَى ثَلَاثِينَ أَوْ أَكْثَرَ؟
- ٥- ... ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ؟
- ٦- ... طَوْلُ قَامَةِ الزَّرَافَةِ سِتُّهُ أَمْتَارًا؟ (أمتار: جمع متر)



التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: اكْتُبِ السَّاعَةَ بِالْأَرْقَامِ.

- ١- الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ إِلَّا عَشْرَ دَقَائِقَ.
- ٢- السَّابِعَةَ وَ عِشْرُونَ دَقِيقَةً.
- ٣- الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَامًا.
- ٤- السَّادِسَةَ إِلَّا رُبْعًا.
- ٥- الْخَامِسَةَ وَ النِّصْفَ.

كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۱- ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي

يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾ طه: ۲۵ إلى ۲۸

پروردگارا را برایم بگشای و کارم را آسان گردان و
گره از بگشا [تا] سخنم را بفهمند.

۲- ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

البقرة: ۲۰۱

پروردگارا، در دنیا به ما نیکی و [نیز] نیکی بده و ما را از عذاب
..... نگاه دار.

۳- ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ

عِنْدَ اللَّهِ﴾ البقرة: ۱۱۰

و را برپای دارید و زکات بدهید و هرچه را از کار نیک برای
..... پیش بفرستید، خدا می یابید.

۴- ﴿رَبَّنَا أفرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أقدامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ

الْكَافِرِينَ﴾ البقرة: ۲۵۰

پروردگارا صبر عطا کن و استوار کن و ما را بر
گروه بی ایمانان



۵- ﴿وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ [الاسراء: ۲۴]

و در برابرشان [در برابر پدر و مادر] بال فروتنی را از روی مهربانی فرود آر و پروردگارا، همان‌گونه که آنها مرا در پرورش دادند، به آنان مهربانی کن.

۶- ﴿وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۸]

و بگو پروردگارا ببخشای و و تو مهربانانی.

۷- ﴿وَمَا ظَلَمْنَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۵۷]

و [در این ناسپاسی] به ما بلکه به خودشان

۸- ﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾ [القصص: ۱۶]

پروردگارا قطعاً من به خودم ؛ پس مرا

۹- ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ﴾ [البقرة: ۲۳۵]

و که خدا آنچه را در دل هایتان است،



﴿الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ﴾

إِنِحْتُ عَنْ آيَةٍ وَاحِدَةٍ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ وَ حَدِيثٍ وَاحِدٍ فِي نَهْجِ الْفَصَاحَةِ فِيهِمَا
عَدَدٌ عَلَى حَسَبِ ذَوْقِكَ.



﴿فَافْرَوْا مَا تَيْسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾

الْمُرْمَل: ٢٠

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَاباً فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ...﴾

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

به کتاب گویا گوش کنید، سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان بپرسید. می‌توانید نماهنگ باران ماهی را تهیه کنید و در کلاس نمایش دهید.

مَطَرُ السَّمَكِ

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَساقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! إِنْ نُزِلَ الْمَطَرُ وَ النَّلْجُ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ وَلَكِنْ أَيْمُكُنْ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟! حَسَنًا فَانظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.



انظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِرُ أَسْمَاكَ. يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكِ». حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا. يَخْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُوراس فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى.



تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا. فَيَلْحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً
وَ رَعْدًا وَ بَرَقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الأَرْضُ
مَفْرُوشَةً بِالأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا.



حَاوَلَ العُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ العَجِيبَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِيَزِيْرَةَ المَكَانِ وَ
التَّعْرُفِ عَلَى الأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ، فَوَجَدُوا أَنَّ
جَمِيعَ الأَسْمَاكِ المُنْتَشِرَةِ عَلَى الأَرْضِ بِحَجْمِ وَاحِدٍ وَ نَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الغَرِيبَ فِي الأَمْرِ أَنَّ
الأَسْمَاكِ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالمِيَاهِ المُجَاوِرَةِ بَلْ بِمِيَاهِ المُحِيطِ الأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً
مِائَتَيْ كِيلُومِترٍ عَن مَحَلِّ سُقُوطِ الأَسْمَاكِ. مَا هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟! يَحْدُثُ
إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الأَسْمَاكِ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَ يَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَمَا
يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَساقَطُ عَلَى الأَرْضِ.

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الهِنْدُوراسِ بِهَذَا اليَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمُّونَهُ «مَهْرَجَانَ مَطَرِ السَّمَكِ».

﴿وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾

البقرة: ٢٢

به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

سَنَوِيّ: سالانه	تَرَى: می بینی، ببینی	أَثَارَ: برانگیخت
صَدَّقَ: باور کرد	تَسَاقَطَ: افتاد	إِحْتَفَلَ: جشن گرفت
حَتَّى تُصَدِّقَ: تا باور کنی	التَّعَرَّفُ عَلَيَّ: شناختن	أَصْبَحَ: شد
ظَاهِرَةٌ: پدیده «جمع: ظواهر»	تَلَجَ: برف، یخ «جمع: تُلُوج»	إِعْصَارَ: گردباد
فَلِمَ: فیلم «جمع: أفلام»	حَسَنًا: بسیار خوب	أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی
لَاخَظَ: ملاحظه کرد	حَيَّرَ: حیران کرد	أَمَطَرَ: باران بارید
الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِيّ: اقیانوس اطلس	سَحَبَ: کشید	بَسَطَ: گستراند
مَفْرُوشَ: پوشیده، فرش شده	سَمَى: نامید	بَعُدَ: دور شد
مِهْرَجَانِ: جشنواره	سَوْدَاءَ: سیاه (مؤنثِ أَسْوَد)	بُنِيَ: پسرکم

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهِنْدُوْرَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَ يُسَمُّوْنَهُ «مِهْرَجَانِ الْبَحْرِ».
- ۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَيَّ الْأَرْضِ.
- ۳- يَتَسَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تَلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيْبَةِ.
- ۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلَجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ.
- ۵- تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ.

إِعْلَمُوا

أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (١)

در زبان فارسی به فعل‌هایی مانند «رفت» و «برگشت» سوم شخص مفرد می‌گوییم. فعل‌ها در زبان عربی بر اساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» به دو گروه تقسیم می‌شود.

گروه اول: فعل‌هایی که در شکل سوم شخص مفرد فقط از سه حرف اصلی تشکیل می‌شود.

گروه دوم: فعل‌هایی که در شکل سوم شخص مفرد علاوه بر سه حرف اصلی، حروف زائد دارد.

بیشتر فعل‌های «ماضی سوم شخص مفرد» که در متوسطه اول با آن آشنا شدید از سه حرف اصلی تشکیل می‌شد؛ مانند خَرَجَ، عَرَفَ، نَظَرَ و شَكَرَ.

«ماضی سوم شخص مفرد» برخی فعل‌ها نیز بیشتر از سه حرف است؛ مانند اِسْتَخْرَجَ، اِغْتَرَفَ، اِنْفَجَرَ و تَشَكَّرَ؛ در کتاب‌های عربی متوسطه اول تا حدودی با چنین فعل‌هایی آشنا شده بودید.

اکنون با فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است، بیشتر آشنا شوید.

المصدر	الأمر	المضارع	الماضي
اِسْتِرْجَاع: پس گرفتن	اِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	اِسْتَرْجَعَ: پس گرفت
اِسْتِغَالَ: کار کردن	اِسْتَعْلُ: کار کن	يَسْتَعْلُ: کار می‌کند	اِسْتَعَلَ: کار کرد
اِنْفِتَاح: باز شدن	اِنْفَتِحْ: باز شو	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	اِنْفَتَحَ: باز شد
تَخْرُجُ: دانش‌آموخته شدن	تَخَرَّجْ: دانش‌آموخته شو	يَتَخَرَّجُ: دانش‌آموخته می‌شود	تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شد

اِحْتَبَرَ نَفْسَكَ:

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

مصدر	امر	مضارع	ماضى
اِسْتَعْفَار: آمرزش خواستن	اِسْتَعْفِرْ:	يَسْتَعْفِرُ:	اِسْتَعْفَرَ:
اِعْتِذَار: عذر خواستن	اِعْتِذِرْ:	يَعْتِذِرُ:	اِعْتَذَرَ:
اِنْقِطَاع: قطع شدن	اِنْقِطِعْ:	يَنْقِطِعُ:	اِنْقَطَعَ:
تَكَلُّم: صحبت کردن	تَكَلِّمْ:	يَتَكَلَّمُ:	تَكَلَّمَ:

تَرْجِمِ جُمْلَ هَذِهِ الْجَدَاوِلِ.

الْجَدْوَلُ الْأَوَّلُ: اِمْتِنَعَ ، يَمْتَنِعُ «اِمْتِنَاعُ : خودداری کردن»

هُوَلَاءِ اِمْتَنَعُوا.	أَنَا اِمْتَنِعُ.	يَا زَمِيلَانِي، هَلِ اِمْتَنَعْتُنَّ؟	يَا حَبِيبِي، اِمْتَنِعْ.	إِخْوَتِي لَا يَمْتَنِعُونَ.

الْجَدْوَلُ الثَّانِي: اِسْتَعْفَرَ ، يَسْتَعْفِرُ «اِسْتَعْفَارُ : آمرزش خواستن»

هَلِ اِسْتَعْفَرْتَنِي؟	الْمُؤْمِنُ يَسْتَعْفِرُ.	نَحْنُ اِسْتَعْفَرْنَا.	اِسْتَعْفِرْ رَبِّكَ.	أَلَا تَسْتَعْفِرُ أَنْتَ؟

الْجَدْوَلُ الثَّلَاثُ: اِنْقَطَعَ ، يَنْقِطِعُ «اِنْقِطَاعُ : قطع شدن»

اِنْقَطَعَتِ الْكِبْرَبَاءُ.	اِنْقَطِعْ يَا مَطْرٌ.	لَا تَنْقِطِعْ يَا مَطْرٌ.	لَا يَنْقِطِعُ رَجَائِي.	الشَّجَرَتَانِ مَا اِنْقَطَعَا.

الْجَدْوَلُ الرَّابِعُ: تَعَلَّمَ ، يَتَعَلَّمُ «تَعَلُّمُ : یاد گرفتن»

زَمَلَانِي تَعَلَّمُوا.	نَحْنُ تَعَلَّمْنَا.	تَعَلَّمْ يَا صَدِيقِي.	أَأَنْتُمْ تَتَعَلَّمُونَ؟	تَعَلَّمُوا أَنْتُمْ.

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جَوَارَاتُ (فِي قِسْمِ الْجَوَارَاتِ فِي الْمَطَارِ)

الْمُسَافِرُ الْإِيرَانِيُّ	شُرْطِيٌّ إِدَارَةُ الْجَوَارَاتِ
نَحْنُ مِنَ إِيْرَانٍ وَ مِنْ مَدِينَةِ زَابُلٍ.	أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟
أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.	مَرْحَبًا بِكُمْ. شَرَفْتُمُونَا.
أَحِبُّ هَذِهِ اللَّغَةَ. الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ.	مَا شَاءَ اللَّهُ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!
سَتَّةٌ: وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَحْوَايَ!	كَمْ عَدَدَ الْمُرَافِقِينَ؟
نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِّنَا بِطَاقَتِهِ بِيَدِهِ.	أَهْلًا بِالضُّيُوفِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بِلِطَاقَاتِ الدُّخُولِ؟
عَلَى عَيْنِي.	الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْيَسَارِ.
نَحْنُ جَاهِزُونَ.	رَجَاءً؛ اجْعَلُوا جَوَارَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.



۱- وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَحْوَايَ: پدر و مادرم، دو خواهرم و دو برادرم

تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان بپرسید.

الْتَمَارِينُ

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ x

- ۱- الْمَهْرَجَانُ احْتِفَالٌ عَامٌّ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمَهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مَهْرَجَانِ الْأَفْلَامِ.....
- ۲- التَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ.....
- ۳- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.....
- ۴- الْأَعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ، لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ.....
- ۵- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ.....

الْتَمَرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ صَمِيرًا مُنَاسِبًا لِلْفِعْلِ، ثُمَّ تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ.

أَنَا / أَنْتَ ، أَنْتِ / هُوَ ، هِيَ نَحْنُ / أَنْتُمْ ، أَنْتُنَّ ، أَنْتُمَا / هُمْ ، هُنَّ ، هُمَا

.....	تَكَلَّمَ	لا يَقْرَأُ	مَا اعْتَدَرْنَا
.....	ما قاموا	إِغْرَسِي	يَنْتَفِعُونَ
.....	ما وَقَعَتْ	سَاحَتِفَلُ	انصَحُوا
.....	سَنَشْتَعِلُ	أَسْتَغْفِرُ	اسْتَغْفِرُ
.....	سَوْفَ تَنْتَظِرُنَ	لَا حَظَّتْ	تَبْسُطُونَ
.....	لا تَنْبِهِي	إِنْبَعَثْ	تَنْخَرِجِينَ

الْتَمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمُ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثِ.

١- ﴿فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ﴾ آل عمران: ١٣٥

٢- ﴿فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾ يونس: ٢٠

٣- ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ﴾ الْمُرَّمَل: ١٠

٤- النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

٥- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل اسلام پژوه، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی

آراسته به حدیث حضرت علی عليه السلام

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- | | | |
|-----------------|-----------------------|---|
| ١- الْمَسْجِدُ | <input type="radio"/> | يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ. |
| ٢- الْمِشْمِشُ | <input type="radio"/> | عَيْنُ الْمَاءِ وَ نَهْرٌ كَثِيرُ الْمَاءِ. |
| ٣- الْيَنْبُوعُ | <input type="radio"/> | فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً أَيْضًا. |
| ٤- الْمَوْتُ | <input type="radio"/> | بَيْتٌ مُقَدَّسٌ لِأَدَاءِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ. |
| ٥- اللَّيْلُ | <input type="radio"/> | الْوَقْتُ الْمُمْتَدُّ مِنْ مَغْرِبِ الشَّمْسِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ. |
| ٦- الصَّفُّ | | |

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةَ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / مِهْرَجَانَ / نَزُولَ

/ / / /

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: صَعِّ فِي الْفُرَاقِ فِعْلًا مُنَاسِبًا.

- | | | | | |
|-----------------------|--------------|-----------------------|--------------|---|
| <input type="radio"/> | إِغْفِرُ | <input type="radio"/> | إِسْتَغْفِرُ | ١- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لِذَنْبِكَ﴾ الْغَافِرُ: ٥٥ |
| <input type="radio"/> | نَخْرُجُ | <input type="radio"/> | نَتَخَرَّجُ | ٢- إِنْ شَاءَ اللَّهُ سَوْفَ كُلُّنَا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ. |
| <input type="radio"/> | قَطَعَ | <input type="radio"/> | انْقَطَعَ | ٣- إِلَهِي قَدْ رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ وَ أَنْتَ رَجَائِي. |
| <input type="radio"/> | يَنْتَظِرُ | <input type="radio"/> | يَنْظُرُ | ٤- كَانَ صَدِيقِي وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ. |
| <input type="radio"/> | اسْتَلَمْنَا | <input type="radio"/> | سَلِمْنَا | ٥- أَنَا وَ زَمِيلِي رَسَائِلَ عَبْرِ الْإِنْتَرْنِتِ. |



الَّتَمْرِينُ السَّابِعُ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ.

إِبْتَسَمَ

لبخند زد

إِبْتَسَمَ	تَبَسَّمَ	إِبْتَسَمِي	تَبَسَّمُونَ	يَبْتَسِمُونَ	إِبْتَسَمُوا
.....

إِحْتَرَقَ

آتش گرفت

إِحْتَرَقَ	كَانُوا يَحْتَرِقُونَ	تَحْتَرِقِينَ	لَا تَحْتَرِقُونَ	سَيَحْتَرِقَانِ	إِحْتَرَقُوا
.....

إِنْمَتَحَ

باز شد

إِنْمَتَحَ	لَا يَنْمَتِحُ	إِنْمَتِحْ	إِنْمَتَحَتَا	سَيَنْمَتِحُ	إِنْمَتَحَتْ
.....

تَعَرَّفَ

شناخت

تَعَرَّفَ	نَتَعَرَّفُ	تَعَرَّفْنَا	تَتَعَرَّفُونَ	تَعَرَّفَ	تَعَرَّفُوا
.....



التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: تَرَجِمَ الْجُمَلَ التَّالِيَةَ.

﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾	﴿يَعْرِفُونَهُمْ﴾	﴿رَجَعُوا إِلَيْهِمْ﴾
.....
﴿يَقُولُونَ سَمِعْنَا﴾	﴿وَلَا تَيَاسُوا﴾	﴿أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾
.....
﴿ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ﴾	﴿اسْتَخْرَجَهَا﴾	﴿أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾
.....
﴿لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ﴾	﴿تَجْعَلُهُمْ أُتَمَّةً﴾	﴿ظَلَمْتُ نَفْسِي﴾
.....
﴿اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾	﴿اغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾	﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ﴾
.....
﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾	﴿وَاتْرِكِ الْبَحْرَ﴾	﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا﴾
.....

﴿كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾	﴿حَفِظْنَاهَا﴾
.....



الْتَمْرِينُ التَّاسِعُ: عَيْنِ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يَنْقَطِعُ»: انْقَطَعَ قَطَعَ تَقَطَّعَ
- ٢- الْمُضَارِعُ مِنْ «اسْتَرْجَعَ»: يُرَاجِعُ يَرْجِعُ يَسْتَرْجِعُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَعَلَّمَ»: اسْتِعْلَامٌ تَعَلَّمَ تَعْلِيمٌ
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تَسْتَمِعُ»: اسْتَمِعْ تَسْمَعْ اسْمَعْ
- ٥- النَّهْيُ مِنْ «تَحْتَفِلُ»: مَا اخْتَفَلْ لَا تَحْتَفِلْ لَا تَحْتَفِلْ
- ٦- الْمُسْتَقْبَلُ مِنْ «يَبْتَسِمُ»: سَيَبْتَسِمُ ابْتَسَمَ ابْتَسِمَ

الْتَمْرِينُ العَاشِرُ: صَعُ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً.

- ١- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾ لا تَتَّخِذُوا لا تُخْبِرُوا
- ٢- ﴿وَمَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ﴾ نَتْرَاحِمُ أَرْسَلْنَا
- ٣- يَا أُخْتِي، أَنَا لَا أَكْذِبُ؛ لِمَاذَا لَا كَلَامِي؟ تَقْوَمِينَ تُصَدِّقِينَ
- ٤- يَا بُنَيَّ، مَاذَا تُرِيدُ مِنْ أُمَّكَ؟ لَقَدْ هَا. حَيَّرْتُ غَيَّرْتُ
- ٥- يَا لَيْتَ السَّمَاءَ عَلَيْنَا كَثِيراً هَذَا الْيَوْمَ! يُمَسِّكُ تُمْطِرُ

١- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خود را دوست نگیرید. الْمُمْتَحَنَةُ : ١
٢- و ما هیچ پیامبری را جز به زبان مردمش نفرستادیم. إبراهيم: ٤

إِنْتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۱- ﴿وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ يوسف: ۸۷

و از رحمت خدا ناامید نشوید نشدند ؛ زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا ناامید نشده است نمی‌شود .

۲- ﴿أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ آل‌حل: ۱۲۵

با دانش و فرمان اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به [شیوه‌ای] که خوب بهتر است گفت‌وگو کن.

۳- ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي﴾ الْبَقَرَة: ۱۵۲

پس ما را مرا یاد کنید؛ تا شما را یاد کنم و از من سپاس‌گزاری کنید شکرگزاری کنید .

۴- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾

خدا به کسی جز به اندازه توانش درخواستش تکلیف نمی‌دهد؛ ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾

هرکس آنچه را که [از خوبی‌ها] کسب کرده به سودش زیانش است، و آنچه را [نیز که از بدی‌ها] کسب کرده به سودش زیانش است.

۶- ﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا﴾

[و مؤمنان گویند] پروردگارا، اگر گناه کردیم فراموش کردیم یا
خطا کردیم ما را بازخواست مکن؛

۷- ﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا﴾

پروردگارا، و [به کیفر گناهانمان] بار تکلیف سنگین بر ما

مگذار نگذاشتی ، چنانکه بر کسانی که

در گذشته پیش از ما بودند بنهادی.

۸- ﴿رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾

پروردگارا، و آنچه طاقتش را نداریم نخواهیم داشت بر ما تحمیل
مکن؛

۹- ﴿وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾

و از ما درگذر، و ما را هدایت کن ببخشای ،

و به ما رحم کن رحم کرده‌ای .

الْبَقَرَة: ۲۸۶



اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَن قِصَّةِ فُرْأَنِيَّةِ فَصِيْرَةٍ بِاَللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتِرْنِتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ
تَرَجِّمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.



الدَّرْسُ الرَّابِعُ

وَأَقْرَبُ إِلَيْنَا
وَأَجْمَعُكُمْ بِحَبِيبِ

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾

به کتاب گویا گوش کنید، سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه خود را از دبیرتان پرسید.

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ
الْإِسَاءَةِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ
بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ فَصَّلَتْ : ٣٤

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْبُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ فَهُوَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ...﴾ الْأَنْعَامُ : ١٠٨

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ؛ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ
بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً﴾ آلِ عِمْرَانَ : ٦٤

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ الْبَقَرَةُ : ٢٥٦

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى
كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلْمِيّاً، مَعَ احْتِفَاطٍ كُلِّ مَنْهُمُ بِعَقَائِدِهِ؛
لِأَنَّهُ ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ الرَّؤْمُ : ٣٢

أَلْبَلَدُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَ قَبَائِلَ
لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْحُجُرَاتُ : ١٣

١- يعني: لا تَسْبُوا {الْإِلَهَةَ} الَّذِينَ يَدْعُونَ {هُم} مِنْ دُونِ اللَّهِ، فَإِذَا تَسْبَوْنَ مَعْبُودَاتِهِمْ، يَسْبُونَ رَبَّهُمْ.

فَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ؛ أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ إِلَّا بِالتَّقْوَى.»

يَأْمُرْنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ آل عمران: ١٠٣

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ. الْمُسْلِمُونَ خُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّيْنِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ بَثَّ الْخِلَافِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ. وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِي:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

أَتَقَى : پرهیزگارترین
إِحْتِفَازٌ : نگاه داشتن
إِسَاءَةٌ : بدی کردن
إِسْتَوَى : برابر است
أَشْرَكَ : شریک قرار داد
إِعْتَصَمَ : چنگ زد (با دست گرفت)
أَكْرَمَ : گرامی ترین
أُنْثَى : زن، ماده
أَلَا : که نه ... أَلَا نَعْبُدُ : که نپرستیم
بَثَّ : پراکندن
تَجَلَّى : جلوه گر شد
تَعَارَفَ : شناخت یافت

تَعَايَشَ : همزیستی داشت
حَبَلٌ : طناب «جمع: حبال»
حُرِّيَّةٌ : آزادی
حَمِيمٌ : گرم و صمیمی
خِلَافٌ : اختلاف
خُمْسٌ : یک پنجم
دَعَا : فرا خواند، دعا کرد
«يَدْعُونَ» : فرا می خوانند
ذَكَرَ : مرد، نر
فَرِحَ : شاد
فَرَّقَ : پراکنده ساخت
قَائِدٌ : رهبر «جمع: قادة»
قَائِمٌ : استوار، ایستاده
سَبَّ : دشنام داد

سَلِمِيٌّ : مُسَالَمَتِ آمِيز
«سَلِمٌ» : صلح
سَوَاءٌ : یکسان
عَذَرَ : عذر پذیرفت
عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ : در گذر زمان
عَمِيلٌ : مزدور «جمع: عملاء»
لَدَى : نزد «لَدَيْهِمْ» : دارند
مَاشِيٌّ : همراهی کرد
مَعَ بَعْضٍ : با همدیگر
مِنْ دُونِ اللَّهِ : به جای خدا، به غیر خدا
يَجُوزُ : جایز است
يُؤَكِّدُ : تأکید می کند

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ.
- ۲- رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ.
- ۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا.
- ۴- لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللَّوْنِ.
- ۵- رُبْعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

اعلموا

أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (۲)

در درس گذشته با چند فعل، که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است، آشنا شدید. اکنون با چند فعل دیگر آشنا شوید.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می شود	تَشَابَهُ: همانند شو	تَشَابَهُ: همانند شدن
فَرَحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می کند	فَرِّحْ: شاد کن	تَفْرِيحُ: شاد کردن
جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالَسْ: همنشینی کن	مُجَالَسَةٌ: همنشینی کردن
أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می آورد	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	إِخْرَاجُ: بیرون آوردن

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ:

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ.

مصدر	امر	مضارع	ماضی
تَعَامَلُ: داد و ستد کردن	تَعَامَلْ:	يَتَعَامَلُ:	تَعَامَلَ:
تَعْلِيمُ: یاد دادن	عَلِّمْ:	يُعَلِّمُ:	عَلَّمَ:
مُكَاتَبَةٌ: نامه نگاری کردن	كَاتِبْ:	يُكَاتِبُ:	كَاتَبَ:
إِدْخَالُ: داخل کردن	ادْخُلْ:	يَدْخُلُ:	ادْخَلَ:

تَرْجِمِ جُمْلَةَ هَذِهِ الْجَدَاوِلِ.

الْجَدْوَلُ الْأَوَّلُ: تَعَارَفَ ، يَتَعَارَفُ ، تَعَارَفُ : باهم آشنا شدن

أَنْتُمْ تَعَارَفْتُمْ؟	نَحْنُ مَا تَعَارَفْنَا.	أَنْتُمْ سَتَتَعَارَفُونَ.	الطَّالِبَاتُ يَتَعَارَفْنَ.	الزَّمْلَاءُ تَعَارَفُوا.

الْجَدْوَلُ الثَّانِي: نَزَلَ ، يُنَزِّلُ ، تَنْزِيلُ : پایین آوردن

أَنَا سَوْفَ أَنْزَلُ.	الْعَمَالُ مَا نَزَلُوا شَيْئًا.	أَنْتُمْ نَزَلْتُمْ أَمْ هُمْ نَزَلُوا؟	رَجَاءٌ نَزَلَنَ الْأَطْفَالَ.

الْجَدْوَلُ الثَّلَاثُ: دَافَعَ ، يُدَافِعُ ، مُدَافَعَةٌ : دفاع کردن

الْجُنُودُ يُدَافِعُونَ.	إِنَّهُ لَا يُدَافِعُ.	هُم دَافَعُوا.	دَافِعٌ عَنِ نَفْسِكَ.	يَا جُنُودُ، دَافِعُوا.

الْجَدْوَلُ الرَّابِعُ: أَجْلَسَ ، يُجْلِسُ ، إِجْلَاسٌ : نشانیدن

هُم أَجْلَسُوا الْأَطْفَالَ.	الْأُمَّهَاتُ يُجْلِسْنَ الْأَوْلَادَ.	إِنَّهُ قَامَ بِإِجْلَاسِ الْحَاضِرِينَ.	رَجَاءٌ أَجْلَسُوا الضُّيُوفَ.

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوارات (في صالَة التَّفْتِيشِ بِالْجَمَارِكِ)

الزَّائِرَةُ	شُرْطِي الْجَمَارِكِ
عَلَى عَيْنِي، يَا أَخِي، وَلَكِنْ مَا هِيَ الْمَشْكَلَةُ؟	إِجْلِبِي هَذِهِ الْحَقِيبَةَ إِلَى هُنَا.
لَا بَأْسَ.	تَفْتِيشُ بَسِيطٌ.
لِأَسْرَتِي.	عَفْوًا؛ لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟
تَفَضَّلْ، حَقِيبَتِي مَفْتُوحَةٌ لِلتَّفْتِيشِ.	إِفْتَحِيهَا مِنْ فَضْلِكَ.
فُرْشَةُ الْأَسْنَانِ وَالْمَعْجُونُ وَالْمِنْشَقَةُ وَالْمَلَابِيسُ ...	مَاذَا فِي الْحَقِيبَةِ؟
لَيْسَ كِتَابًا؛ بَلْ دَفْتَرُ الذِّكْرِيَّاتِ.	مَا هَذَا الْكِتَابُ؟
حُبُوبٌ مُهْدَّغَةٌ، عِنْدِي صُدَاعٌ.	مَا هَذِهِ الْحُبُوبُ؟
وَلَكِنْ أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا جَدًّا.	هَذِهِ، غَيْرُ مَسْمُوحَةٍ.
شُكْرًا.	لَا بَأْسَ.
فِي أَمَانِ اللَّهِ.	إِجْمَعِيهَا وَادْهَبِي.



التَّمارين

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- رَيْسُ الْبِلَادِ، الَّذِي يَأْمُرُ الْمَسْؤُولِينَ وَ يَنْصَحُهُمْ لِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ.
- ٢- تَعَرَّفُ الْبَعْضُ مَعَ الْبَعْضِ الْآخَرَ.
- ٣- الَّذِي يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ.
- ٤- جُزْءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةٍ.
- ٥- نَشْرُ الْخَبَرِ.

التَّمْرينُ الثَّانِي: اجْعَلْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- | | | |
|-----------------|-----------------------|---------------------------------------|
| ١- ذَاكَ | <input type="radio"/> | إِسْمٌ إِشَارَةٌ لِغَيْرِ الْقَرِيبِ. |
| ٢- الْأَعْمِيلُ | <input type="radio"/> | أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ كَثِيرًا. |
| ٣- الْفُرْشَاءُ | <input type="radio"/> | أَدَاةٌ لِتَنْظِيفِ الْأَسْنَانِ. |
| ٤- الْبُقْعَةُ | <input type="radio"/> | يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ. |
| ٥- الصُّدَاعُ | <input type="radio"/> | قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ. |
| ٦- الْمُحِيطُ | | |

التَّمْرينُ الثَّلَاثُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

سَوَاءٍ / الشَّعْبُ / ثَمَاشِي / يَعْذِرُ / قَائِمَةٌ / فَضْلٌ / لَدَيَّ / مِنْ دُونَ

١- جَوَّالٌ تَفَرُّغٌ بَطَّارِيئُهُ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ.

٢- أَلَا زُمَلَاءَكَ فِي السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ؟

٣- زُمَلَائِي فِي الدَّرْسِ عَلَى حَدِّ

٤- لِصَدِيقِي فِي حُسْنِ الْخُلُقِ.

٥- لَا يَقْبَلُ الْإِيرَانِيَّ الصَّغُطَّ.

٦- لَا تَعْبُدُوا اللَّهَ أَحَدًا.

التمرين الرابع: تَرجمْ إِلَى الفَارِسِيَّةِ. (هَلْ تَعَلَّمْ أَنْ...)

١- ... الزَّرَافَةَ لَا تَنَامُ فِي اليَوْمِ الوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَاحِلٍ؟

٢- ... مَقْبَرَةَ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجَفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

٣- ... الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَخْدَمَتْ نَقُودًا وَرَقِيَّةً؟

٤- ... الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقْفَاءَ عَلَى أَقْدَامِهِ؟

٥- ... أَكْثَرَ فَيْتَامِينَ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قِشْرِهِ؟

التمرين الخامس: عَيِّنِ الضَّمِيرَ الْمُنَاسِبَ لِلْفِعْلِ، ثُمَّ تَرجمِ الْجُمْلَةَ.

أنا / أنتَ ، أنتِ / هوَ ، هيَ نحنُ / أنتم ، أننَّ ، أننَّ ، أننَّ / هم ، هنَّ ، هما

..... لا يُعَلِّمُ ما أَرْسَلْتُ اسْتَغْفَرْتُمَا اِحْتَفَلُ أَوْجَدْنَا
..... تَتَعَارَفُونَ لا تُخْرِجُ ما تَسَاقَطَ جالِسُنَّ لا يُفْرَعُ
..... يَغْرِسَنَ أَحْتَرِمُ لا تَسَرِّجُوا كانا يُمَسْكَنِ لا يُفَرِّقُونَ

الْتَمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

١- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾

إبراهيم : ٥

٢- قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبَيْتِ خَرِبٍ فَتَعَلَّمُوا وَ عَلَّمُوا وَ تَفَقَّهُوا، وَ لَا تَمُوتُوا جُهَالًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذِرُ عَلَى الْجَهْلِ.

٣- تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا لَهُ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تَعَلَّمُونَهُ.

٤- مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعَطَّارِ إِنْ جَالَسْتَهُ نَفَعَكَ، وَ إِنْ مَاشَيْتَهُ نَفَعَكَ، وَ إِنْ شَارَكَتَهُ نَفَعَكَ.

٥- الضِّيَافَةُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فَمَا زَادَ فَهُوَ صَدَقَةٌ، وَ عَلَى الضَّيْفِ أَنْ يَتَحَوَّلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

٦- لَا تَجْتَمِعُ خَصَلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَ الْكِذْبُ.

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ اكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا. ❁ نُورُ السَّمَاءِ ❁

١- ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ البَقَرَةُ: ٢٢

٢- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ البَقَرَةُ: ٢٥٧

٣- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غَافِرٍ: ٥٥

٤- ﴿وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَّلَ﴾ الْإِسْرَاءُ: ١٠٥

٥- ﴿قَالَ إِنِّي أَغْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ البَقَرَةُ: ٣٠

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: ضَعِ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا.

- ١- فَتَدَخَّلَ الْمُدِيرُ وَ نَصَحَنَا وَ نَدَمْنَا عَلَى عَمَلِنَا الْقَبِيحِ. تَضَارَبْنَا □ ضَرَبْنَا □
- ٢- الزُّمْلَاءُ مَعَ بَعْضٍ فِي بَدَايَةِ السَّنَةِ الدَّرَاسِيَّةِ. يَتَعَارَفُونَ □ يَعْرِفُونَ □
- ٣- نَدِمَ أَخِي الصَّغِيرُ مِنْ عَمَلِهِ السَّيِّئِ وَ أَنَا هُ. عَدَرْتُ □ اِعْتَدَرْتُ □
- ٤- تَعَاشَرُوا كَالْإِخْوَانِ وَ كَالْأَجَانِبِ. اِعْمَلُوا □ تَعَامَلُوا □
- ٥- الْجُنْدِيُّ أُسْرَتَهُ عَبْرَ الْإِنْتَرْنِتِ. كَاتَبَ □ كَتَبَ □

التمرين التاسع: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- الْأَمَاضِي مِنْ «يُحَاوِلُ» : تَحَوَّلَ حَوَّلَ حَاوَلَ □ □ □
- ٢- الْأَمْضَارِعُ مِنْ «حَدَّرَ» : يُحَدِّرُ يَحَدِّرُ يُحَدَّرُ □ □ □
- ٣- الْمَصَدَرُ مِنْ «تَقَاعَدَ» : تَقَاعُدَ تَقَعِيدَ إِقْعَادَ □ □ □
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تُدْخِلِينَ» : أُدْخِلِي أَدْخِلِي تَدَخَّلِي □ □ □
- ٥- النَّهْيُ مِنْ «تُقَبِّلُونَ» : لَا تُقَابِلُوا لَا تُقَبِّلُوا لَا تُقَبَّلُوا □ □ □

التمرين العاشر: ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً، ثُمَّ تَرَجِّمَهَا.

شَجَّعُوا / اِنْتَظِرِي / تَصَادَمُوا / تَسْلِيمٌ / لَا تَتَعَجَّبْ / لَا يَتَعَامَلُونَ / لَا تَجْتَمِعَا / لَا يُنْقِذُونَ /
كَاتَبْنَا / تَخَرَّجَ

فِعْلُ النَّهْيِ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْمَصَدَرُ	الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي	
.....	الْكَلِمَةُ
.....	الترجمة
.....	الْكَلِمَةُ
.....	الترجمة



عَنْ تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي الْآيَاتِ.

۱- ﴿وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ

الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ الْفُرْقَان: ۶۳

و بندگان [خدای] بخشاینده کسانی‌اند که روی زمین با آرامش و فروتنی گام برمی‌دارند و هرگاه نادان‌ها ایشان را خطاب کنند، سخن آرام می‌گویند.

۲- ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ هود: ۱۱۴

بی‌گمان خوبی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برد.

۳- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾

الأعراف: ۴۳

ستایش آن خدایی است که ما را به این [نعمت‌ها] رهنمون ساخت؛ و اگر خدا راهنمایی‌مان نکرده بود، [به اینها] راه نمی‌یافتیم.

۴- ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ الْقَصص: ۲۴

پروردگرم، من بی‌گمان به خیری که برایم فرستادی، نیازمندم.

۵- ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ الرعد: ۲

آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گردد.

۶- ﴿أَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ الْقَصص: ۷۷

نیکی کن همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است.



۷- ﴿ وَ شَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
الْمُتَوَكِّلِينَ ﴾ آل عمران: ۱۵۹

و در کار با آنان مشورت کن، و هرگاه تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل کنندگان را دوست می‌دارد.

۸- ﴿ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ ﴾ النمل: ۶۲

یا کسی که [دعای] درمانده را هرگاه وی را فرا بخواند برآورده می‌کند، و گرفتاری را برطرف می‌گرداند.

۹- ﴿ وَأَدْخَلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴾ الأعراف: ۱۵۱

و ما را در رحمت خود وارد کن و تو مهربان‌ترین مهربانان هستی.



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ آيَاتٍ فِي كُلِّ مِنْهَا فِعْلٌ مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ. (فِي كُلِّ آيَةٍ فِعْلٌ وَاحِدٌ).
أَرْسَلْنَا . اِنْتَظِرُوا . اسْتَغْفِرْ . اِنْبَعَثْ . تَفَرَّقْ . تَعَاوَنُوا . عَلَّمْنَا . يُجَاهِدُونَ

نرم افزار قرآنی

هانی الرفاعی

۱۱- هوذ

آیه ۱ تکرار ۱

همباری

دوباره ما

قرآنت آیه

مکت

خروج

صفحه ۲۲۱

بدر

أَلْحَقْ مِنْ رَبِّكَمْ فَمَنْ أَسْتَغْفِرْ لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ سَلَطْنَا عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ۗ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَأَصِرْ حَتَّىٰ يَخُوكَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ۗ سُورَةُ هُودٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرَّكْنُ الْأَعْلَى ۖ إِنَّ اللَّهَ لَمُفْضِلٌ مِّنْ لَّدُنْ حَكِيمٌ خَبِيرٌ ۗ

الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾

العنكبوت: ٢٠

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات خود را از دبیرتان پرسید. می‌توانید متن درس را به صورت پاورپوینت اجرا کنید.

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ لقمان ۱۱

﴿الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لِيَلَّأَ، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْكَهْرِبَائِيَّةِ ذَاتِ أَلْوَانٍ مُتَعَدِّدَةٍ الَّتِي يَنْبَعِثُ ضَوْوُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، وَ تَحْوُلُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيءٍ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَاصُونَ التَّقَاطُ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عِيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجِزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينُ بِالْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟



رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَ جَدَّ».

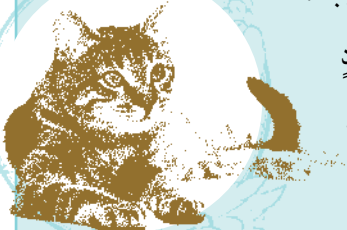
﴿إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِيٌّ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا، فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمَ.

﴿إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَيْرِزَتِهَا

الْأَعْشَابَ الطَّبِيَّةَ وَ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ

لِلوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.

﴿إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةٌ إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْغَةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا، فَلِلْغُرَابِ صَوْتُ يُحَدِّرُ بِهِ بِقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعًا عَنِ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.





لِلْبَطِّ خِزَانَاتُ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ أَدْنَابِهَا تَحْتَوِي
زَيْتًا خَاصًّا يَنْتَشِرُ عَلَى أَجْسَادِهَا فَلَا تَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ.



تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي
اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ
أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تَعْوِضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا
فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.



به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

دَنْبٌ: دُم «جمع: أَذْنَابٌ»	إِنْبَعَثَ: فرستاده شد	إِبْتَعَدَ: دور شد
زَيْتٌ: روغن «جمع: زُبُوتٌ»	بَرِيٌّ: خشکی، زمینی	إِتِّجَاهٌ: جهت
سَيْرُوا: حرکت کنید	بَطٌّ: اردک	إِحْتَوَى: در بر داشت
سَائِلٌ: مایع	بَكْتِيرِيَا: باکتری	أَدَارٌ: چرخاند، اداره کرد
ضَوْءٌ: نور «جمع: أَضْوَاءٌ»	بَوْمٌ: جغد	إِسْتِطَاعٌ: توانست
ظَلَامٌ: تاریکی	تَأَثَّرَ: تحت تأثیر قرار گرفت	إِسْتَعَانَ: یاری جُست
عَوَّضٌ: جبران کرد	تَحَرَّكَ: حرکت کرد	إِسْتَفَادَ: استفاده کرد
قِطٌّ: گربه	جُرْحٌ: زخم	إِضَافَةٌ إِلَى: افزون بر
لَعِقٌ: لیسید	حَرَكَ: حرکت داد	أَعْشَابٌ طِبِّيَّةٌ: گیاهان دارویی
مُضِيٌّ: نورانی	حَوَّلَ: تبدیل کرد	«مفرد: عُشْبٌ طِبِّيٌّ»
مُطَهَّرٌ: پاک کننده	حِرْبَاءٌ: آفتاب پرست	أَفْرَزَ: ترشح کرد
وَقَايَةٌ: پیشگیری	خِرَانَةٌ: انبار	إِلْتَأَمٌ: بهبود یافت
مَلَكٌ: مالک شد، دارد، فرمانروایی کرد	دَلَّ: راهنمایی کرد	إِلْتِقَاطٌ صَوْرٍ: عکس گرفتن
	دَوَّنَ: بی آنکه	إِنَارَةٌ: نورانی کردن

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. ✓ ✕

- ۱- لِلزَّرَافَةِ صَوْتٌ يُحَدِّثُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ عَنِ الْخَطَرِ.
- ۲- تُحَوَّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيَّةُ ظَلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ.
- ۳- تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.
- ۴- لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا.
- ۵- لَا تَعِيشُ أَحْيَاءٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ.
- ۶- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.

اعلموا

«الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ» وَ «الْجُمْلَةُ الْاِسْمِيَّةُ»

به جمله‌های «يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ.» و «الْتَّامَ الْجُرْحُ.» جمله فعلیه گفته می‌شود؛ زیرا با فعل شروع شده‌اند.

الگوی جمله فعلیه این است: فعل «يَغْفِرُ» و «الْتَّامَ» + فاعل «اللَّهُ» و «الْجُرْحُ» + گاهی مفعول «الذُّنُوبَ»

فعل کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد. فاعل، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.

مفعول، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می‌آید و کار بر آن انجام می‌شود. گاهی مفعول جلوتر از فاعل می‌آید؛ مانند «كُ» در جمله: «شَاهِدَكَ الْأُسْتَاذُ فِي الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ.»

گاهی **فاعل** جمله فعلیه برای تأکید جلوتر از فعل و در ابتدای جمله می‌آید؛ مانند: «اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ.» در این صورت اسم آن از فاعل به مبتدا تغییر می‌کند و چنین جمله‌ای را جمله اسمیه می‌نامند.

الگوی جمله اسمیه این است: مبتدا «اللَّهُ» + خبر «يَغْفِرُ».

به جمله «اللَّهُ عَالِمٌ.» جمله اسمیه گفته می‌شود؛ زیرا با اسم شروع شده است.

مبتدا و خبر تقریباً همان نهاد و گزاره در دستور زبان فارسی هستند.

مبتدا، اسمی است که در ابتدای جمله می‌آید و درباره آن خبری گفته می‌شود.

خبر، بخش دوم جمله اسمیه است که همان‌گونه که از نامش پیداست، خبری درباره مبتدا می‌دهد.

شناخت اجزای جمله در ترجمه به ما کمک می‌کند.

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْفِعْلِيَّةِ وَالْإِسْمِيَّةِ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ^١.

١- ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾ التَّوْر: ٢٤

٢- أَلْعَلِمُ خَزَائِنَ وَ مِفْتَاحَهَا السُّؤَالَ. رَسُوْلُ اللَّهِ ﷺ

٣- إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةً. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَائِلِيًّا

گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و نیز فاعل و مفعول، صفت یا مضاف الیه می‌گیرند و خودشان موصوف و مضاف می‌شوند؛ مثال:

صُدُورُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ.

مبتدا مضاف الیه خبر مضاف الیه

يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ التُّفَاحِ.

فعل فاعل صفت مفعول مضاف الیه

تَرْجِمِ الْآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ وَالْفَاعِلِ وَالْمَفْعُولِ فِي الْجُمَلِ التَّالِيَةِ.

١- ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ﴾ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ ﴿﴾ الْأَحْزَاب: ٢٢

٢- أَلْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. رَسُوْلُ اللَّهِ ﷺ

٣- مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ. رَسُوْلُ اللَّهِ ﷺ

٤- نَوْمٌ عَلَى عِلْمٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ عَلَى جَهْلٍ. رَسُوْلُ اللَّهِ ﷺ

٥- تَمَرَّةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَائِلِيًّا

١- منظور از «عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ» در کتاب «عربی زبان قرآن» فقط تعیین نقش کلمه در جمله است؛ مانند

مبتدا، خبر، فاعل، مفعول، مضاف الیه، صفت و ...

فَنُ التَّرْجَمَةِ

أَنْ يَفْعَلَ: که انجام دهد

به فعل مضارع «يَغْفِرُ» در این آیه توجه کنید.

﴿أَلَا تَحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾ النور: ۲۲ آیا دوست ندارید که خدا شما را ببامرزد؟

فعل «يَغْفِرُ» با شکل اصلی آن یعنی «يَغْفِرُ» فرق دارد و تغییری در علامت آخرش صورت گرفته است.

يَغْفِرُ: می‌آمرزد	أَنْ يَغْفِرَ: که ببامرزد	يَسْتَفِيدُ: بهره می‌برد	أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد
يَفْهَمُ: می‌فهمد	أَنْ يَفْهَمَ: که بفهمد	يُدِيرُ: می‌چرخاند	أَنْ يُدِيرَ: که بچرخاند

به جدول بالا دقت کنید و فرق ظاهری و معنایی فعل‌هایی مانند:

«يَغْفِرُ» و «أَنْ يَغْفِرَ» را بیابید. با چند نمونه دیگر آشنا شوید.

يَذْهَبُ: می‌رود ← أَنْ يَذْهَبَ: که برود // يَسْمَعُ: می‌شنود ← أَنْ يَسْمَعَ: که بشنود

حرف «أَنْ» معنای فعل را از «مضارع اخباری» به «مضارع التزامی» تغییر می‌دهد.

در کتاب عربی پایه یازدهم با این فعل‌ها بیشتر آشنا خواهید شد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. نُوْرُ السَّمَاءِ

۱- ﴿أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾ يس: ۸۱

۲- ﴿قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ الأنعام: ۳۷

۳- ﴿يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ﴾ الأعراف: ۱۱۰

۴- ﴿رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ﴾ هود: ۴۷

۵- ﴿أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الدَّبُّ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ﴾ يوسف: ۱۳

۶- ﴿إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا﴾ الشعراء: ۵۱

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوارات (مع سائق سياره الأجرة)

سائق سياره الأجرة	السائق
أنا في خدمتكم. تفضلوا.	أيها السائق، نريد أن نذهب إلى المدائن.
أظن المسافة سبعة و ثلاثين كيلومتراً. عجيب؛ لم تذهبوا إلى المدائن؟	كم المسافة من بغداد إلى هنا؟
لأنه لا يذهب إلى المدائن إلا قليلاً من الزوار.	لزيارة مرقد سلمان الفارسي و مشاهدة طاق كسرى؛ لماذا تتعجب؟!
زيارة مقبولة للجميع! أتعرف من هو سلمان الفارسي أم لا؟	في البداية تشرفنا بزيارة العتبات المقدسة في المدن الأربعة كربلاء و النجف و سامراء و الكاظمية.
أحسنت! و هل لك معلومات عن طاق كسرى؟	نعم؛ أعرفه، إنه من أصحاب النبي ﷺ و أصله من إصفهان.
ماشاء الله! بارك الله فيك! معلوماتك كثيرة!	بالتأكيد؛ إنه أحد قصور الملوك الساسانيين قبل الإسلام. قد أنشد شاعران كبيران قصيدتين عند مشاهدتهما إيوان كسرى: البُحترى من أكبر شعراء العرب، و خاقاني، الشاعر الإيراني.



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان پرسید.

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ۱- طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.
- ۲- عُضْوٌ خَلَفَ جِسْمَ الْحَيَّوَانِ يُحَرِّكُهُ غَالِباً لِطَرْدِ الْحَشَرَاتِ.
- ۳- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءِ.
- ۴- طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَ الْمَاءِ.
- ۵- عَدَمُ وُجُودِ الضُّوءِ.
- ۶- نَشْرُ النُّورِ.

التَّمْرينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- | | | | | | | | |
|--------------------------|------------|--------------------------|------------|--------------------------|------------|--------------------------|---------------|
| <input type="checkbox"/> | عُرَابٌ | <input type="checkbox"/> | بَطٌّ | <input type="checkbox"/> | بُومٌ | <input type="checkbox"/> | نَضِرٌ |
| <input type="checkbox"/> | كَلْبٌ | <input type="checkbox"/> | حِرْبَاءٌ | <input type="checkbox"/> | ظَلَامٌ | <input type="checkbox"/> | قِطٌّ |
| <input type="checkbox"/> | زَيْتٌ | <input type="checkbox"/> | مَاءٌ | <input type="checkbox"/> | زُجَاجَةٌ | <input type="checkbox"/> | شَايٌ |
| <input type="checkbox"/> | سَنَوِيًّا | <input type="checkbox"/> | سَلْمِيًّا | <input type="checkbox"/> | شَهْرِيًّا | <input type="checkbox"/> | أُسْبُوعِيًّا |
| <input type="checkbox"/> | هَاتِفٌ | <input type="checkbox"/> | مِصْبَاحٌ | <input type="checkbox"/> | مُسَجَّلٌ | <input type="checkbox"/> | جَذْوَةٌ |
| <input type="checkbox"/> | وَقَايَةٌ | <input type="checkbox"/> | عَرَبَةٌ | <input type="checkbox"/> | طَائِرَةٌ | <input type="checkbox"/> | حَافِلَةٌ |

التمرين الثالث: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الْفِعْلِيَّةَ وَالْإِسْمِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ البقرة: ٥٤

٢- ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الشعراء: ٨٤

٣- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- جَمَالَ الْمَرْءُ فَصَاحَةَ لِسَانِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

التمرين الرابع: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

سَلِمَ حَرِبَ

إِسْتَطَاعَ قَدِرَ

إِحْسَانٌ إِسَاءَةٌ

إِقْتَرَبَ ابْتَعَدَ

ظَلَمَ ضَيَّأَ

بَنَى صَنَعَ

نُفَايَةٌ زُبَالَةٌ

عَدَاوَةٌ صَدَاقَةٌ

حُجْرَةٌ عُرْفَةٌ

غَيْمٌ سَحَابٌ

قُرْبٌ بَعْدٌ

يَنْبُوعٌ عَيْنٌ

مِنْ فَضْلِكَ رَجَاءٌ

فَرِحٌ حَزِينٌ

جَاهِزٌ حَاضِرٌ

سَائِلٌ جَامِدٌ



الْتَمْرِينُ الْخَامِسُ: اَكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صَوْرَةٍ فِي الْفَرَاغِ.

الْبَطُّ / الْكِلَابُ / الْغُرَابُ / الطَّاوُوسُ / الْحِرْبَاءُ / الْبَقْرَةُ



دَنْبٌ جَمِيلٌ.



يُرْسَلُ أَخْبَارَ الْغَابَةِ.



تُعْطِي الْحَلِيبَ.



طَائِرٌ مَائِيٌّ.



يَحْفَظُ الشَّرْطِي الْأَمْنَ بِـ



ذَاتُ عَيُونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.

الْتَمْرِينُ السَّادِسُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- 1- الْأَمَازِيغُ مِنَ «يَبْتَعِدُ»: بَعَدَ تَبَعَّدَ اِبْتَعَدَ
- 2- الْأَمْزَارِعُ مِنَ «اِنْبَعَثَ»: يَنْبَعِثُ يَتَّبِعُ يَبْعَثُ
- 3- الْأَمَصَدْرُ مِنَ «يُعَلِّمُ»: تَعْلِيمٍ إِعْلَامٍ تَعَلُّمٍ
- 4- الْأَمْرُ مِنَ «تَشَاهَدُ»: شَاهِدٌ شَاهِدًا شَاهِدٌ
- 5- الْأَنْهَى مِنَ «تَتَفَرَّقُونَ»: مَا تَفَرَّقْتُمْ لَا تَتَفَرَّقُونَ لَا تَتَفَرَّقُوا
- 6- عَلَى وَزْنِ «اسْتِفْعَالٌ»: اسْتِمَاعٌ اسْتِخْدَامٌ اسْتِرَاقٌ

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: عَيْنِ الْفِعْلِ وَ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ فِي الْكَلِمَاتِ الْمُلوَّتَةِ. نُوْرُ السَّمَاءِ

١- ﴿فَأَنْزَلَ اللهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْح: ٢٦

٢- ﴿لَا أَمْلِكُ لِتَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللهُ﴾ الْأَعْرَاف: ١٨٨

٣- ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَبِيًّا خَلَقَهُ﴾ يَس: ٧٨

٤- ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الْكَهْف: ٤٩

٥- ﴿يُرِيدُ اللهُ بِكُمْ الْيُسْرَ﴾ الْبَقَرَة: ١٨٥

٦- ﴿يَخْلُقُ اللهُ مَا يَشَاءُ﴾ النُّور: ٤٥

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَ الْخَبَرِ فِي الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ. * كَنْزُ الْكَلَامِ *

١- أَلْتَدَمُ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ التَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٢- أَكْبَرُ الْحَمَقِ الْإِعْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالْمَدَمُ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٣- ذَنْبٌ وَاحِدٌ كَثِيْرٌ وَأَلْفٌ طَاعَةٌ قَلِيْلٌ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٤- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٥- أَلْعِلْمُ صَيِّدٌ وَ الْكِتَابَةُ قَيْدٌ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٦- أَلصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ: تَرَجِمِ الْجَمَلَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

(مبتدأ و خبر و مفعول و مضاف إليه)

١- ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ البقرة: ٤٤

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ البقرة: ٢٨٦

٣- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَالِدِيهِ حُبًّا لِهَمَا عِبَادَةً . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ فُجْحَ النَّسَبِ . الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٦- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ . الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

التَّمْرِينُ الْعَاشِرُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً، ثُمَّ تَرَجِمْهَا.

إِعْتَصَمُوا / إِحْتِفَازٌ / تَعَارَفْتُمْ / إِكْرَاهٌ / لَا نُشْرِكُ / لَا تُكْمَلُ / انْتَفَعْنَا / لَا تُخْرِجِي / أَنْزَلُوا /

لَا يَتَعَلَّمُ

فِعْلُ النَّهْيِ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْمَصْدَرُ	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي	
.....	الْكَلِمَةُ
.....	الترجمة
.....	الْكَلِمَةُ
.....	الترجمة

گَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۱- ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ۱۸۵

هر کسی چشنده است. (می میرد)

۲- ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

و درباره آسمان ها و زمین ؛

۳- ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

[و می گویند:] ای پروردگار ما، اینها را بیهوده ؛

۴- ﴿سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

پاکی تو؛ ما را از شکنجه نگاه دار؛

۵- ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾

پروردگارا، هر که را تو به آتش افکنی، او را خوار ساخته ای، و ، هیچ

..... ندارند؛

۶- ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾

ای پروردگار ما، قطعاً ما صدای پیام دهنده را که به ایمان

دعوت می کرد که به پروردگارتان، ایمان بیاورید و ما



۷- ﴿رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا﴾ ای پروردگار ما، پس را ببخشای؛

۸- ﴿وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا﴾ و را بپوشان؛

۹- ﴿وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ﴾ و ما را نیکان بمیران؛

۱۰- ﴿رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ﴾

ای پروردگار ما، آنچه را به وسیله به ما وعده دادی، به ما
ببخش؛

۱۱- ﴿وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾

و ما را در ، رسوا نگردان؛ زیرا تو از وعده، تخلف نمی‌کنی.

آل عمران: ۱۹۱-۱۹۴



اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اِبْحَثْ عَنْ نَصِّ قَصْرِ عِلْمِي بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ خَلْقِ اللّٰهِ، ثُمَّ تَرَجِّمهُ اِلَى الْفَارْسِيَّةِ،
مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمِ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.



بُحَيْرَةُ زَرِيَّارِ فِي مَدِينَةِ مَرْيَوَانَ بِمُحَافَظَةِ كُردِسْتَانَ

الدَّرْسُ السَّادِسُ



﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو

عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا﴾

الْكَهْفِ : ٨٣

به کتاب گویا گوش کنید، سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان بپرسید.

ذوالقرنین

كَانَ فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ مَلِكٌ عَادِلٌ مَوْحِدٌ يُسَمَّى بِذِي الْقَرْنَيْنِ قَدْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُوَّةَ وَالْعِظَمَةَ؛ كَانَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَاسِعَةً مِنَ الْأَرْضِ شَرْقًا وَغَرْبًا وَشَمَالًا. ذَكَرَ اسْمُهُ وَأَعْمَالُهُ الصَّالِحَةَ بَعْدَهُ آيَاتٍ فِي الْقُرْآنِ.

﴿لَمَّا اسْتَقَرَّتِ الْأَوْضَاعُ لِذِي الْقَرْنَيْنِ فِي بِلَادِهِ، سَارَ بِجُيُوشِهِ الْعَظِيمَةِ نَحْوَ الْمَنَاطِقِ الْغَرْبِيَّةِ مِنَ الْأَرْضِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ مُحَارَبَةِ الظُّلْمِ وَالْفَسَادِ. فَكَانَ النَّاسُ يُرْجَبُونَ بِهِ فِي مَسِيرِهِ بِسَبَبِ عَدَالَتِهِ، وَيَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ يَحْكُمَ وَيُدِيرَ شُؤْنَهُمْ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى مَنَاطِقَ فِيهَا مُسْتَنْقَعَاتٌ مِيَاهُهَا ذَاتُ رَائِحَةٍ كَرِيهَةٍ. وَوَجَدَ قُرْبَ هَذِهِ الْمُسْتَنْقَعَاتِ قَوْمًا مِنْهُمْ فَاسِدُونَ وَ مِنْهُمْ صَالِحُونَ. فَخَاطَبَهُ اللَّهُ فِي شَأْنِهِمْ وَ حَيَّرَهُ فِي مُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ أَوْ إِصْلَاحِهِمْ وَ هِدَايَتِهِمْ. فَاخْتَارَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ هِدَايَتَهُمْ وَ دَعَوْتَهُمْ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ.

فَحَكَمَهُمْ بِالْعَدَالَةِ وَ أَصْلَحَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ وَ دَبَّرَ شُؤْنَهُمْ.

﴿ثُمَّ سَارَ بِجُيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ. فَأَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأُمَّمِ وَ اسْتَقْبَلُوهُ لِعَدَالَتِهِ وَ هَيْبَتِهِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ غَيْرِ مُتَمَدِّنِينَ يَعِيشُونَ عَيْشَةً بَدَائِيَّةً، فَدَعَاهُمْ لِلْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ حَكَمَهُمْ حَتَّى هَدَاهُمْ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ أَصْلَحَ حَيَاتَهُمْ وَ عَلَّمَهُمْ كَيْفَ يَعِيشُونَ.



﴿ وَ بَعْدَ ذَلِكَ سَارَ نَحْوَ الشَّمَالِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ بَيْنَ جَبَلَيْنِ مُرْتَفِعَيْنِ، فَرَأَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ عَظْمَةً جَيْشِهِ وَ أَعْمَالَهُ الصَّالِحَةَ فَاعْتَنَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ **وَصُولِهِ**؛ لِأَنَّهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ مِنْ قَبِيلَتَيْنِ وَحَشِيَّتَيْنِ تَسْكُنَانِ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ؛ فَقَالُوا لَهُ: إِنَّ رِجَالَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ يَهْجُمُونَ عَلَيْنَا بَيْنَ الْحَيْنِ وَ الْآخِرِ مِنْ هَذَا الْمَضِيقِ؛ فَيَخْرَبُونَ بِيُوتَنَا وَ يَنْهَبُونَ أَمْوَالَنَا، وَ هَاتَانِ الْقَبِيلَتَانِ هُمَا يَأْجُوجُ وَ مَا جُوجُ. لِذَا طَلَبُوا مِنْهُ الْمُسَاعَدَةَ وَ قَالُوا لَهُ: نَرْجُو مِنْكَ **إِغْلَاقَ** هَذَا الْمَضِيقِ بِسَدٍّ عَظِيمٍ، حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَ نَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ هَذَا؛ بَعْدَ ذَلِكَ جَاؤُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَارْفَضَهَا ذَوَالْقَرْنَيْنِ وَ قَالَ: عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ غَيْرِهِ، وَ أَطْلُبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي **بِنَاءِ** هَذَا السَّدِّ. فَرِحَ النَّاسُ لِذَلِكَ كَثِيرًا.

أَمَرَهُمْ ذَوَالْقَرْنَيْنِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النُّحَاسِ، فَوَضَعَهُ فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَ أَشْعَلُوا النَّارَ حَتَّى ذَابَ النُّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ، فَأَصْبَحَ سَدًّا قَوِيًّا أَمَامَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ، فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَى عَمَلِهِ هَذَا، وَ تَخَلَّصُوا مِنْ قَبِيلَتِي يَأْجُوجُ وَ مَا جُوجُ. وَ شَكَرَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ رَبَّهُ عَلَى نَجَاحِهِ فِي فُتُوحَاتِهِ.

نَفَهُمْ مِنْ هَذِهِ الْقِصَّةِ أَنَّ الْحُكَّامَ الصَّالِحِينَ الْعَادِلِينَ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ.



به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

کَانَ ... يُرْحَبُونَ : خوشامد می گفتند	جَيْشٌ : ارتش «جمع: جُيُوش» حَدِيدٌ : آهن	إِخْتَارَ : برگزید إِسْتَقْبَلَ : به پیشواز رفت
كِرِيهَةٌ : زشت و ناپسند	خَاطَبٌ : خطاب کرد خَرَبٌ : ویران کرد	إِسْتَقَرَّ : استقرار یافت أَشْعَلَ : شعله ور کرد
مُحَارَبَةٌ : جنگیدن	خَيْرٌ : اختیار داد دَبَّرَ : سامان بخشید	أَصْلَحَ : اصلاح کرد أَطَاعَ : پیروی کرد
مَضِيْقٌ : تنگه	ذَابَ : ذوب شد رَفَضَ : نپذیرفت	إِغْتَنَمَ : غنیمت شمرد إِعْلَاقٌ : بستن
نُحَاسٌ : مس	سَارَ : رفت سَكَنَ : زندگی کرد	بَدَائِيٌّ : بدوی بِنَاءٌ : ساختن، ساختمان
نَحْوٌ : سمت	كَانَ قَدْ أَعْطَاهُ : به او داده بود كَانَ ... يَحْكُمُ : حکومت می کرد	بَيْنَ الْحَيْنِ وَالْآخِرِ : هر از گاهی تَخَلَّصَ : رهایی یافت

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- أَمَرَ اللَّهُ ذَا الْقَرْنَيْنِ بِمُحَارَبَةِ الْمَشْرِكِينَ الْفَاسِدِينَ أَوْ إِصْلَاحِهِمْ.
- ۲- سَارَ ذُو الْقَرْنَيْنِ بِجَيْوشِهِ نَحْوَ الْجَنُوبِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ.
- ۳- قَبِلَ ذُو الْقَرْنَيْنِ الْهَدَايَا الَّتِي جَاءَ النَّاسُ بِهَا.
- ۴- بَنَى ذُو الْقَرْنَيْنِ السَّدَّ بِالْحَدِيدِ وَالْأَخْشَابِ.
- ۵- كَانَتْ قَبِيلَتَا يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ مُتَمَدَّنَتَيْنِ.

إِعْلَمُوا

الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ

در زبان فارسی برای مجهول کردنِ فعل از فعل کمکی «شد» استفاده می‌شود؛ مثال:

زده شد می‌زند: زده می‌شود دید: دیده شد می‌بیند: دیده می‌شود

در جمله دارای فعل معلوم، فاعل معلوم است؛ ولی در جمله دارای فعل مجهول، فاعل ناشناس می‌باشد؛ یعنی حذف شده است.

در جمله «هاشم در را باز کرد.» می‌دانیم فاعل هاشم است؛

ولی در جمله «در باز شد.» فاعل نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

(عَسَلَ: شُست ← عَسِلَ: شسته شد / خَلَقَ: آفرید ← خُلِقَ: آفریده شد)

(يَغْسِلُ: می‌شوید ← يَغْسَلُ: شسته می‌شود / يَخْلُقُ: می‌آفریند ← يُخْلَقُ: آفریده می‌شود)

در دستور زبان عربی هنگام مجهول شدنِ فعل حرکت‌های آن تغییر می‌کند.

كَتَبَ: نوشت	كُتِبَ: نوشته شد	يَكْتُبُ: می‌نویسد	يُكْتَبُ: نوشته می‌شود
ضَرَبَ: زد	ضُرِبَ: زده شد	يَضْرِبُ: می‌زند	يُضْرَبُ: زده می‌شود
عَرَفَ: شناساند	عُرِفَ: شناسانده شد	يُعْرِفُ: می‌شناساند	يُعْرَفُ: شناسانده می‌شود
أَنْزَلَ: نازل کرد	أُنْزِلَ: نازل شد	يُنْزِلُ: نازل می‌کند	يُنْزَلُ: نازل می‌شود
اسْتَحْدَمَ: به کار گرفت	اسْتُحْدِمَ: به کار گرفته شد	يَسْتَحْدِمُ: به کار می‌گیرد	يُسْتَحْدَمُ: به کار گرفته می‌شود

فرق فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال‌های بالا بیابید.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْآيَاتِ الْمُبَارَكَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ. ☀️ نُورُ السَّمَاءِ ☀️

١- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ الأعراف: ٢٠٤

٢- ﴿فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا﴾ مريم: ٦٠

٣- ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ الغاشية: ١٧

٤- ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ﴾ الرَّحْمَن: ٥٥

٥- ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾ البقرة: ١٨٣

٦- ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾ النساء: ٢٨



فَنُ التَّرْجَمَةِ

در پایه نهم با ترجمه ترکیب‌هایی مانند «فَرِيقُنَا الْفَائِزُ» و «مَزْرَعَتُنَا الْكَبِيرَةُ» آشنا شدید. شَجَّعْنَا فَرِيقَنَا الْفَائِزَ أَمْسَ: دیروز تیم برنده مان را تشویق کردیم.

مضاف و مضاف‌الیه صفتِ فریق

أَشْتَغَلُ فِي مَزْرَعَتِنَا الْكَبِيرَةِ كُلَّ يَوْمٍ: هر روز در کشتزار بزرگمان کار می‌کنم.

مضاف و مضاف‌الیه صفتِ مزرعة

اکنون با ترکیب‌هایی شبیه «فَرِيقُ الْمَدْرَسَةِ الْفَائِزُ: تیم برنده مدرسه» و «مَزْرَعَةُ جَارِي الْكَبِيرَةُ: مزرعه بزرگ همسایه‌ام» آشنا شوید.

فَرِيقُ الْمَدْرَسَةِ الْفَائِزُ: تیم مدرسه، برنده است.
مبتدا مضاف‌الیه خبر

فَرِيقُ الْمَدْرَسَةِ الْفَائِزُ: تیم برنده مدرسه
مضاف مضاف‌الیه صفت

مَزْرَعَةُ الْجَارِ الْكَبِيرَةُ: کشتزار همسایه، بزرگ است.
مبتدا مضاف‌الیه خبر

مَزْرَعَةُ الْجَارِ الْكَبِيرَةُ: کشتزار بزرگ همسایه
مضاف مضاف‌الیه صفت

حَقِيبَةُ سَعِيدٍ جَمِيلَةٌ: کیف سعید، زیباست.
مبتدا مضاف‌الیه خبر

حَقِيبَةُ سَعِيدٍ جَمِيلَةٌ: کیف زیبای سعید
مضاف مضاف‌الیه صفت

فرق نوشته‌های بالا را بیابید و توضیح دهید.



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَوْصُوفَ وَ الصِّفَةَ.

١- ﴿وَمَا نُجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ﴾

الصِّفَات: ٣٩-٤١

٢- ﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ الْوَاقِعَةَ: ٩

٣- ﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ﴾ يُونُسَ: ٢٤

٤- السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

٥- سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ.



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوارات (مَعَ مَسْؤُولِ اسْتِقْبَالِ الْفُنْدُقِ)

مَسْؤُولِ الْاسْتِقْبَالِ	الْسَّائِحُ
ما هُوَ رَقْمُ غُرْفَتِكَ؟	رَجَاءً اَعْطِنِي مِفْتَاحَ غُرْفَتِي.
تَفَضَّلْ.	مِئْتَانٍ وَ عِشْرُونَ.
اَعْتَدِرُ مِنْكَ؛ اَعْطَيْتَكَ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ.	عَفْوًا، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ غُرْفَتِي.
مِنَ السَّادِسَةِ صَبَاحًا اِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ؛ ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي.	لَا بَأْسَ، يَا حَبِيبِي. مَا هِيَ سَاعَةُ دَوَامِكَ؟
الْفُطُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النِّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ اِلَّا رُبْعًا؛ الْعَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرَّبْعِ؛ الْعِشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ اِلَّا رُبْعًا.	مَتَى مَوَاعِدُ الْفُطُورِ وَ الْعَدَاءِ وَ الْعِشَاءِ؟
شَايٍ وَ خُبْزٌ وَ جُبْنَةٌ وَ زَبْدَةٌ وَ حَلِيبٌ وَ مَرَبَّى الْمِشْمِشِ.	وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْفُطُورِ؟
رُزٌّ مَعَ دَجَاجٍ.	وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعَدَاءِ؟
رُزٌّ مَعَ مَرَقٍ بَاذِنَجَانٍ.	وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ؟
لَا شُكْرَ عَلَيَّ الْوَاجِبِ.	أَشْكُرُكَ.



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان بپرسید.

التَّمارین

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ۱- بِمَعْنَى الدَّهَابِ نَحْوَ الضَّيْفِ وَ إِظْهَارِ الْفَرْحِ بِهِ.
- ۲- مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنْ الْجُنُودِ لِلدَّفَاعِ عَنِ الْوَطَنِ.
- ۳- مَكَانٌ يَجْتَمِعُ فِيهِ الْمَاءُ طَوِيلًا.
- ۴- مَكَانٌ بَيْنَ جَبَلَيْنِ.
- ۵- فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ.

التَّمْرينُ الثَّانِي: تَرَجِّمْ هَذِهِ الْأَفْعَالَ.

تَنْصُرُونَ:	تُنْصَرُونَ:	فَتَحَ:	فُتِحَ:
يُشَاهِدُونَ:	يُشَاهَدُونَ:	يُخْرِجُ:	يُخْرَجُ:
يُخْرَبُ:	يُخْرَبُ:	اِسْتَحْدَمَ:	اُسْتُحْدِمَ:

التَّمْرينُ الثَّالِثُ: صَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ زَائِدَةٌ»

ذَابَ / تَخَلَّصَ / اخْتَارَ / أَصْلَحَ / هَدَى / مُفْسِدُونَ / رَفَضَ / اُسْكُنْ

- ۱- ﴿مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾
الأنعام: ٥٤
- ۲- ﴿وَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا﴾ الأعراف: ١٥٥
- ۳- ﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ﴾ طه: ٥٠
- ۴- ﴿وَ يَا آدَمُ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ الأعراف: ١٩
- ۵- ﴿إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَاجُوجَ فِي الْأَرْضِ﴾ الكهف: ٩٤

التَّامِرِينَ الرَّابِعُ: ضَعْ هَذِهِ الْأَفْعَالَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرجمْهَا.

سَوْفَ يُخَاطَبُ / أَغْلِقْ / لَا يَسْكُنُونَ / عَوَّضَ / نُحَوِّلِينَ / لَا تُخَيِّرُ / مَا لَيْسَتْهَا / لَا نَتَخَرَّجُ
 كَانَا يُعْجَلَانِ / حَرَّكَ / سَيُصْلِحُ / لَا تَتَعَجَّبُوا / رَحَبْتُ / مَا لِعِقِّ / يَتَصَادَمُ / كَانَتَا تُصَدِّقَانِ

نوع فعل	عربي	ترجمه فارسي	عربي	ترجمه فارسي
ماضي
ماضي منفي
معادل ماضي استمراري
مضارع
مضارع منفي
امر
نهي
مستقبل

التَّامِرِينَ الْخَامِسُ: اُكْتُبْ مَعْنَى الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ.

- 1- يَبْعَثُ: **مى فرستد**: أَبْعَثُ:: يُبْعَثُونَ:
- 2- يَقْطَعُ: **مى برد**: قُطِعَ:: يُقْطَعُ:
- 3- أَجْلَسَ: **نشاند**: أُجْلِسَ:: يُجْلَسُ:
- 4- قَتَلَ: **كُشت**: قُتِلَ:: يُقْتَلُ:
- 5- عَلَّمَ: **ياد داد**: عَلَّمُوا:: يُعَلَّمُ:
- 6- أَنْقَذَ: **نجات داد**: يُنْقَذُونَ:: أَنْقِذُوا:

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يَسْتَقْبِلُ»: اسْتَقْبَلَ قَبِلَ أَقْبَلَ
- ٢- الْمُضَارِعُ مِنْ «فَرَّقَ»: يَتَفَرَّقُ يَفْتَرِقُ يُفْرِقُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «أَغْلَقَ»: انْغِلَاقٌ اغْلَاقٌ تَغْلِيقٌ
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تَعَلَّمُونَ»: عَلِّمُوا اَعْلِمُوا اِعْلَمُوا
- ٥- النَّهْيُ مِنْ «تُنزِلِينَ»: لا تُنْزِلِي لا تُنْزِلِينَ لا تَنْزِلِي
- ٦- الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: يُشْرِفُ يُضْرَبُ يُلَاحِظُ

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: صَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً، ثُمَّ تَرَجِّمُهَا.

عَيَّرُوا / اسْتَغْفَارَ / حَرَّكْتُمَا / تَحْوِيلَ / لَا تَسْتَمِعُ / لَا تَتَحَرَّكِي / لَعِقْتُ / لَا يُفْتَحُ / أَفْرُبْنَ / يُدْفَعُ

فِعْلُ النَّهْيِ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْمَصْدَرُ	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي	الْكَلِمَةُ
.....	الْكَلِمَةُ
.....	الْتَّرْجَمَةُ
.....	الْكَلِمَةُ
.....	الْتَّرْجَمَةُ



التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ الثَّلَاثَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ. ﴿نُورُ السَّمَاءِ﴾

۱- ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾^۱ البقرة: ۱۲۳

۲- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا﴾^۲ الحج: ۷۳

۳- ﴿وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا﴾^۳ مريم: ۶۶

۴- ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾^۴ الزُّمَر: ۱۱

۵- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾^۵ البقرة: ۱۸۵

۶- ﴿وَأَخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ﴾^۶ سبأ: ۵۱

۱- اتَّقُوا: بترسيد، بپرهيزيد لا تَجْزِي: دفع نمي کند. عَدْلٌ: در اينجا به معنای بلا گردان، بدل

۲- لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا: مگسي را نخواهند آفريد.

۳- مِتُّ: مُرِدَمٌ ← مات: مُرِدٌ لَرَسَوْفَ براي تأکيد است.

۴- مُخْلِصًا: در حالي که خالص گرداننده ام.

عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ.

۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمانی، مردمانی [دیگر] را ریشخند کنند، شاید آنها خوب بهتر از خودشان باشند؛

۲- ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾
و از خودتان دیگران عیب نگیرید، و به همدیگر لقب لقب‌های زشت ندهید.

۳- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به بسیاری از گمان‌ها اعتماد نکنید.
از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید.

۴- ﴿إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾

زیرا برخی گمان‌ها گناه زشت است، و جاسوسی نکنید؛ و غیبت دیگران همدیگر نکنید؛

۵- ﴿أَيُّحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾

آیا کسی از شما می‌خواهد دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد بگند ؟ [کاری که] آن را ناپسند می‌دارید.

الْحَجْرَات: ۱۱ و ۱۲

۶- ﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾

ای پسرکم، نماز نمازت را برپای دار و به کار پسندیده فرمان بده و از کار ناپسند بازدار، و بر آسیبی که بر تو وارد آمده آرامش داشته باش بردباری کن قطعاً این از عزم [در] کار کارها است.

۷- ﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾

و از مردم دوستان روی برمتاب، و در زمین خرامان راه نرو؛ زیرا خداوند هر خودپسندِ فخرفروش را ناپسند می‌دارد دوست نمی‌دارد .

۸- ﴿وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾

و در راه رفتنت میانه‌رو باش و از صدا صدایت بکاه، زیرا بدترین صداها صدا قطعاً صدای خران است.

لقمان: ۱۷ إلى ۱۹



﴿ اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ ﴾

اِبْحَثْ عَنِ آيَةٍ اَوْ حَدِيثٍ اَوْ شِعْرٍ اَوْ كَلَامٍ جَمِيْلٍ مُرْتَبِطٍ بِمَفْهُومِ الدَّرْسِ.
(اَلْاِشَارَةُ اِلَى النِّعَمِ اِلٰهِيَّةِ)



﴿ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ﴾ التَّمْل: ٤٠

الدَّرْسُ السَّابِعُ



أَنْتَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَظَمْتُكَ ،
وَفِي الْأَرْضِ قُدْرَتُكَ ،
وَفِي الْبِحَارِ عَجَائِبُكَ .
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

به کتاب گویا گوش کنید، سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان بپرسید. می‌توانید یک گروه تشکیل دهید و متن را به صورت نمایشی اجرا کنید.

يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَانِعًا عَنِ الدُّلْفِينِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْعَرَقِ، وَ أَوْصَلَهُ

إِلَى الشَّاطِئِ.

حامد: لا أُصَدِّقُ؛ هذا أمرٌ عجيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِدًّا.

الأب: يا ولدي، لَيْسَ عَجيباً، لِأَنَّ الدُّلْفِينَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.

صادق: تصديقُهُ صَعْبٌ! يا أباي، عَرَفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ.

الأب: لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ وَزْنُهُ يَبْلُغُ

ضِعْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيباً، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبَوْنَةِ الَّتِي تُرَضِعُ

صِغَارَهَا.

نورا: إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

الأب: نَعَمْ؛ بِالتَّأَكِيدِ، تَسْتَطِيعُ الدُّلْفِينُ أَنْ تُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ

مَكَانِ عَرَقِ سَفِينَةٍ.

الأمُّ: تُوَدِّي الدُّلْفِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ

مِنْ عَجَائِبٍ وَ أَسْرَارٍ، وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ

الْأَسْمَاكِ.



صَادِقٌ: رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعًا؟
الْأُمُّ: نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّهَا تَسْتَطِيعُ
أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ، وَ أَنَّهَا تُعْنِي كَالطَّيُورِ، وَ تَبْكِي
كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفُرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

نورا: هَلْ لِلدَّلَافِينَ أَعْدَاءٌ؟

الْأَبُّ: بِالتَّأَكِيدِ، تَحَسَّبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَ الْفَرَشِ عَدُوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا عَلَى
سَمَكَةِ الْفَرَشِ، تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأَنْوْفِهَا الْحَادَّةِ وَ
تَقْتُلُهَا.

نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدَّلَفِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟

الْأَبُّ: نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتَرِنْتِ: ... سَحَبَ تَيَّارُ الْمَاءِ رَجُلًا إِلَى
الْأَعْمَاقِ بِسِدَّةٍ، وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى
بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي، مَا وَجَدْتُ
أَحَدًا، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دُلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ.
الْأُمُّ: إِنَّ الْبَحَرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٍ:
النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ،
وَ النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ،
وَ النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ.

به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

طیور : پرنندگان «مفرد: طیر»	تَیَّار : جریان	أَدَى : ایفا کرد، منجر شد
عَرَفَ : معرفی کرد	جَمَاعِيّ : گروهی	أَرشَدَ : راهنمایی کرد
عَزَمَ : تصمیم گرفت	حَادٌ : تیز	أَرَضَعَ : شیر داد
عَنَى : آواز خواند	دَلَّافِين : دلفین‌ها	أَعْلَى : بالا، بالاتر
قَفَزَ : پرید، جهش کرد	دَوْر : نقش	أَنفَقَ : انفاق کرد
لَبَوْنَةَ : پستاندار	ذَاكِرَةٌ : حافظه	أَنُوفَ : بینی‌ها «مفرد: أَنْف»
كَذَلِكَ : همین‌طور	رَائِعَ : جالب	أَوْصَلَ : رسانید
مُنْقَذَ : نجات‌دهنده	سَمَكُ الْقِرْشِ : کوسه ماهی	بِحَارَ : دریاها «مفرد: بَحْر»
مَوْسُوعَةَ : دانشنامه	شَاطِئِ : ساحل «جمع: شَوَاطِئُ»	بَكَى : گریه کرد
	صَفَرَ : سوت زد	بَلَغَ : رسید
	ضِعْفَ : برابر «ضِعْفَيْنِ: دو برابر»	تَجَمَّعَ : جمع شد

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- الدُّلْفِينُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبَوْنَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا.
- ۲- يُؤَدِّي سَمَكُ الْقِرْشِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ.
- ۳- سَمِعُ الْإِنْسَانِ يَفُوقُ سَمْعَ الدُّلْفِينِ عَشْرَ مَرَّاتٍ.
- ۴- سَمَكُ الْقِرْشِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.
- ۵- سَمَكُ الْقِرْشِ عَدُوُّ الدَّلَّافِينِ.
- ۶- لِلدَّلَّافِينِ أَنْوُقٌ حَادَّةٌ.

اعلموا

الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ

در زبان فارسی به حروفی مانند «به، برای، بر، در، از» حروف اضافه و در عربی حروف جر می‌گویند.

در جمله «مسافران به هتل رفتند.» «به» حرف اضافه و «هتل» متمم و «به هتل» گروه متمم نامیده می‌شود. گروه متمم را در عربی «جار و مجرور» می‌نامند.

به حروف « مِنْ ، فِي ، إِلَى ، عَلَى ، بِ ، لِ ، عَنْ ، كَ » در دستور زبان عربی «حروف جر» می‌گویند. این حروف معنای جمله را کامل‌تر می‌کنند.

مثال: مِنْ قَرْيَةٍ، فِي الْغَابَةِ، إِلَى الْمُسْلِمِينَ، عَلَى الْوَالِدَيْنِ، بِالْحَافِلَةِ، لِلَّهِ، عَنْ نَفْسِهِ، كَجَبَلٍ
به حرف جر، جار و به اسم بعد از آن مجرور و به هر دو اینها «جار و مجرور» می‌گویند.

گاهی خبر در جمله اسمیه به صورت «جار و مجرور» می‌آید؛ مثال:

سَلَامَةٌ الْعَيْشِ، فِي الْمُدَارَةِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

گاهی خبری که به شکل جار و مجرور است، بر مبتدا مقدم می‌شود؛ مثال:

فِي التَّأخِيرِ آفَاتٌ.

يَكْتُبُ	التَّلْمِيذُ	الْوَاجِبُ	فِي الْمَدْرَسَةِ
فعل	فاعل	مفعول	جار و مجرور
الْتَّجَارُ	يَصْنَعُ	الْكِرَاسِيُّ	فِي الْمَصْنَعِ
مبتدا	خبر	مفعول	جار و مجرور
الْشَّرْطِيُّ	وَاقِفٌ	-	فِي السَّاحَةِ
مبتدا	خبر	-	جار و مجرور

أَهْمُ مَعَانِي حُرُوفِ الْجَرِّ:

مِنْ مِنْ

﴿... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ آل عمران: ٩٢

تا انفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَّا = مِنْ + ما)

﴿... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾ الإنسان: ٢١

دست‌بندهایی از جنس نقره

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ: از اینجا تا آنجا

فِي فِي

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ البقرة: ٢٩

او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.

الْتَّجَاهُ فِي الصِّدْقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رهایی در راستگویی است.

إِلَى إِلَى ، به سوی ، تا

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ الإسراء: ١

پاک است کسی که بنده‌اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.

﴿قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةً عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ

وَشْرَابِكَ﴾ الإسراء: ١

گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز.» گفت: «نه، بلکه صد

سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنی‌ات بنگر.»

كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصُّبْحِ إِلَى اللَّيْلِ. کشاورز از صبح تا شب در مزرعه

کار می‌کرد.

عَلَى ، بر ، روي

النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.

عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید، (بر شمایست پایبندی به صفات برتر اخلاقی) زیرا پروردگارم مرا به خاطر آن فرستاده است.

الْدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

روزگار دو روز است؛ روزی به سودت و روزی به زیانت.

الْحَقِيقَةُ عَلَى الْمِنْصَدَةِ. كيف روی میز است.

بِ - به وسیله، در

﴿إِفْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ الْعَلَقُ : ۳ و ۴

بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است؛ همان که به وسیله قلم آموخت.

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ آلِ عِمْرَانَ : ۱۲۳ و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.

لِ - برای ، از آن (مال) ، داشتن

﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ النَّسَاءُ : ۱۷۱

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست.

لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد.

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ﴾ الْكَافِرُونَ : ۶

دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم.

لِمَاذَا رَجَعْتَ ؟ - لِأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي. برای چه برگشتی؟ - برای اینکه کلیدم را فراموش کردم.

۱- «عَلَيْكُمْ» اصطلاحی است که از معنای «جار و مجرور» خارج شده و معنای فعل یافته است.

۲- دین: دینی (دین من)

عَنْ اِزْ، دِرْبَارَةٌ

﴿ وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴾ الشُّورَى: ٢٥
او کسی است که توبه را از بندگان می‌پذیرد و از بدی‌ها درمی‌گذرد و آنچه را انجام می‌دهید؛ می‌داند.

﴿ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ... ﴾ البقرة: ١٨٦

و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من [به آنان] نزدیکم.

كَ مَانِدٌ

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امت خودش است.
گاهی جار و مجرور، خبر واقع می‌شود؛ مثل «مِنَ الشَّيْطَانِ» در جمله زیر:

«الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ». أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: عَيْنُ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَنَةِ.

١- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٢- شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



نونُ الْوَقَايَةِ

وقتی ضمیر «ی» به فعل متّصل شود، نون وقایه میانشان می آید؛ مثال:
یَعْرِفُنِي: مرا می شناسد. اِرْزُقْنِي: مرا بالا ببر. اَحْدَنْي: مرا بُرد.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ.

۱- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾ إبراهيم : ۴۰

۲- اَللّٰهُمَّ اِنْعَمْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ عَلَّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

۳- اِنَّ اللّٰهَ اَمَرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا اَمَرَنِي بِاِقَامَةِ الْفَرَائِضِ. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

۴- اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي شَكُوْرًا وَّاجْعَلْنِي صَبُوْرًا وَّاجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيْرًا وَّ فِي اَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيْرًا. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

انصَحونِي: هُمْ يَحْتَرِمُوْنِي:

هِيَ حَذَّرْتَنِي: هُنَّ اَنْقَذُوْنِي:

اَنْتَ تَحْفَظْنِي: اَعْطَانِي حُبْرًا:



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوارات (مَعَ مُشْرِفٍ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ)

مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ	السَّائِحُ
السَّيِّدُ دِمَشْقِيّ مُشْرِفُ خَدَمَاتِ غُرْفِ الْفُنْدُقِ. مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ؟	عَفْوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْؤُولُ تَنْظِيفِ الْغُرْفِ وَ الْحِفَاطِ عَلَيْهَا؟
أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ رَجَاءً، اسْتَرْخُ؛ سَأَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ.	لَيْسَتْ الْغُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.
مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمُشْرِفُ مَعَ مَهْنَدِسِ الصِّيَانَةِ.	
السَّائِحُ	مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ
لَيْسَتْ غُرْفَتِي وَ غُرْفُ زَمَلَائِي نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.	مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ، يَا حَبِيبِي؟!
فِي الْغُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ مَكْسُورٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشَفٌ نَاقِصٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّلَاثَةِ الْمُكَيَّفُ لَا يَعْمَلُ.	سَيَّأْتِي عُمَالُ التَّنْظِيفِ، وَ مَا الْمُسْكِلاتُ الْأُخْرَى؟
تَسَلَّمْ عَيْنُكَ!	نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ. سَنُصَلِّحُ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَيَّ عَيْنِي.



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان پرسید.

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ X

- ١- عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرَقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ.
- ٢- الطَّاوُوسُ مِنَ الطَّيُورِ الْمَائِيَّةِ تَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ.
- ٣- الْمَوْسُوعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جِدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ.
- ٤- الشَّاطِئُ مِنْطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجَوَارِ الْبِحَارِ وَالْمُحِيطَاتِ.
- ٥- الْأَنْفُ عَضُو التَّنَفُّسِ وَالشَّمِّ.
- ٦- الْخَفَّاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ.

التَّمْرينُ الثَّانِي: صَعِّعِي فِي الْفُرَاقِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

أُنُوفٍ / دَوْرٌ / قَفَرٌ / بَلَعْنَا / أَسْرَى / أَسَاوَرَ / الذَّاكِرَةَ / تَيَّارٌ

- ١- اشْتَرَى أَبِي لِأُخْتِي الصَّغِيرَةِ مِنْ ذَهَبٍ.
- ٢- قَالَ الطُّلَّابُ: السَّنَةُ السَّادِسَةَ مِنَ الْعُمُرِ.
- ٣- كَانَ كُلُّ طَالِبٍ يَلْعَبُ هُ بِمَهَارَةٍ بِاللُّغَةِ.
- ٤- عَصَفَتْ رِيحٌ شَدِيدَةٌ وَ حَدَّتْ فِي مَاءِ الْمُحِيطِ.
- ٥- أَنْصَحَكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابٍ حَوْلَ طُرُقِ تَقْوِيَةٍ لِأَنَّكَ كَثِيرُ النَّسِيَانِ.
- ٦- لَدَيْنَا زَمِيلٌ ذَكِيٌّ جِدًّا مِنْ الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الثَّلَاثِ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمَ أَفْعَالَ الْجَدْوَلِ التَّالِي.

كانوا يُجَهِّزُونَ	تُرَضِعِينَ	يُرْسِدُونَ	ما تَعَرَّفْتُ
.....
نَتْرَاحِمُ	لا تَعَزِمُونَ	سَيِّبُلُغَانِ	ابْعَثْنَ
.....
لا تُفَرِّقُ	ما قَفَرْتُ	لا يُطْبِخُ	يَتَجَمَّعْنَ
.....
احْتَرَمْنَا	أَخْلَصْتَنَّ	اعْتَصِمُوا	سَوْفَ نَحْتَفِلُ
.....

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِّ وَالْمَجْرُورِ.

١- ﴿وَأَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ التَّمَلُّ: ١٩

.....

٢- ﴿وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ١٤٧

.....

٣- أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....

٤- عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

.....

٥- جَمَالَ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَتَمَرَّتُهُ الْعَمَلُ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

.....

التمرين الخامس: تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ.

إِسْأَلُونِي: يَعْرِفُونَنِي: أَعْطَانِي: يَنْصُرْنِي:
 إِزْحَمُونِي: لَا تُحَيِّرْنِي: عَرَّفْنِي: أَنْزَلْنِي:

التمرين السادس: اُكْتُبِ مَفْرَدَةَ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمِ الدَّرْسِ.

أَسَاوِر: أَنْوْف: بِحَار:
 دَلَايِين: صِغَار: طُيُور:

التمرين السابع: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. = ≠

سَاحِل	بَعْدَ	ضَوْء	أَقْل	كِبَار	بَكَى	أَرْسَلَ	شَاطِئ	صِغَار	بَعَثَ
سَتَرَ	إِسْتَلَمَ	كَتَمَ	فَجَاءَهُ	دَفَعَ	قَرَّبَ	بَغْتَهُ	أَكْثَرَ	ظَلَام	صَحِكَ

..... ≠ = = = =
 ≠ = = = =

الْتَمْرِينُ الثَّامِنُ: تَرْجِمَ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ الْمُتَقَاعِ، ثُمَّ اَكْتُبْ رَمَزَهُ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

يَبْلُغَنَّ / صِغَارٍ / ذَاكِرَةٌ / عَفَا / بَكَى / مُنْقِذٌ / مَرَقٌ / أَوْصَلَ / صَفَرُوا / غَنَيْتُمْ / سَمِعَ / طُيُورٍ / حَادَّةٌ / دَوَّرَ /
لَبَوْنَةٌ / كَذَلِكِ / جَمَارِكِ / زُبُوتٍ / سَمَّيْنَا / ظَاهِرَةٌ / أَمَطَرَ / حَمِيمٍ / ثُلُوجٍ / سَوَارٍ / رَائِعٍ

رمز ↓

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	كوچكها	(١)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	اين طور	(٢)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تيز	(٣)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پديده	(٤)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سوت زدند	(٥)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	روغنها	(٦)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نقش	(٧)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	شنوایی	(٨)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	جالب	(٩)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نجات دهنده	(١٠)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نامیدیم	(١١)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دستبند	(١٢)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گرم و صمیمی	(١٣)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	برفها	(١٤)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	حافظه	(١٥)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پستاندار	(١٦)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پرندگان	(١٧)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	رسانید	(١٨)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	باران بارید	(١٩)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بخشید	(٢٠)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	می رسند	(٢١)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	ترانه خواندید	(٢٢)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گریه کرد	(٢٣)



قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«.....»

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ. * كَنْزُ الْكَلَامِ *

١- ذَكَرَ اللهُ شِفَاءَ الْقُلُوبِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٢- آفَةُ الْعِلْمِ النَّسِيَانُ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٣- لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَجِمَ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٤- الْجَلِيْسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٥- الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيْسِ السَّوْءِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٦- لِسَانُ الْمُقْصِرِ قَاصِرٌ. أَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

التَّمْرِينُ الْعَاشِرُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِيْنَ وَ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ وَ الْفَاعِلَ وَ الْمَفْعُولَ.

١- ﴿جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ الْمَائِدَةُ : ٩٧

٢- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ النَّبَأُ : ٤٠

٣- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٤- حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٥- أَلْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٦- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ:

صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

عَيْنٌ فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ تَرْجَمَةٌ مَا تَحْتَهُ خَطٌّ.

۱- ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ

الْخَاسِرِينَ﴾ [الأعراف: ۲۳]

پروردگارا، به خودمان ستم کردیم و اگر ما را نبخشایی و به ما رحم نکنی بی‌گمان از زیان دیدگان خواهیم بود.

۲- ﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾

پروردگارا، به من دانش ببخش و مرا به درستکاران پیوند بده؛

۳- ﴿وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ﴾ ...

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار بده؛

۴- ﴿وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ﴾

و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند، رسوایم مکن؛

۵- ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾

روزی که نه دارایی و نه فرزندان سود نمی‌رساند؛

۶- ﴿إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾

جز آنکه با دلی سالم (پاک) نزد خدا آمده است.

الشُّعْرَاءُ: ۸۹



۷- ﴿ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا ﴾ الْبَقَرَة: ۸۳ و با مردم نیکو سخن بگویید.

۸- ﴿ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ﴾ الْمَائِدَة: ۴۸

در کارهای خیر از هم پیشی بگیرید.

۹- ﴿ اُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ﴾ الْغَافِر: ۶۰

مرا فرا بخوانید تا [دعای] شما را برآورده کنم.

۱۰- ﴿ وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أحياءٌ وَ لَكِنْ لَا

تَشْعُرُونَ ﴾ الْبَقَرَة: ۱۵۴

و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مُرده نگویید، بلکه زنده‌اند ولی شما نمی‌دانید.

۱۱- ﴿ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولاً ﴾ الْاِسْرَاء: ۳۴

و به پیمان وفا کنید؛ زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد.



اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

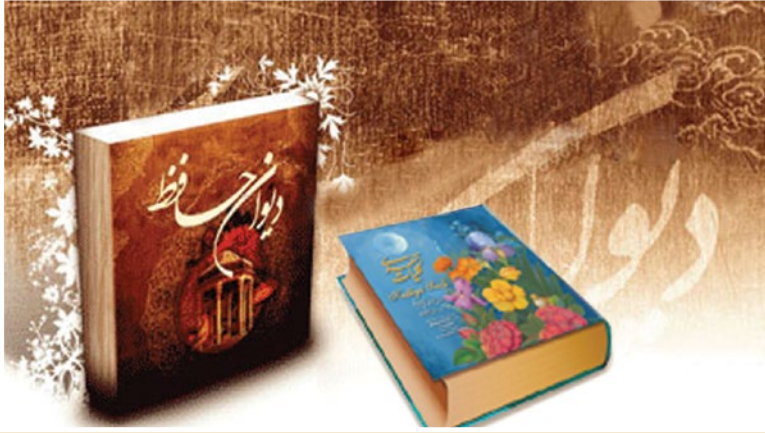
اِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ حَقِيقَةِ قَصِيْرَةِ حَوَلِ حَيَّوَانِ،

وَ اَكْتُبْهَا فِي صَحِيْفَةِ جِدَارِيَّةٍ،

ثُمَّ تَرْجِمْهَا اِلَى الْفَارِسِيَّةِ، مُسْتَعِيْنًا بِمُعْجَمِ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.



الدَّرْسُ الثَّامِنُ



قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

جَمَالُ الْمَرْءِ فَصَاحَةُ لِسَانِهِ.

به کتاب گویا گوش کنید، سپس در یک کار گروهی متن و دو ملمّع زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان بپرسید. می‌توانید داوطلب شوید و شعر را برای جلسه بعد از حفظ بخوانید.

صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لُغَةُ الْقُرْآنِ وَ الْأَحَادِيثِ وَ الْأَدْعِيَةِ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعْرَاءُ الْإِيرَانِيِّونَ وَ أَنْشَدَ بَعْضُهُمْ آيَاتًا مَمْرُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ وَ الْفَارِسِيَّةِ وَ سَمَّوْهَا بِالْمُلَمَّعِ؛ لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ مُلَمَّعَاتٌ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشِّيرَازِيِّ وَ سَعْدِيُّ الشِّيرَازِيِّ وَ جَلَّالُ الدِّينِ الرَّومِيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوْلَوِيِّ.

مُلَمَّعُ حَافِظِ الشِّيرَازِيِّ لِسَانِ الْغَيْبِ

إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِيَامَهُ
لَيْسَتْ دُمُوعُ عَيْنِي هُذِي لَنَا الْعَلَامَهُ؟
مَنْ جَرَّبَ الْمَجْرَبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَهُ
فِي بَعْدِهَا عَذَابٌ فِي قُرْبِهَا السَّلَامَهُ
وَاللَّهِ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بِلا مَلَامَهُ
حَتَّى يَذُوقَ مِنْهُ كَأْسًا مِنَ الْكِرَامَهُ

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
دارم من از فراقش در دیده صد علامت
هر چند کازمودم از وی نبود سودم
پرسیدم از طیبی احوال دوست گفتا
گفتم ملامت آید گر گرد دوست کردم
حافظ چوطالب آمد جامی به جان شیرین



مُلَمَّعُ سَعْدِي الشيرازي

سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْبَاتِهِمْ فِي الْفَلَوَاتِ^۱ تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی
 شیم به روی تو روزست و دیده‌ام به تو روشن
 وَ إِن هَجَرْتَ سَوَاءٌ عَشِيَّتِي وَ عِدَاتِي اگر چه دیر بماندم امید بر نگرفتم
 مَصَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتِي من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم
 اگر گلی به حقیقت عَجِين آب حیاتی
 شَبَان تیره امیدم به صبح روی تو باشد
 وَ قَدْ تَفْتَشُ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ فَكَمْ تُمْرَرُ عَيْشِي وَأَنْتَ حَامِلُ شَهْدِ
 جواب تلخ بدیع است از آن دهان نباتی
 نَه پَنج رُوزَه عَمْرَسْت عَشْق رُوي تُو مَآ رَا
 وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى
 وَجَدْتَ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِنْ سَمَمْتَ رِفَاتِي^۲ محامد تو چه گویم که ماورای صفاتی
 كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى که هم کمند بلایی و هم کلید نجاتی
 أَخَافُ مِنْكَ وَ أَرْجُو وَ أَسْتَغِيثُ وَ أَدْنُو ز چشم دوست فتادم به کامه دل دشمن
 فِرَاقِنَامَةُ سَعْدِي عَجَبُ كَه دَر تُو نَگِيرِد فراقنامه سعدی عجب که در تو نگیرد



۱- از آب انبارها درباره سوارانی که در بیابان‌ها تشنه‌اند بپرس. آب انبارها آبگیرهایی بودند که مزه گوارایی نداشتند، ولی برای تشنگان بیابان نعمتی بزرگ بوده است.

۲- اگر خاک قبرم را ببویی، بوی عشق را می‌یابی.

به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

مَحَامِد : ستایش‌ها	شَاءَ : خواست	آتِي، آتٍ : آینده، درحال آمدن
مَرَّرَ : تلخ کرد	شَكَوْتُ : شکایت کردم «إِنْ شَكَوْتُ: اگر شکایت کنم»	اسْتَعَاثَ: کمک خواست
مَصَانِعَ : آب‌انبارهای بیابان	عَجِين : خمیر	بَدِيعَ : نو (برای نخستین بار)
مَلِيحَ : با نمک	عُدَاةُ : دشمنان «مفرد: عادي»	بُعْدَ : دوری
مَمزُوجَ : درآمیخته	عَشِيَّةَ : آغاز شب	جَرَّبَ : آزمایش کرد
نُحْنُ : با صدای بلند گریستند و شیون کردند	عَدَاةُ : آغاز روز	حَلَّ : فرود آمد
وُدَّ : عشق	فَلَوَاتُ : بیابان‌ها «مفرد: فلاة»	ذاقَ: چشید
وَصَفَّ : وصف کرد	قَدْ تَفَتَّشُ : گاهی جست‌وجو می‌شود	دَنَا : نزدیک شد
وَكَنَاتَ : لانه‌ها	قُرْبَ : نزدیکی	رَجَا : امید داشت
هَامَ : تشنه شد	كَأْسَ : جام، لیوان	رَضِيَ : راضی شد
هَجَرَ : جدایی‌گزید، جدا شد	مُجَرَّبَ : آزموده	رُفَاتَ : استخوان پوسیده
		رَكِبَ : کاروان شتر یا اسب سواران
		سَلَّ : بپرس (اسأل)

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- لَيْسَ لِحَافِظٍ وَ سَعْدِيٍّ مُلَمَّعَاتٍ جَمِيلَةً.
- ۲- يَرَى حَافِظُ الدَّهْرِ مِنْ هَجْرِ حَبِيْبِهِ كَالْقِيَامَةِ.
- ۳- يَرَى حَافِظٌ فِي بُعْدِ حَبِيْبِهِ رَاحَةً وَ فِي قُرْبِهِ عَذَابًا.
- ۴- يَرَى سَعْدِيٌّ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ سَوَاءً مِنْ هَجْرِ حَبِيْبِهِ.
- ۵- قَالَ سَعْدِيٌّ: «مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ لَا تَأْتِي.»

إِعْلَمُوا

إِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اسْمُ الْمُبَالَغَةِ

در دستور زبان فارسی به اسم فاعل، صفت فاعلی و به اسم مفعول، صفت مفعولی می‌گویند.

اسم فاعل به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و اسم مفعول به معنای «انجام شده» است.

اسم فاعل و اسم مفعول دو گروه‌اند:

گروه اول بر وزن «فاعل» و «مفعول» هستند که در سال گذشته با آنها آشنا شده بودید.

ماضی	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
صَنَعَ	صَانِع	سازنده	مَصْنُوع	ساخته شده
خَلَقَ	خَالِق	آفریدگار	مَخْلُوق	آفریده شده
عَبَدَ	عَابِد	پرستنده	مَعْبُود	پرستیده شده

اکنون با گروه دوم آشنا شوید.

مضارع	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
يُشَاهِدُ	مُشَاهِد	بیننده	مُشَاهَد	دیده شده
يُقَلِّدُ	مُقَلِّد	تقلید کننده	مُقَلَّد	تقلید شده
يُرْسِلُ	مُرْسِل	فرستنده	مُرْسَل	فرستاده شده
يَنْتَظِرُ	مُنْتَظِر	انتظار کننده	مُنْتَظَر	مورد انتظار
يَعْتَمِدُ	مُعْتَمِد	اعتماد کننده	مُعْتَمَد	مورد اعتماد
يَسْتَخْرِجُ	مُسْتَخْرِج	بیرون آورنده	مُسْتَخْرَج	بیرون آورده شده
يَتَهَاجِمُ	مُتَهَاجِم	حمله کننده	-	-
يَنْكَسِرُ	مُنْكَسِر	شکسته شونده	-	-

با دقت در دو جدول داده شده فرق اسم فاعل و اسم مفعول را بیابید.

گروه اول: فعل‌هایی بود که سوم شخص مفرد ماضی آنها سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان بر وزن فاعِل و مَفْعول بود.

گروه دوم: فعل‌هایی است که سوم شخص مفرد ماضی آنها بیشتر از سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان با حرف «مُ» شروع می‌شود. یک حرف مانده به آخر در اسم فاعل کسره و در اسم مفعول فتحه دارد.

(اسم فاعل : مُ ...) ، (اسم مفعول : مُ ...)

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ وَالدُّعَاءَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَاسْمَ الْمَفْعُولِ.

اسْمُ الْمَفْعُولِ	اسْمُ الْفَاعِلِ	الَّتَرْجَمَةُ	الْكَلِمَةُ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	يُعَلِّمُ : یاد می‌دهد مُعَلِّمٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	يَعْلَمُ : می‌داند عَالِمٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	اقْتَرَحَ : پیشنهاد کرد مُقْتَرِحٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	يُجَهِّزُ : آماده می‌کند مُجَهِّزٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	ضَرَبَ : زد مَضْرُوبٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	يَتَعَلَّمُ : یاد می‌گیرد مُتَعَلِّمٌ

يا صانعُ كُلِّ مَصْنوعٍ يا خالقُ كُلِّ مَخْلوقٍ يا رازِقُ كُلِّ مَرْزوقٍ يا مالِكُ كُلِّ مَمْلوكٍ.

من دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

اسم مبالغه بر بسياري صفت يا انجام دادن كار دلالت دارد و بر وزن «فَعَال» و «فَعَّالَة» است؛ مانند

عَلَّامَة (بسيار دانا)؛ فَهَّامَة (بسيار فهميده) صَبَّار (بسيار بُردبار)؛ غَفَّار (بسيار آمرزنده)؛ كَذَّاب (بسيار دروغگو)؛ رَزَّاق (بسيار روزی دهنده)؛ خَلَّاق (بسيار آفريننده)

گاهی وزن «فَعَال» و «فَعَّالَة» بر شغل دلالت می کند؛ مانند خَبَّاز (نانوا)؛ حَدَّاد (آهنگر) گاهی نیز بر ابزار، وسيله يا دستگاه دلالت می کند؛ مانند فَتَّاحَة (در بازکن)؛ نَظَّارَة (عينک)؛ سَيَّارَة (خودرو) کلمات بالا در دو حالت (دلالت بر شغل و ابزار، وسيله يا دستگاه) اسم مبالغه به شمار نمی رود.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ التَّالِيَةَ.

..... ﴿عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾: ﴿أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾:
..... ﴿مَا أَنَا بِظَلَامٍ﴾: ﴿الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾:
..... ﴿هُوَ كَذَّابٌ﴾: ﴿حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾:
..... يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ: ﴿لِكُلِّ صَبَّارٍ﴾:
..... الطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ: يَا سَتَّارَ الْغُيُوبِ:
..... أَلِهَاتِنِ الْجَوْلِ: مَيْتَمُ التَّمَّارِ:
..... فَتَّاحَةُ الرَّجَاجَةِ: رَسَامُ الصُّورِ:

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوارات (شراء شريحة الجوّال)

موظف الاتصالات	الزائرة
تفضلي، و هل تريد بطاقة الشحن؟	رجاء، أعطني شريحة الجوّال.
تستطيعين أن تشحني رصيد جوّالك عبر الإنترنت.	نعم؛ من فضلك أعطني بطاقة بمبلغ خمسة وعشرين ريالاً.
تشتري الزائرة شريحة الجوّال و بطاقة الشحن و تضع الشريحة في جوّالها و تريد أن تتصل ولكن لا يعمل الشحن، فتذهب عند موظف الاتصالات و تقول له:	
أعطني البطاقة من فضلك. سامحيني؛ أنت على الحق. أبدل لك البطاقة.	عفواً، في بطاقة الشحن إشكال.



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان بپرسید.

التَّمارين

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيِّرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ ✕

١- الْكَاسُ زُجَاجَةٌ يُشْرَبُ فِيهِ الْمَاءُ أَوْ الشَّايُّ أَوْ الْفَهْوَةُ.

٢- يُمَكِّنُ شِرَاءَ الشَّرِيحَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْإِتِّصَالَاتِ.

٣- يَصْنَعُ الْخُفَّاشُ وَكُنَّهُ فِي جِدَارِ بَيْتٍ قَدِيمٍ.

٤- الرَّاسِبُ هُوَ الَّذِي مَا نَجَحَ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ.

٥- عُصُونُ الرَّبِيعِ بَدِيعَةٌ جَمِيلَةٌ.

٦- يُصْنَعُ الْخُبْزُ مِنَ الْعَجِينِ.

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

الْفَلَوَاتِ / بُعْدٍ / وُدٌّ / مَصَانِعُ / بَدَلٌ / فَتَّشَ / اللَّيْلِ / يَرَضَى

١- الْغَدَاةُ بِدَايَةَ النَّهَارِ وَالْعَشِيَّةُ بِدَايَةَ

٢- رَأَيْنَا الشَّاطِرَ عَنْ عَبَّرَ الطَّرِيقَ.

٣- رَجَاءٌ هَذَا الْقَمِيصُ؛ لِأَنَّهُ قَصِيرٌ.

٤- الشُّرْطِيُّ حَقَائِبَ الْمُسَافِرِينَ.

٥- فِي لَا يَعِيشُ نَبَاتٌ كَثِيرٌ.

٦- أَخِي قَانِعٌ، بِطَعَامٍ قَلِيلٍ.

التَّمرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ.

.....	حَارِسٍ	مَرْفُوعٍ	دَافِعٍ
.....	مُقَلَّدٍ	مُصَدِّقٍ	مَجْمُوعٍ
.....	عَقْفَارٍ	مُعْتَمِدٍ	مُسَافِرٍ
.....	صَيَّادٍ	حَمَّالٍ	رَسَّامٍ

التَّمرِينُ الرَّابِعُ: اُكْتُبْ مُتْرَادِفَ أَوْ مُتَضَادَّ كُلِّ كَلِمَةٍ أَمَامَهَا. = ≠

وُدٌّ / بَحْتٌ / عُدَاةٌ / أَرَادَ / بَعُدَ / بُعِدَ / صَحْرَاءُ / عَدَاةٌ

أَحِبَّةٌ حُبٌّ فَتَّشَ عَشِيَّةٌ
قُرْبٌ فَلَاةٌ شَاءَ دَنَا

التَّمرِينُ الْخَامِسُ: ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ.»

- ١- الرَّكْبُ ○ إِبْتِعَادُ الصَّدِيقِ عَنِ صَدِيقِهِ أَوْ الزَّوْجِ عَنِ زَوْجَتِهِ.
- ٢- الْكِرَامَةُ ○ هُوَ الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيلٌ.
- ٣- الْوَكْرُ ○ زَيْتَةٌ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ.
- ٤- الْهَجْرُ ○ شَرَفٌ وَ عَظَمَةٌ وَ عِرَّةٌ النَّفْسِ.
- ٥- السَّوَارُ ○ بَيْتُ الطُّيُورِ.
- ٦- الْمَلِيحُ ○

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ ضَعِ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ.

﴿ كَنْزُ الْكَلَامِ ﴾

١- مَنْ قَالَ أَنَا عَالِمٌ فَهَوَّ جَاهِلٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- أَلْجَلِيسُ الصَّالِحِ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ.
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- كَانِمُ الْعِلْمِ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْثُ فِي الْبَحْرِ وَالطَّيْرُ فِي السَّمَاءِ.
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٦- أَلْعِلْمُ خَزَائِنُ وَمَفَاتِيحُ السُّؤَالِ؛ فَاسْأَلُوا، رَحِمَكُمُ اللَّهُ، فَإِنَّهُ يُؤَجِّرُ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ
وَالْمُتَكَلِّمِ وَالْمُسْتَمِعِ وَالْمُحِبِّ لَهُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٧- لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ.
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يُسَامِحُ»: سَامَحَ سَمَحَ تَسَامَحَ
- ٢- الْمُضَارِعُ مِنْ «بَدَّلَ»: يُبَدِّلُ يُبَدِّلُ يُبَادِلُ
- ٣- الْمَاضِي مِنْ «يَتَفَرَّقُ»: تَفَرَّقَ فَرَّقَ اِفْتَرَقَ
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تَقَرَّبَ»: تَقَرَّبْ قَرَّبْ أَقْرِبْ
- ٥- عَلَى وَزْنِ «اِنْفَعَالٍ»: اِنْتِظَارِ اِنكِسَارِ اِنْتِصَارِ
- ٦- النَّهْيُ مِنْ «تُكْمَلُونَ»: لَا تُكْمَلْ لَا تُكْمَلُوا لَا تُكْمَلُونَ

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً، ثُمَّ تَرَجِّمَهَا.

اِفْتَرَبِي / تَجْمُعُ / مَا جَرَّبْتُ / اِنْفَاقُ / لَا تَهْجُرْنِي / لَا تَسْتَرْجِعِي / عَزَمْنَا / لَا يُحْيِرُ /
أَرْشَدَنَ / قَدْ يُمَتِّتُشْ

فِعْلُ النَّهْيِ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْمَصْدَرُ	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي	
.....	الْكَلِمَةُ
.....	الترجمة
.....	الْكَلِمَةُ
.....	الترجمة

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- ﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ النَّمل: ٦٥

٢- ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾ التَّور: ٣٥

٣- ﴿وَلَا يَظْلِمُ رُبُّكَ أَحَدًا﴾ الْكَهْف: ٤٩

٤- أَلْسُكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فَصَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- أَلْكَتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٦- ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَةُ النَّاسِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ؑ

٧- زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ؑ

التَّمْرِينُ الْعَاشِرُ: تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ.

شاهد: ديد	ما شاهدتني:	شاهدتُما:	المُشاهد:
أَنْزَلَ: پايين آورد	أُنزِلَ:	يُنزِلُ:	يُنزَلُ:
كَمَلَ: كامل كرد	كانوا يَكْمَلُونَ:	كَمَلْتَنَ:	أَلْمَكَمَلُ:
إِسْتَخْدَمَ: به كار گرفت	يَسْتَخْدِمُونَ:	إِسْتَخْدِمُ:	أَلْمُسْتَخْدَمُ:
تَوَاضَعَ: فروتنی كرد	هُم تَوَاضَعُوا:	تَوَاضَعُوا أَنْتُمْ:	أَلْمَتَوَاضِعُ:
إِنْتَبَهَ: دور شد	كانا يَنْتَبِهَانِ:	سَيَبْتَعِدُ:	أَلِإِنْتَبَاهُ:
إِنْتَبَهَ: توجه كرد	كانتا تَنْتَبِهَانِ:	إِنْتَبَهُوا:	إِنْتَبَهُوا:

كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِينَ

۱- ﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾

و کسانی که از گناهان بزرگ و کارهای زشت ، و هنگامی که می بخشایند.

۲- ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾

و کسانی که [خواستۀ] را برآوردند و برپا داشتند؛

۳- ﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾

و در میان آنها مشورت هست؛

۴- ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾

و از آنچه به روزی دادیم انفاق می کنند.

۵- ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾

و هرگاه به آنان ستم شود، یاری می جویند؛

۶- ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾

و سزای بدی، بدی همانند آن است؛

۷- ﴿فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾

پس درگذرد و نیکوکاری کند، پاداش او بر [عهدۀ] خداست؛

۸- ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾

زیرا او ستمگران را الشوری: ۳۷ إلى ۴۰



۹- ﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾ الْهُمَزَةُ: ۱

وای عیب جوی هرزه زبان.

۱۰- ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾ إبراهيم: ۷

اگر حتماً [نعمت‌هایم را] برایتان می‌افزایم.

۱۱- ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ الْأَعْرَاف: ۳۱

بخورید و و زیاده‌روی نکنید که او را دوست نمی‌دارد.

۱۲- ﴿مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ

أَوْ أُثْنِيَ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾

غَافِر: ۴۰

هرکه بدی انجام دهد، جز کیفر داده نمی‌شود و هرکه از

..... و کار شایسته کند درحالی که مؤمن

باشد، آنان داخل بهشت می‌شوند و در آنجا بی حساب



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنِ شُعْرَاءِ إِيرَانِيِّينَ آخِرِينَ أَنْشُدُوا مَلَمَعَاتٍ
وَ اذْكُرْ آيَاتًا مِنْ مَلَمَعَاتِهِمْ.



الْمُعْجَمُ

كَلِمَاتُ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ وَ العَاشِرِ

توجه: کلمات بی‌شماره مربوط به کتاب‌های عربی

پایه‌های هفتم، هشتم و نهم و کلمات قرمز فعل هستند.



احتِفاظ : نگاه داشتن ۴

احتفل : جشن گرفت

مضارع: يحتفل / مصدر: احتفال) ۳

احتوى : در بر داشت

مضارع: يحتوى / مصدر: احتواء) ۵

أحد : یکی از، کسی، یکتا، تنها

أحد، يوم الأحد : یکشنبه

أحد عشر : یازده

إحدى : یکی از

أحسن : بهتر، بهترین

أحسن : خوبی کرد

مضارع: يحسن / مصدر: إحسان)

أحسنت : آفرین بر تو ۵

أحمر : سرخ

أخ (أخو، أخت، أخي) : برادر، دوست

«جمع: إخوة و إخوان»

أخت : خواهر «جمع: أخوات»

إختار : برگزید

مضارع: يختار / مصدر: إختيار) ۶

إخترع : اختراع کرد

مضارع: يخترع / مصدر: إختراع)

أخذ : گرفت، برداشت، بُرد

مضارع: يأخذ / مصدر: أخذ)

أخرج : درآورد

مضارع: يخرج / مصدر: إخراج) ۱

أخرى : دیگر ۱

أخضر : سبز

اتجاه : جهت ۵

اتخذ : گرفت

مضارع: يتخذ / مصدر: إتخاذ) ۲

اتصالات : مخابرات ۸

اتصل بـ : با... تماس گرفت

مضارع: يتصل / مصدر: إتصال) ۷

اتقوا : بترسید، بپرهیزید ۶

اتقى : پرهیزگارتر، پرهیزگارترین ۴

أتى : آمد (مضارع: يأتى)

أثار : برانگیخت

مضارع: يثير / مصدر: إثارة) ۲

إثنا عشر : دوازده

إثنان، اثنتان : دو

إثنين، يوم الاثنين : دوشنبه

أجاب عن : پاسخ داد به

مضارع: يجيب / مصدر: إجابة)

إجتنب : دوری کرد ۴

مضارع: يجتنب / مصدر: إجتنب)

أجرى : جاری کرد ۲

مضارع: يجري / مصدر: إجراء)

أحب : دوست داشت (مضارع: يحب)

أحب إلى : محبوبترین نزد

أحبه : یاران «مفرد: حبيب» ۸

إحترق : آتش گرفت

مضارع: يحترق / مصدر: إحتراق)

إحترم : احترام گذاشت

مضارع: يحترم / مصدر: إحترام) ۴



آتی، آت : آینده، درحال آمدن ۸

آخر : دیگر

آخر : پایان

آلة : دستگاه «جمع: آلات»

آلة الطباعة : دستگاه چاپ

آمن : ایمان آورد

مضارع: يؤمن / مصدر: إيمان)

أ : آبا

أب (أبو، أبا، أبي) : پدر «جمع: آباء»

إبتدأ : شروع شد

مضارع: يبتدئ / مصدر: إبتداء)

إبتسام : لبخند

إبتعد : دور شد

مضارع: يبتعد / مصدر: إبتعاد) ۵

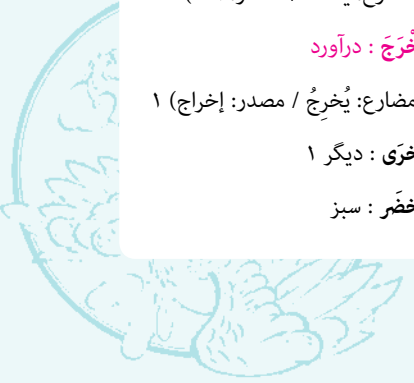
أبحاث : پژوهشها «مفرد: بحث»

إبل : شتران

إبن : پسر، فرزند «جمع: أبناء، بنون»

إبن آدم : آدمیزاد

أبيض : سفید



أَخْلَصَ : مخلص شد ۲

(مضارع: يُخْلِصُ / مصدر: إخلاص)

أَدَاء : به جا آوردن

أَدَاة : ابزار «جمع: أدوات»

أَدَارَ : چرخاند، اداره کرد

(مضارع: يُدِيرُ / مصدر: إدارة) ۵

إِدَارَةُ الْمُرُورِ : ادارهٔ راهنمایی و رانندگی

إِدْخَالَ : داخل کردن

أَدَّى : ایفا کرد، منجر شد

(مضارع: يُؤَدِّي) ۷

إِذْ : آنگاه

إِذَا : هرگاه ، اگر

أَرَادِل : فرومایگان

أَرْبَعَاء ، **يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ** : چهارشنبه

أَرْبَعَةٌ ، **أَرْبَع** : چهار

أَرْبَعُونَ ، **أَرْبَعِينَ** : چهل

أَرْسَل : فرستاد

(مضارع: يُرْسِلُ / مصدر: إرسال) ۲

أَرْشَدَ : راهنمایی کرد

(مضارع: يُرْشِدُ / مصدر: إرشاد) ۷

أَرْض : زمین

«جمع: أراضی»

أَرْضَعَ : شیر داد

(مضارع: يُرْضِعُ / مصدر: إرضاع) ۷

أَرْزَقَ : آبی

إِسَاءَةٌ : بدی کردن ۴

أُسْبُوع : هفته «جمع: أسابيع»

اسْتَرْجَعَ : پس گرفت

(مضارع: يَسْتَرْجِعُ / مصدر: استرجاع)

اسْتَطَاعَ : توانست

(مضارع: يَسْتَطِيعُ / مصدر: استطاعة) ۵

اسْتَعَانَ : یاری جُست

(مضارع: يَسْتَعِينُ / مصدر: استعانة) ۵

اسْتَعَاثَ : کمک خواست

(مضارع: يَسْتَعِيْثُ / مصدر: استعاثة) ۸

اسْتَعْفَرَ : آموزش خواست

(مضارع: يَسْتَعْفِرُ / مصدر: استغفار) ۲

اسْتَفَادَ : استفاده کرد

(مضارع: يَسْتَفِيدُ / مصدر: استفادة) ۵

اسْتَقْبَلَ : به پیشواز رفت

(مضارع: يَسْتَقْبِلُ / مصدر: استقبال) ۶

اسْتَقَرَّ : استقرار یافت

(مضارع: يَسْتَقِرُّ / مصدر: استقرار) ۶

اسْتَمَّتْ : دریافت کرد

(مضارع: يَسْتَمِلُّ / مصدر: استملا)

اسْتَوَى : برابر است

(مضارع: يَسْتَوِي / مصدر: استواء) ۴

أَسَد : شیر

أَسَرَ : اسیر کرد (مضارع: يَأْسِرُ) ۱۰

أُسْرَةٌ : خانواده

أَسْرَى : شبانه حرکت داد

(مضارع: يُسْرِئُ / مصدر: إسرائ) ۷

أُسْوَةٌ : الگو

أَسْوَدَ : سیاه

إِشَارَاتُ الْمُرُورِ : علامتهای راهنمایی

و رانندگی

اشْتَرَى : خرید

(مضارع: يَشْتَرِي / مصدر: اشتراء)

اشْتَغَلَ : کار کرد

(مضارع: يَشْتَغِلُ / مصدر: اشتغال)

أَشْجَار : درختان «مفرد: شَجَر»

أَشَدَّ : سخت تر ۲

أَشْرَكَ : شریک قرار داد

(مضارع: يُشْرِكُ / مصدر: إشراك) ۴

أَشْعَلَ : شعله ور کرد

(مضارع: يُشْعِلُ / مصدر: إشعال) ۶

أَصَابَ : اصابت کرد

(مضارع: يُصِيبُ / مصدر: إصابة)

أَصْبَحَ : شد

(مضارع: يُصْبِحُ / مصدر: إصباح) ۳

أَصْحَابُ الْمِهْنِ : صاحبان شغلها

أَصْدِقَاء : دوستان «مفرد: صَدِيق»

أَصْفَرَ : زرد

أَضَاعَ : تباہ کرد

(مضارع: يُضِيعُ / مصدر: إضاعة)

أَضْلَجَ : اصلاح کرد

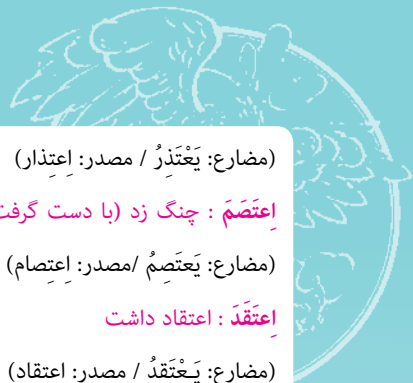
(مضارع: يُضْلِحُ / مصدر: إصلاح) ۶

إِضَافَةٌ إِلَى : افزون بر ۵

أَطَاعَ : پیروی کرد

(مضارع: يُطِيعُ / مصدر: إطاعة) ۶

اعْتَذَرَ : معذرت خواست



(مضارع: يَعْتَدِرُ / مصدر: اِعْتَدَار)

اِعْتَصَمَ : چنگ زد (با دست گرفت)

(مضارع: يَعْتَصِمُ / مصدر: اِعْتَصَم) ٤

اِعْتَقَدَ : اعتقاد داشت

(مضارع: يَعْتَقِدُ / مصدر: اِعْتَقَد)

اِعْتَمَدَ : اعتماد کرد

(مضارع: يَعْتَمِدُ / مصدر: اِعْتَمَد)

اَعْجَزَ : ناتوان ترین

اِعْصَار : گردباد «جمع: اَعْصِير» ٣

اَعْطَى : داد

(مضارع: يُعْطِي / مصدر: اِعْطَاء)

اَعْطِنِي : به من بده

اَعْلَمَ : داناتر، داناترین

اَعْلَى : بالا، بالاتر ٧

اِغْلَقَ : بستن

(مضارع: يُغْلِقُ / مصدر: اِغْلَاق) ٦

اِغْلَاق : شایستگیان

اَفْرَزَ : ترشح کرد

(مضارع: يُفْرِزُ / مصدر: اِفْرَاز) ٥

اَفْضَلَ : برتر، برترین

اِقْتَرَبَ : نزدیک شد

(مضارع: يَقْتَرِبُ / مصدر: اِقْتِرَاب)

اِقْرَبَاء : خویشاوندان

«مفرد: قَرِيب»

اَقْلَ : کمتر ، کمترین

اَكْبَر : بزرگ تر ، بزرگ ترین

اِكْتِسَاب : به دست آوردن

اُكَّدَ : تأکید کرد

(مضارع: يُؤَكِّدُ / مصدر: تَأَكَّد) ٤

اِكْرَاه : اجبار ٤

اِكْرَمَ : گرامی تر، گرامی ترین ٤

اَكَلَ : خورد (مضارع: يَأْكُلُ)

اِلاَ : به جز، مانده

«در ساعت خوانی»

اَلَا : هان، آگاه باش

اَلَا : که ن ... اَلَا نَعْبُدُ : که نپرستیم

(اَن+لا+نَعْبُدُ) ٤

اَلْتَأَمَ : بهبود یافت

(مضارع: يَلْتَمِمُ / مصدر: اَلْتَمَام) ٥

اَلتِقَاطُ صُورَ : عکس گرفتن ٥

اَلَّذِي : کسی که، که

اَلَّذِينَ : کسانی که، که

اَلْفَ : هزار «جمع: آلاف»

اَلْوَان : رنگ ها «مفرد: لَوْن»

اِلَى : به ، به سوی ، تا

اِلَى اللِّقَاءِ : به امید دیدار

اَلْيَوْمَ : امروز ، روز

اُمَ : مادر «جمع: اُمّهات»

اُمَ : یا

اُمَام : روبه رو «متضاد: خَلْف»

اُمَان : امنیّت

اِمْرَأُ اِمْرُؤُ اِمْرِئِ (اَلْمَرْءُ) : انسان، مرد

اِمْرَأَةٌ اَلْمَرْأَةُ : زن «نساء : زنان»

اِمْرِيكَا اَلْوُسْطَى : آمریکای مرکزی ٣

اُمْسِ : دیروز

اُمْسَكَ : به دست گرفت ٢

(مضارع: يَجْتَنِبُ / مصدر: اِحْتِنَاب)

اُمَطَرَ : باران بارید

(مضارع: يُمِطِرُ / مصدر: اِمْطَار) ٣

اُمَكَّنَ : امکان دارد

(مضارع: يُمَكِّنُ / مصدر: اِمْكَان)

اُمِيرَ : فرمانده «جمع: اُمراء»

اُمِين : امانت دار «جمع: اُمناء»

اُنَّ ... : که ...

«اُنَّ اُسَافِرَ : که سفر کنیم» ١

اِنَّ : حقیقتاً، قطعاً

اُنَّ : که

اِنَّ : اگر ٤

اِنَّا : من

اِنَارَةٌ : نورانی کردن ٥

اِنْبَعَثَ : فرستاده شد

(مضارع: يَنْبِعثُ / مصدر: اِنْبِعاث) ٥

اِنْبُوءة : لوله (جمع: اَنبِيب) ٦

اَنْتَ : تو «مذکر»

اَنْتِ : تو «مؤنث»

اَنْتَ عَلَي الْحَقِّ : حق با شماست ٨

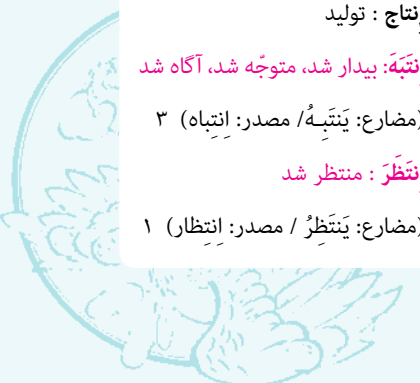
اِنْتِاج : تولید

اِنْتَبَهَ : بیدار شد، متوجه شد، آگاه شد

(مضارع: يَنْتَبِهُ / مصدر: اِنْتِباها) ٣

اِنْتَظَرَ : منتظر شد

(مضارع: يَنْتَظِرُ / مصدر: اِنْتِظار) ١



اِنْتَفَعَ بِ: از ... سود بُرد

- (مضارع: يَنْتَفِعُ / مصدر: اِنْتَفَاع) ۱
 اَنْتُمْ : شما «مذکر»
 اَنْتُمْا : شما «مثنی»
 اَنْتُنَّ : شما «مؤنث»
 اَنْتَى: زن، ماده ۴

اَنْزَلَ : نازل کرد

- (مضارع: يُنْزِلُ / مصدر: اِنْزَال) ۱
 اَنْشَدَ : سرود

- (مضارع: يُنْشِدُ / مصدر: اِنْشَاد) ۵
 اَنْصَتَ : با سکوت گوش فرا داد

- (مضارع: يُنْصِتُ / مصدر: اِنْصَات) ۶
 اَنْصَحَ : اندرزگوترین

- اَنْفَ : بینی «جمع: اَنْوْف» ۷
 اَنْفَسُهُمْ: به خودشان

- اَنْفَعُ : سودمندتر، سودمندترین
 اَنْفَقَ : انفاق کرد

- (مضارع: يَنْفِقُ / مصدر: اِنْفَاق) ۷
 اَنْقَذَ : نجات داد

- (مضارع: يُنْقِذُ / مصدر: اِنْقَاذ)
 اِنْكَسَرَ : شکسته شد

- (مضارع: يَنْكَسِرُ / مصدر: اِنْكَسَار)
 اِنْمَأ : فقط

أَوْ : یا

أَوْجَدَ : پدید آورد

- (مضارع: يَوْجِدُ / مصدر: اِيْجَاد) ۱
 أَوْرَاقُ : برگ‌ها «مفرد: وَرَق»

أَوْسَطَ : میانه‌تر، میانه‌ترین

أَوْصَلَ : رسانید

- (مضارع: يَوْصِلُ / مصدر: اِيْصَال) ۷
 أَوْلَى : یکم، نخستین «مؤنثِ أَوْل»

أَوْلِيكَ : آنان

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ : خوش آمدید

أَيَّ : کدام، چه

أَيَّتْهَا : ای «برای مؤنث»

أَيضًا : همچنین

أَيْنَ : کجا

أَيُّهَا : ای «برای مذکر»

ب

بِ: به وسیله

بَابُ : در «جمع: أَبْوَاب»

بَارِدُ : سرد «متضاد: حَار»

بَارَكَ اللهُ فَيْكَ : آفرین بر تو ۵

بِالتَّكْوِيْدِ : التَّيَّة

بَالِغُ : کامل ۱

بَائِعُ : فروشنده

بَثُّ : پراکندن ۴

بِحَاجَةٍ : نیازمند

بِحَثِّ عَنُ : دنبال...گشت

(مضارع: يَبْحِثُ / مصدر: بَحْث)

بَحْرُ : دریا «جمع: بِحَار»

بِدَائِيَّ : بدوی ۶

بِدَايَةَ : شروع «متضاد: نِهَايَةَ»

بَدَأَ : شروع کرد، شروع شد

(مضارع: يَبْدَأُ)

بَدَّلَ : عوض کرد

(مضارع: يُبَدِّلُ / مصدر: تَبْدِيل) ۸

بَدِيعُ : نو (برای نخستین بار) ۸

بَرِيٌّ : خشکی، صحرایی ۵

بُسْتَانُ : باغ «جمع: بَسَاتِين»

بَسِطَ : گستراند (مضارع: يَبْسِطُ) ۲

بِسْهُوَلَةٍ : به آسانی

بَسِيْطُ : ساده

بَصْرُ : دیده «جمع: أَبْصَار»

بِضَاعَةٌ : کالا «جمع: بَضَائِع»

بَطُّ : اردک ۵

بَطَّارِيَّةٌ : باتری

بِطَاقَةٍ : کارت ۳

بَعَثَ : فرستاد (مضارع: يَبْعِثُ) ۷

بَعْدَ : دور شد (مضارع: يَبْعُدُ) ۳

بَعْدُ : دوری ۸

بَعْضُ ... بَعْضُ : یکدیگر ۲

بَعِيْدُ : دور «متضاد: قَرِيْب»

بُعْتَةٌ : ناگهان

بُقْعَةٌ : قطعه زمین «جمع: بِقَاع» ۲

بُقْرٌ، بَقْرَةٌ : گاو

بُكَاءُ : گریه کردن

بَكْتِيْرِيَا : باکتری ۵

بِكُلِّ سُورٍ : با کمال میل

بَکَى : گریه کرد

(مضارع: يَبْكِي / مصدر: بُكَا) ۷

بَلَّ : بلکه

بَلَا : بدون

بِلَاد : کشور، شهرها «مفرد: بَلَد»

بَلَد : شهر

بَلَغَ : رسید

(مضارع: يَبْلُغُ / مصدر: بُلُوغ) ۷

بِمَ : با چه چیزی «+ ما»

بِنَاء : ساختن، ساختمان ۶

بِنْت (ابْنَة) : دختر «جمع: بَنَات»

بِنْفَسَجِي : بنفش

بِنَى : ساخت (مضارع: يَبْنِي) ۲

بُنَيَّ : پسرکم ۳

بوم : جغد ۵

بُهَيْمَة : چارپا (به جز درندگان)

«جمع: بَهَائِم» ۲

بُيْت : خانه «جمع: بُيُوت»

بُئْر : چاه «جمع: أَبَار»

بُيْع : فروش «متضاد: شِرَاء»

بُيْنَة : دلیل آشکار ۲

بَيْنَ الْحَيْنِ وَ الْآخِرِ : هر از گاهی ۶

ت

تَأَثَّرَ : تحت تأثیر قرار گرفت

(مضارع: يَتَأَثَّرُ / مصدر: تَأَثَّر) ۵

تَأَسَّع : نهم

تَالِي : بعدی

تَجَلَّى : جلوه گر شد

(مضارع: يَتَجَلَّى / مصدر: تَجَلَّى) ۴

تَجَمَّعَ : جمع شد

(مضارع: يَتَجَمَّعُ / مصدر: تَجَمَّع) ۷

تَعْت : زیر «متضاد: فَوْق»

تَحَرَّكَ : حرکت کرد ۵

(مضارع: يَتَحَرَّكُ / مصدر: تَحَرَّك)

تَخَرَّجَ : دانش آموخته شد

(مضارع: يَتَخَرَّجُ / مصدر: تَخَرَّج)

تَخَلَّصَ : رهایی یافت

(مضارع: يَتَخَلَّصُ / مصدر: تَخَلَّص) ۶

تُرَاب : خاک، ریزگرد ۷

تَرَاخَمُوا : به همدیگر مهربانی کردند

(مضارع: يَتَرَاخَمُ / مصدر: تَرَاخَم) ۳

تَرَجَّمَ : ترجمه کرد

(مضارع: يَتَرَجِّمُ / مصدر: تَرَجَّمَة) ۱

تَرَكَ : ترک کرد

(مضارع: يَتْرُكُ / مصدر: تَرَكَ)

تَسَاقَطَ : افتاد (مضارع: يَتَسَاقَطُ /

مصدر: تَسَاقَط) ۳

تَشَعَّة، تِسَع : نه

تَسَلَّمَ عَيْنَاكَ : چشمانت سالم بماند

(چشمت بی بلا) ۷

تَسْلِيم : تحویل دادن، سلام کردن

تَصَادَفَ : تصادف کرد

(مضارع: يَتَصَادَفُ / مصدر: تَصَادَف)

تَعَارَفُوا : همدیگر را شناختند

(مضارع: يَتَعَارَفُونَ / مصدر: تَعَارَف) ۴

تَعَالَ : بیا

تَعَاوَنَ : همکاری کرد

(مضارع: يَتَعَاوَنُ / مصدر: تَعَاوَن) ۲

تَعَايَشَ : همزیستی داشت

(مضارع: يَتَعَايَشُ / مصدر: تَعَايَش) ۴

تَعَبَ : خستگی

تَعَجَّبَ : تعجب کرد

(مضارع: يَتَعَجَّبُ / مصدر: تَعَجَّب)

تَعَرَّفَ عَلَيَّ : شناختن ۳

تَعَلَّمَ : یاد گرفت

(مضارع: يَتَعَلَّمُ / مصدر: تَعَلَّمَ)

تَعْوِض : جبران کردن

تَفَاح : سیب

تَفْتِيش : بازرسی، جست و جو ۳

تَفَرَّقَ : پراکنده شد

(مضارع: يَتَفَرَّقُ / مصدر: تَفَرَّق) ۲

تَفَضَّلَ : بفرما

تَقَاعَد : بازنشستگی

تَقَدَّمَ : پیشرفت

تَكَرَّرَ : پالایش ۶

تَكَلَّمَ : صحبت کرد

(مضارع: يَتَكَلَّمُ / مصدر: تَكَلَّمَ)

تَلَكَّ : آن «مؤنث»

تَلْمِيز : دانش آموز «جمع: تَلَامِيز»

تَلْوِين : رنگ آمیزی

تَمَثَال : تندیس «جمع: تَمَائِل»

تَمْر : خرما

تَنَاجَى : راز گفت ۲

(مضارع: يَتَنَاجَى / مصدر: تَنَاجَى)

تَنَاولٌ : خورد

(مضارع: يَتَنَاولُ / مصدر: تَنَاولُ)

تَنْظِيفٌ : تمیز کردن ۷

تَهَيَّأَ : تهیه کردن

تَيَّارٌ : جریان ۷

ث

ثَالِثٌ، ثَالِثَةٌ : سوم

ثَامِنٌ، ثَامِنَةٌ : هشتم

ثَانِي عَشْرَ، ثَانِيَةَ عَشْرَةَ : دوازدهم

ثَانِي، ثَانِيَةٌ : دوم

ثَعْلَبٌ : روباه

ثَقِيلٌ : سنگین

ثَقِيلُ السَّمْعِ : کم شنوا

ثَلَاثَاءُ، يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ : سه شنبه

ثَلَاثَةٌ، ثَلَاثٌ : سه

ثَلَاثُونَ، ثَلَاثِينَ : سی

ثَلُجٌ : برف، یخ «جمع: ثُلُوج» ۳

ثُمَّ : سپس

ثَمَانِيَةٌ، ثَمَانِيٌ : هشت

ثَمْرٌ، ثَمْرَةٌ : میوه

ج

جَاءَ : آمد «مترادف: آتَى»

جَارٌ : همسایه «جمع: جيران»

جَازٌ : جایز است (مضارع: يَجُوزُ) ۴

جَالِسٌ : نشسته

جَالِسٌ : هم نشینی کرد

(مضارع: يُجَالِسُ / مصدر: مُجَالَسَةٌ) ۴

جَامِعَةٌ : دانشگاه

«جمع: جامعات»

جَاهِزٌ : آماده ۳

جَاهِلٌ : نادان «جمع: جُهَالٌ»

جَبَلٌ : کوه «جمع: جِبَالٌ»

جُبْنٌ، جُبْنَةٌ : پنیر ۶

جَدٌّ : پدر بزرگ «جمع: أجداد»

جَدُّ : کوشید

(مضارع: يَجِدُّ / مصدر: جِدٌّ)

جِدًّا : بسیار

جِدَارٌ : دیوار

جِدَلٌ : ستیز

جِدَّةٌ : مادر بزرگ

جِدْوَةٌ : پاره آتش ۱

جَرَبٌ : آزمایش کرد (مضارع: يُجَرِّبُ) /

مصدر: تَجْرِبَةٌ و تَجْرِبَةٌ) ۸

جُرْحٌ : زخم ۵

جَرَّحٌ : زخمی کرد

(مضارع: يُجَرِّحُ / مصدر: تَجْرِيحٌ)

جَرَى : جاری شد (مضارع: يَجْرِي) ۲

جَزَاءٌ : پاداش، کیفر

جَزْرٌ : هویج

جَزَى : کیفر کرد (مضارع: يَجْزِي) ۶

جِسْرٌ : پُل «جمع: جُسُورٌ»

جَعَلَ : فرار داد

(مضارع: يَجْعَلُ) «مترادف: وَضَعَ»

جَلَبٌ : آورد (مضارع: يَجْلِبُ)

جَلَسٌ : نشست

(مضارع: يَجْلِسُ / مصدر: جُلُوسٌ)

جَلِيسُ السَّوِّءِ : همنشین بد

جَمَارِكٌ : گمرکات «مفرد: جُمْرُكٌ» ۴

جَمَاعِيٌّ : گروهی ۷

جَمَالٌ : زیبایی «متضاد: قُبْحٌ»

جَمَعٌ : جمع کرد

(مضارع: يَجْمَعُ / مصدر: جَمْعٌ)

جَمِيلٌ : زیبا «متضاد: قَبِيحٌ»

جَنْبٌ : کنار

جَنَّةٌ : بهشت

جُنْدِيٌّ : سرباز «جمع: جُنُودٌ»

جَوٌّ : هوا

جَوَازٌ، جَوَازُ السَّفَرِ : گذرنامه

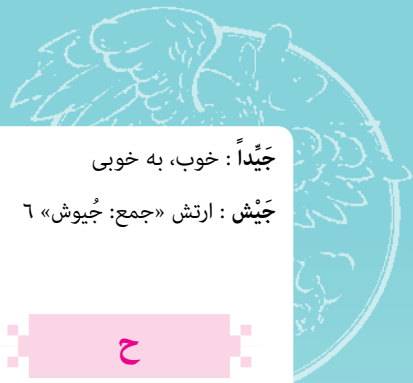
«جمع: جَوَازَاتٌ» ۳

جَوَالٌ، الْهَاتِفُ الْجَوَالُ : تلفن همراه

جَهَّزٌ : مجهز کرد

(مضارع: يُجَهِّزُ / مصدر: تَجْهِيْزٌ) ۱

جَهْلٌ : نادانی «متضاد: عِلْمٌ»



جیداً: خوب، به خوبی

جیش: ارتش «جمع: جُیوش» ۶

ح

حاجَة: نیاز «جمع: حَوَاجِح»

حادّ: تیز ۷

حادیّ عَشْر، حادیّة عَشْرَة: یازدهم

حاز: گرم «متضاد: بارد»

حاربّ: جنگید ۶

(مضارع: يُحَارِبُ / مصدر: مُحَارَبَة)

حاسوب: رایانه «جمع: حَواسیب»

حافِلَة: اتوبوس «جمع: حافِلات»

حاولّ: تلاش کرد

(مضارع: يُحاوِلُ / مصدر: مُحاولَة)

حَبّ: دانه

«جمع: حُبوب / حَبّة: یک دانه»

حُبّ: دوست داشتن

حَبِل: طناب «جمع: حِبال» ۴

حُبوب مُسَكَنَة: قرص‌های مسکن

حَبیب: دوست، یار

«مترادف: صَدِیق / متضاد: عَدُو»

حَتّی: تا، تا اینکه

«حَتّی تَبَتَعَد: تا دور شود» ۵

حَجَر: سنگ «جمع: أَحجار»

حَدّاد: آهنگر

حَدائِق: باغ‌ها «مترادف: بساتین»

حَدَثّ: اتفاق افتاد (مضارع: یَحْدُثّ)

حُدود: مرز، مرزها

حَدید: آهن ۶

حَدیقَة: باغ «جمع: حَدائِق»

حَدیقَة الحَیوانات: باغ وحش

حَدَّر: هشدار داد

(مضارع: یُحَدِّرُ / مصدر: تَحذیر)

حَرْب: جنگ

حَرْباء: آفتاب‌پرست ۵

حَرَسّ: نگهداری کرد، نگهبانی داد

(مضارع: یَحْرُسّ)

حَرَكّ: تحریک کرد

(مضارع: یُحَرِّكُ / مصدر: تَحْرِیک)

حَرَكّ: حرکت داد

(مضارع: یُحَرِّكُ / مصدر: تَحْرِیک) ۵

حُرّیَة: آزادی ۴

حَرِزّ: غمگین شد (مضارع: یَحْرِزّ)

مصدر: حُرْزَن «متضاد: فَرِح»

حَرِزین: غمگین

«متضاد: مَسرور و فَرِح»

حُسام: شمشیر

حَسِبّ: پنداشت (مضارع: یَحْسِبّ)

حُسْن: خوبی «متضاد: قُبُح، سوء»

حُسْنُ الخُلُق: خوش‌اخلاقی

حُسْنُ العَهْد: خوش‌پیمانی

حَسَن، حَسَنَة: خوب

حَسَنًا: بسیار خوب ۳

حَصَدّ: درو کرد (مضارع: یَحْصُدّ)

حَطَب: هیزم

حِفاظ عَلی: نگهداری از ۲

حَقَرّ: کُند

(مضارع: یُحَقِّرُ / مصدر: حَقْر)

حَفِظّ: حفظ کرد

(مضارع: یَحْفَظُّ / مصدر: حِفظ)

حَفَلَة الرّواج: جشن عروسی

حَفَلَة المِیلاد: جشن تولّد

حَقیبَة: کیف، چمدان

«جمع: حَقائِب»

حَكَمّ: حکومت کرد، داوری کرد

(مضارع: یَحْكُمّ) ۶

حَلّ بِ: در ... فرود آمد

(مضارع: یَحِلّ) ۸

حَلَمّ: بردباری ۲

حَلوانیّ: شیرینی‌فروش

حَلیب: شیر

حَمامة: کبوتر

حَمَلّ: بُردن، حمل کردن

حُمُق: نادانی ۵

حَمیم: گرم و صمیمی ۴

حِوار: گفت‌وگو

حَوَلّ: اطراف

حَوَلّ: تبدیل کرد

(مضارع: یُحوِلُّ / مصدر: تَحویل) ۵

حِیاء: شرم

حَيٍّ : زنده «جمع: أحياء»

حَيَاة : زندگی «متضاد: مَوْت»

حَيَّيرٌ : حیران کرد (مضارع: يُحَيِّرُ) ۳

خ

خَاتَمٌ : انگشتر «جمع: خَوَاتِمٌ»

خَاتَبٌ : خطاب کرد

(مضارع: يُخَاتِبُ / مصدر: مُخَاتَبَةٌ) ۶

خَافٌ : ترسید

(مضارع: يَخَافُ / مصدر: خَوْفٌ)

خَامِسَ عَشْرٍ، خَامِسَةَ عَشْرَةَ : پانزدهم

خَامِسٌ، خَامِسَةٌ : پنجم

خَائِفٌ : ترسیده، ترسان

خَبَازٌ : نانوا

خُبِيزٌ : نان

خَدَمٌ : خدمت کرد

(مضارع: يَخْدِمُ / مصدر: خِدْمَةٌ)

خَرَّبٌ : ویران کرد ۶

(مضارع: يُخَرِّبُ / مصدر: تَخْرِيْبٌ)

خَرَجٌ : بیرون رفت

(مضارع: يَخْرُجُ / مصدر: خُرُوجٌ)

خَرِيفٌ : پاییز

خِرَانَةٌ : انبار «جمع: خِرَانَاتٌ» ۵

خِرَانَةٌ : گنجینه «جمع: خِرَانِينَ»

خُسْرَانٌ : زیان

خَسَبٌ : چوب «جمع: أَحْشَابٌ»

خَطَأٌ : خطا «جمع: أَخْطَاءٌ»

خَطِيئَةٌ : گناه، خطا «جمع: خَطَايَا»

خِلَافٌ : اختلاف ۴

خَلْفٌ : پشت

«مترادف: وَرَاءُ / متضاد: أَمَامُ»

خَلَاقٌ : بسیار آفریننده ۵

خَلَقٌ : آفرید

(مضارع: يَخْلُقُ / مصدر: خَلْقٌ)

خُمْسٌ : یک پنجم ۴

خَمْسَةٌ، خَمْسٌ : پنج

خَمِيسٌ، يَوْمُ الْخَمِيسِ : پنجشنبه

خَوْفٌ : ترس، ترسیدن

خَيْرٌ : بهتر، بهترین، خوبی

خَيْرٌ : اختیار داد ۶

(مضارع: يُخَيِّرُ / مصدر: تَخْيِيرٌ)

د

دَارٌ : چرخید

(مضارع: يَدُورُ / مصدر: دَوْرَانٌ) ۱

دَبَّرٌ : سامان بخشید ۶

(مضارع: يُدَبِّرُ / مصدر: تَدْبِيرٌ)

دَجَاجٌ : مرغ ۶

دُخَانٌ : دود

دَخَلَ : داخل شد

(مضارع: يَدْخُلُ / مصدر: دُخُولٌ)

دُرٌّ : مروارید (جمع: دُرَرٌ) ۱

دِرَاسَةٌ : درس خواندن

دِرَاسِيٌّ : تحصیلی

دَرَسٌ : درس خواند

(مضارع: يَدْرُسُ / مصدر: دِرَاسَةٌ)

دَرَسٌ : درس داد

(مضارع: يُدْرِسُ / مصدر: تَدْرِيسٌ)

دَعَا : فرا خواند، دعا کرد

(مضارع: يَدْعُو / مصدر: دُعَاءٌ) ۴

دَفَعٌ : دور کرد، پرداخت

(مضارع: يَدْفَعُ / مصدر: دَفْعٌ)

دَلٌّ : راهنمایی کرد (مضارع: يَدُلُّ) ۵

دُلْفَيْنٌ : دلفین «جمع: دَلْفَيْنٌ» ۷

دَلِيلٌ : راهنما «جمع: أَدِلَّةٌ»

دَمَعٌ : اشک «جمع: دُمُوعٌ»

دَنَا : نزدیک شد (مضارع: يَدْنُو) ۸

دَوَاءٌ : دارو «جمع: أَدْوِيَةٌ» ۶

دَوَامٌ : ساعت کار

(دَوَامٌ مَدْرَسِيٌّ: ساعت کار مدرسه) ۶

دَوْرٌ : نقش ۷

دَوْرَانٌ : چرخیدن

دَوَلَةٌ : کشور، حکومت «جمع: دَوْلٌ» ۶

دَوْنٌ : بدون ۲

دَوْنُ أَنْ: بی آنکه «دَوْنُ أَنْ يُحْرَكَ:

بی آنکه حرکت دهد» ۵

دَهْرٌ : روزگار



ذ

ذَا : این «مَنْ ذَا: این کیست؟» ۱

ذَابٌ : ذوب شد (مضارع: يَذُوبُ) ۶

ذات: دارای ۱

ذَاقٌ : چشید (مضارع: يَذُوقُ) ۸

ذَاكِرَةٌ : حافظه ۷

ذَاكَ : آن ۱

ذَاهِبٌ : رفته

ذُبَابٌ : مگس ۶

ذَكَرٌ : مرد، نر ۴

ذَكَرٌ : یاد کرد (مضارع: يَذْكُرُ / مصدر:)

ذَكَرٌ «متضاد: نَسِيَ»

ذِكْرِيٌ : خاطره «جمع: ذِكْرِيَاتٌ» ۴

ذَلِكُ : آن «مذكَرٌ»

ذَنْبٌ : دُم «جمع: أَذْنَابٌ» ۵

ذَنْبٌ : گناه «جمع: ذُنُوبٌ»

ذَهَبٌ : رفت

(مضارع: يَذْهَبُ / مصدر: ذَهَابٌ)

ذَهَبٌ : طلا

ذَنْبٌ : گرگ «جمع: ذِئَابٌ»

ر

رَابِعٌ، رَابِعَةٌ : چهارم

رَاحِمٌ : رحم کننده

رَأْسٌ : سر

رَاسِبٌ : مردود

رَاقِدٌ : بستری

رَأَى : دید

«مضارع: يَرَى / مصدر: رُؤْيَةٌ و رَأْيٌ»

رَأْيٌ : نظر، فکر

رَافِحَةٌ : بو

رَائِعٌ : جالب ۷

رُبٌّ : چه بسا

رَبِيعٌ : بهار

رَجَا : امید داشت

«مضارع: يَرْجُو / مصدر: رَجَاءٌ» ۸

رَجَاءٌ : امید

رَجَاءٌ : لطفاً

رَجَعٌ : برگشت

«مضارع: يَرْجِعُ / مصدر: رُجُوعٌ»

رَجُلٌ : مرد «جمع: رِجَالٌ»

رُجُوعٌ : برگشتن

رَحَبٌ : خوش آمد گفت ۶

«مضارع: يُرَحِّبُ / مصدر: تَرْحِيبٌ»

رَحِمٌ : رحم کرد

«مضارع: يَرْحِمُ / مصدر: رَحْمٌ»

رَخِيسٌ، رَخِيسَةٌ : ارزان

رُزٌّ : برنج

رِسَالَةٌ : نامه «جمع: رَسَائِلٌ»

رَسَمٌ : نقاشی کرد

«مضارع: يَرَسُمُ / مصدر: رَسْمٌ»

رَصِيدٌ : شارژ ۸

رِضَا : رضایت

رَضِيَ : راضی شد

«مضارع: يَرْضَى / مصدر: رِضَا» ۸

رُفَاتٌ : استخوان پوسیده ۸

رَفَضٌ : نپذیرفت (مضارع: يَرْفُضُ) ۶

رَفَعٌ : بالا برد، برداشت

«مضارع: يَرْفَعُ»

رَقْدٌ : بستری شد ، خوابید

«مضارع: يَرْقُدُ»

رَكَبٌ : سوار شد

«مضارع: يَرْكَبُ / مصدر: رُكُوبٌ»

رُكُوبٌ : کاروان شتر یا اسب سواران ۸

رُفَّانٌ : انار

رِیَاضَةٌ : ورزش

رِیَاضِيٌّ : ورزشکار

رِیحٌ : باد «جمع: رِیَاحٌ»

رِیَاسِيٌّ : اصلی

ز

زَائِدٌ : به اضافه ۲

زَادٌ : زیاد کرد ، زیاد شد

«مضارع: يَزِيدُ / مصدر: زِيَادَةٌ»

زَانَ : زینت داد

«مضارع: يَزِينُ / مصدر: زَيْنٌ» ۱

زُبْدَةٌ : کره ۶

زُجَاجَةٌ عِطْرٌ : شیشه عطر

زِرَاعِيّ : کشاورزی

زَرَعٌ : کاشت

(مضارع: يَزْرَعُ / مصدر: زِرَاعَةٌ)

زَمِيلٌ : هم‌شاگردی «جمع: زُمَلَاءُ»

زَوْجَةٌ : همسر «زوج: شوهر»

زَهْرٌ : شکوفه، گل «زهرة: یک

شکوفه، یک گل / جمع: أَزْهَارُ»

زَيْتٌ : روغن «جمع: زُيُوت» ٥

س

سَّ، سَوْفٌ : نشانه آینده

سَابِعٌ، سَابِعَةٌ : هفتم

سَاجِدٌ : سجده کننده

سَاحَةٌ : حیاط، میدان

سَادِسٌ، سَادِسَةٌ : ششم

سَارٌ : حرکت کرد (مضارع: يَسِيرُ) ٦

سَاعِدٌ : کمک کرد

(مضارع: يُسَاعِدُ / مصدر: مُسَاعِدَةٌ)

سَافِرٌ : سفر کرد

(مضارع: يُسَافِرُ / مصدر: مُسَافِرَةٌ)

سَأَلَ : پرسید

(مضارع: يَسْأَلُ / مصدر: سُؤَالٌ و

مَسْأَلَةٌ) «متضاد: أَجَابَ»

سَائِحٌ : گردشگر

«جمع: سَائِحُونَ، سِيَاحٌ» ٢

سَاتِقٌ : راننده

سَائِلٌ : مایع، پُرسشگر ٥

سَاوَى : برابر است

(مضارع: يُسَاوِي / مصدر: مُسَاوَاةٌ) ٢

سَبَّ : دشنام داد (مضارع: يَسُبُّ) ٤

سَبْتٌ، يَوْمُ السَّبْتِ : شنبه

سَبَّحَ : به پاکی یاد کرد ٦

(مضارع: يُسَبِّحُ / مصدر: تَسْبِيحٌ)

سَبْعَةٌ، سَبْعٌ : هفت

سَبْعِينَ، سَبْعُونَ : هفتاد

سَبَّهَ، سَبَّ : شش

سَتَرَ : پوشاند، پنهان کرد

(مضارع: يَسْتُرُ)

سَجَدَ : سجده کرد

(مضارع: يَسْجُدُ / مصدر: سُجُودٌ)

سَحَابٌ : ابر

سَحَبَ : کشید (مضارع: يَسْحَبُ) ٣

سَخَا، سَخَاوَةٌ : بخشنده

سِرْوَالٌ : شلوار «جمع: سِرَاوِيلُ»

سَرِيرٌ : تخت «جمع: أَسِرَّةٌ» ٧

سَفَرَةٌ : سفر

سَفَرَةٌ عِلْمِيَّةٌ : گردش علمی

سَفِينَةٌ : کشتی

«جمع: سُفُنٌ و سَفَائِنٌ»

سَكَتٌ : ساکت شد

(مضارع: يَسْكُتُ / مصدر: سُكُوتٌ)

سَكَنَ : زندگی کرد

(مضارع: يَسْكُنُ) ٦

سَلٌ : بپرس (أَسَأَلَ) ٨

سَلِمٌ : سالم ماند

(مضارع: يَسْلَمُ / مصدر: سَلَامَةٌ)

سَلَّمَ : سلام کرد

(مضارع: يُسَلِّمُ / مصدر: تَسْلِيمٌ)

سَلِمِيًّا : مُسَالَمَتِ آمِينِز

«سَلِمٌ: صلح» ٤

سَمَاءٌ : آسمان «جمع: سَمَاوَاتُ»

سَمَاوِيٌّ : آسمانی

سَمَحَ لَ : اجازه داد

(مضارع: يَسْمَحُ)

سَمِعَ : شنوایی ٧

سَمِعٌ : شنید

(مضارع: يَسْمَعُ / مصدر: سَمْعٌ)

سَمَكَةٌ : یک ماهی

«جمع: سَمَكَاتُ»

سَمَكٌ، مَاهِيٌّ : ماهی «جمع: أَسْمَاكٌ»

سَمَكُ الْقُرْشِ : کوسه ماهی ٧

سَمَى : نامید

(مضارع: يُسَمِّي / مصدر: تَسْمِيَةٌ) ٣

سِنٌَّ : دندان «جمع: أَسْنَانٌ»

سَنَةٌ : سال

«جمع: سَنَوَاتٌ، سِنُونَ و سِنِينَ»

سَنَوِيًّا : سالانه ٣

سَوَاءٌ : بدی، بد

سَوَاءٌ : یکسان ٤

سَوَارٌ : دستبند «جمع: أَسَاوِرٌ» ٧

سَوْدَاء : سیاه (مؤنثِ أَسْوَد) ۳

سوق : بازار «جمع: أسواق»

سَهْل : آسان

سَيَّارَةٌ : خودرو

سَيَّارَةُ الْأَجْرَةِ : تاکسی

سَيِّد : آقا

سَيِّدَةٌ : خانم

سَيِّئَةٌ : بدی، گناه ۴

ش

شَاءَ : خواست (مضارع: يَشَاءُ) ۸

شَابٌ : جوان «جمع: شباب»

شَارِعٌ : خیابان «جمع: شوارع»

شَاطِئٌ : ساحل «جمع: شواطئ» ۷

شَاهِدٌ : دید

(مضارع: يُشَاهِدُ / مصدر: مُشَاهَدَةٌ)

شاي : چای

شَبَابٌ : دوره جوانی، جوانان «مفرد:

شباب»

شَبَكَةٌ : تور

شَتَاءٌ : زمستان

شَجَرٌ : درخت «جمع: أشجار»

شَجَرَةٌ : یک درخت

«جمع: شجرات»

شَجَّعٌ : تشویق کرد

(مضارع: يُشَجِّعُ / مصدر: تَشْجِيع)

شَحَنٌ : شارژ کرد

(مضارع: يَشْحَنُ / مصدر: شَحْن) ۸

شِرَاءٌ : خریدن «متضاد: بَيْع»

شِرَابٌ : نوشیدنی، شربت

«جمع: أَشْرِبَةٌ»

شَرِبٌ : نوشید

(مضارع: يَشْرِبُ / مصدر: شُرْبٌ)

شَرَحٌ : شرح داد

(مضارع: يَشْرَحُ / مصدر: شَرْحٌ)

شَرَّةٌ : زبانه آتش ۱

شَرَشَفٌ : ملافه «جمع: شراشف» ۷

شُرْطِيٌّ : پلیس «شُرْطَةٌ: اداره پلیس»

شُرْفٌ : مشرف فرمود، افتخار داد

(مضارع: يُشْرِفُ / مصدر: تَشْرِيف) ۳

شَرَكَةٌ : شرکت «جمع: شركات»

شَرِيحَةٌ : سیم کارت ۸

شُعْبٌ : ملت «جمع: شعوب» ۲

شَعْرِبٌ : احساس...کرد

(مضارع: يَشْعُرُ / مصدر: شُعُور)

شَقَاوَةٌ : بدبختی

شَكَا : شکایت کرد

(مضارع: يَشْكُو / مصدر: شِكَايَةٌ) ۸

شَكَرٌ : تشکر کرد

(مضارع: يَشْكُرُ / مصدر: شُكْرٌ)

شُكْرًا جَزِيلًا : بسیار سپاسگزارم

شَلَالٌ : آبشار «جمع: شلالات»

شَمٌّ : بویید

(مضارع: يَشُمُّ / مصدر: شَمٌّ) ۷

شَمْسٌ : خورشید

شَهْدٌ : عسل ۸

شَهْرٌ : ماه «جمع: شهور»

ص

صَادِقٌ : راستگو

صَارَ : شد (مضارع: يَصِيرُ)

صَالِحٌ : درستکار

صَبَاحُ النَّوْرِ : صبح به خیر

صِحَّةٌ : تندرستی

صَحِيفَةٌ : روزنامه «جمع: صحف»

صَحِيفَةٌ جِدَارِيَّةٌ : روزنامه دیواری

صَخْرٌ : صخره «جمع: صخور» ۶

صُدَاعٌ : سردرد

صَدَاقَةٌ : دوستی

صَدْرٌ : سینه «جمع: صدور» ۵

صَدَقٌ : باور کرد

(مضارع: يَصَدِّقُ / مصدر: تَصْدِيق) ۳

صَدَقٌ : راست گفت

(مضارع: يَصْدُقُ / مصدر: صِدْقٌ)

صَدِيقٌ : دوست

«جمع: أصدقاء / متضاد: عَدُوٌّ»

صَرَخٌ : فریاد زد (مضارع: يَصْرُخُ)

صَعِدٌ : بالا رفت

(مضارع: يَصْعَدُ / مصدر: صُعُود)

صَغَرَ : کوچکی

صَغِيرٌ : کوچک «متضاد: كَبِيرٌ»

صَفَاً : کلاس «جمع: صُفُوفٌ»

صَفَرَ : سوت زد (مضارع: يَصْفِرُ) ۷

صَلَاةٌ : نماز

صِنَاعَةٌ : صنعت

صِنَاعِيَّةٌ : صنعتی

صَنَعَ : ساخت

(مضارع: يَصْنَعُ / مصدر: صُنِعَ)

صُورٌ مُتَحَرِّكَةٌ : عکسهای متحرک

صُورَةٌ : عکس «جمع: صُورٌ»

صَوْمٌ : روزه

صَيْفٌ : تابستان

الصَّيْنُ : چین

ض

ضَحِكَ : خندید (مضارع: يَضْحَكُ)

ضَرَبَ : زد

(مضارع: يَضْرِبُ / مصدر: ضَرَبَ)

ضَعُ : بگذار ۱

ضِعْفٌ : برابر در مقدار

«ضِعْفَيْنِ: دو برابر» ۷

ضَغَطَ الدِّمَّ : فشار خون

ضَوْءٌ : نور «جمع: أَضْوَاءٌ» ۵

ضِيَاءٌ : روشنایی ۱

ضِيَاةٌ : میهمانی

ضَيَّفٌ : میهمان «جمع: ضُيُوفٌ»

ط

طَازَجٌ : تازه

طَاقَةٌ كَهْرَبَائِيَّةٌ : نیروی برق

طَالِبٌ : دانش آموز، دانشجو

«جمع: طُلَّابٌ»

طَائِرٌ : پرنده «جمع: طُيُورٌ»

طَائِرَةٌ : هواپیما «جمع: طَائِرَاتٌ»

طِبُّ الْعَيْونِ : چشم پزشکی

طَبَّاحٌ : آشپز

طَبَخَ : پخت

(مضارع: يَطْبُخُ / مصدر: طَبَخَ)

طَبَعَ : چاپ کرد (مضارع: يَطْبَعُ)

طَرَدَ : با تندی راند

(مضارع: يَطْرُدُ / مصدر: طَرَدَ)

طَرَقَ : کوبید (مضارع: يَطْرُقُ)

طَعَامٌ : خوراک «جمع: أَطْعِمَةٌ»

طُفُولَةٌ : کودکی

طُلَّابٌ : دانش آموزان، دانشجویان

طَلَّبَ : درخواست کرد

(مضارع: يَطْلُبُ / مصدر: طَلَّبَ)

طَمَعَ : طمع وزید

(مضارع: يَطْمَعُ) ۵

طَيَّارٌ : خلبان

طَيْرٌ : پرنده «جمع: طُيُورٌ» ۷

ظ

ظَاهِرَةٌ : پدیده «جمع: ظَوَاهِرٌ» ۳

ظَلَمٌ : تاریکی ۵

ظَلَمَ : ستم کرد

(مضارع: يَظْلِمُ / مصدر: ظَلَمَ)

ظُلْمَةٌ : تاریکی «جمع: ظُلُمَاتٌ» ۸

ظَنَّ : گمان کرد

(مضارع: يَظُنُّ / مصدر: ظَنَّ)

ظَهَرَ : آشکار شد

(مضارع: يَظْهَرُ / مصدر: ظَهَرَ)

ع

عادي : دشمن

«جمع: عُدَاةٌ / مترادف: عَدُوٌّ» ۸

عَادَ : پناه برد (مضارع: يَعُودُ) ۵

عَاشَ : زندگی کرد

(مضارع: يَعِيشُ / مصدر: عَاشَ)

عَاشِرٌ : عاشره - دهم

عَالَمٌ : جهان

عَالَمِيٌّ : جهانی، بین المللی

عَالَمِيَّانَ : جهانیان

عام : سال «جمع: أَغْوَامٌ»

عامٌ دِرَاسِيٌّ : سال تحصیلی

عامِلٌ : کارگر «جمع: عُمَالٌ»

عَبَاءَةٌ : چادر

عَبَدَ : بنده «جمع: عباد»

عَبَّرَ : از راه ۳

عَبَّرَ : عبور کرد

(مضارع: يَعْْبُرُ / مصدر: عُبِرَ)

عَبَّرَ : پند «جمع: عَبْر»

عَتِيقُ : کهنه

عَجَزَ : ناتوان شد (مضارع: يَعْجِزُ)

عَجِينُ : خمیر ۸

عَدَاوَةٌ : دشمنی «متضاد: صَدَاقَةٌ»

عَدُوٌّ : دشمن «جمع: أَعْدَاءُ»

عُدُوَانٌ : دشمنی «متضاد: صَدَاقَةٌ»

عَذَرَ : عذر پذیرفت (مضارع: يَعْذِرُ /

مصدر: عَذَرَ و مَعَذَرَةٌ) ۴

عَرَبَةٌ : واگن، گاری

عَرَفَ : شناخت، دانست (مضارع:

يَعْرِفُ / مصدر: عَرَفَانٌ و مَعْرِفَةٌ)

عَرَفَ عَلَى : معرفی کرد

(مضارع: يُعْرِفُ / مصدر: تَعْرِيفٌ) ۷

عَزَّ، عِزَّةٌ : ارجمندی

عَزَلٌ : برکنار کردن

عَزَمَ : تصمیم گرفت

(مضارع: يَعْزِمُ / مصدر: عَزَمٌ) ۷

عُشٌّ : لانه

عِشَاءٌ : شام

عُشْبٌ طِبِّيٌّ : گیاه دارویی

«جمع: أَعْشَابٌ طِبِّيَّةٌ» ۵

عَشْرٌ، عَشْرَةٌ : ده

عَشِيَّةٌ : آغاز شب ۸

عَصَفَ : وزید (مضارع: يَعْصِفُ)

عُصْفُورٌ : گنجشک «جمع: عَصَافِيرُ»

عَصِيرُ الْفَاكِهَةِ : آبمیوه

عَطَّرَ : عطر زد

(مضارع: يُعَطِّرُ / مصدر: تَعَطَّرَ)

عَفَا : بخشید

(مضارع: يَعْفُو / مصدر: عَفُوٌّ) ۷

عَفْوًا : ببخشید

عَلِمَ : پرچم «جمع: أَعْلَامٌ»

عَلِمَ : دانست

(مضارع: يَعْلَمُ / مصدر: عَلِمٌ)

عَلَّمَ : یاد داد ۲

(مضارع: يُعَلِّمُ / مصدر: تَعَلَّمَ)

عَلَى : بر، روی

عَلَى الْيَسَارِ : سمت چپ

عَلَى الْيَمِينِ : سمت راست

عَلَى امْتِدَادٍ : در امتداد ۶

عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ : در گذر زمان

«عُصُورٌ جمع عَصْرٌ» ۴

عَلَيْكَ بِ... : بر تو لازم است... ، تو

باید ...

عِمَارَةٌ : ساختمان ۶

عَمِلَ : انجام داد، کار کرد

(مضارع: يَعْمَلُ / مصدر: عَمَلٌ)

عَمُودٌ : ستون «جمع: أَعْمِدَةٌ»

عَمِيلٌ : مزدور «جمع: عَمَلَاءُ» ۴

عَنَ : درباره، از

عِنَبٌ : انگور

عِنْدَ : هنگام، نزد، کنار، داشتن

عِنْدَمَا : وقتی که

عِنْدَئِذٍ : در این هنگام ۲

عَوَّضَ : جبران کرد

(مضارع: يُعَوِّضُ / مصدر: تَعَوَّضَ) ۵

عَيْشٌ : زندگی

عَيْنٌ : چشم، چشمه «جمع: عَيْنُونَ»

عَيْنٌ : مشخص کرد

(مضارع: يُعَيِّنُ / مصدر: تَعَيَّنَ) ۱

غ

غَابَةٌ : جنگل

غَازَةٌ : حمله

«غاراتٌ لَيْلِيَّةٌ: حملات شبانه»

غَالِي، غَالِيَةٌ : غال، گران

«متضاد: رَخِيسٌ»

غَايَةٌ : پایان، هدف

غَدَاً : فردا

غَدَاءٌ : ناهار

غَدَاةٌ : آغاز روز ۸

غُرَابٌ : کلاغ

غَرَسَ : کاشت (مضارع: يَغْرِسُ) ۲

غُرْفَةٌ : اتاق «جمع: غُرَفٌ»

غَرِقَ : غرق شد

(مضارع: يَغْرُقُ / مصدر: غَرَقَ)

غَرَال : آهو «جمع: غِرَالان»

غَسَلٌ : شُست (مضارع: يَغْسِلُ)

غُصن : شاخه‌ها

«جمع: غُصون و أغْصان» ١

غَضِبٌ : خشمگین شد

(مضارع: يَغْضَبُ / مصدر: غَضَبَ)

غَفَرَ : آمرزید

(مضارع: يَغْفِرُ / مصدر: مَغْفِرَةٌ)

غَنَى : آواز خواند (مضارع: يَغْنِي) ٧

غَيَّرَ : تغییر داد

(مضارع: يُغَيِّرُ / مصدر: تَغْيِيرٌ)

غِيمٌ : ابر «مترادف: سحاب» ١

ف

فَدٌ : پس ، و

فَارِغٌ خالی ٢

فَاعِلٌ : انجام‌دهنده

فَاقٍ : برتری یافت (مضارع: يَفُوقُ) ٢

فَاكِهَةٌ : میوه «جمع: فَوَاكِه»

فَانِرٌ : برنده

فَتَحَ : باز کرد

(مضارع: يَفْتَحُ / مصدر: فَتَحَ)

فَتَّشَ : جست‌وجو کرد

(مضارع: يُفْتِّشُ / مصدر: تَفْتِيشٌ) ٨

فَجَاءَهُ : ناگهان

فَحَّصَ : معاینه کرد

(مضارع: يَفْحَصُ / مصدر: فَحَّصَ)

فَرَاغٌ : جای خالی ١

فَرِحَ : خوشحال شد

(مضارع: يَفْرِحُ / مصدر: فَرَحَ)

فَرِحٌ : شاد ٤

فَرَحٌ : جوجه «جمع: فِرَاح»

فَرَسٌ : اسب

فُرْشَاةٌ : مسواک

فَرَعٌ خالی شد (مضارع: يَفْرَعُ) ٤

فَرَقٌ : جدایی انداخت

(مضارع: يَفْرُقُ / مصدر: تَفْرِيقٌ) ٤

فَرِيضَةٌ : واجب دینی

«جمع: فَرَائِض»

فَرِيقٌ : تیم ، گروه «جمع: أَفْرِقَةٌ»

فُرْستان : پیراهن زنانه

«جمع: فَرَسَاتِين»

فِرْضَةٌ : نقره

فَضْلٌ : برتری، فزونی ٤

فَطُورٌ : صبحانه

فِعْلٌ : کار ، انجام دادن

«جمع: أَفْعَال»

فَعَلٌ : انجام داد

(مضارع: يَفْعَلُ / مصدر: فَعَلَ)

فَقَدَ : از دست داد

(مضارع: يَفْقِدُ / مصدر: فِقْدَانٌ)

فَكَ : باز کرد، رها کرد

(مضارع: يَفْكُ) ١٠

فَلَاةٌ : بیابان «جمع: فَلَوات» ٨

فَلَّاحٌ : کشاورز

فَلْمٌ : فیلم «جمع: أَفلام» ٣

فُنْدُقٌ : هتل «جمع: فَنَادِق»

فَوْقٌ : بالا ، روی «متضاد: تَحْت»

فَهِمٌ : فهمید

(مضارع: يَفْهَمُ / مصدر: فَهَمَ)

في : در ، داخل

في أمانِ اللهِ : خداحافظ

ق

قَادِمٌ : آینده

قَاطِعٌ : برنده

قَاطِعِ الرَّحِمِ : برنده پیوند خویشان

قَاعَةٌ : سالن ١

قَافِلَةٌ : کاروان «جمع: قَوَافِل»

قَالَ : گفت

(مضارع: يَقُولُ / مصدر: قَوْلٌ)

قالَ في نَفْسِهِ : با خودش گفت

قَامَ : برخاست

(مضارع: يَقُومُ / مصدر: قِيَامٌ) ٢

قَامَ بِ : اقدام کرد ٢

قَائِدٌ : رهبر «جمع: قَادَةٌ» ٤

قَائِمٌ : استوار، ایستاده ٤

قُبِّحَ : زشتی «متضاد: جَمال»

قَبَّلَ : بوسید

(مضارع: يُقَبِّلُ / مصدر: تَقَبَّلَ)

قَبِلَ : پذیرفت

(مضارع: يَقْبَلُ / مصدر: قَبُول)

قَبْلُ أَسْبُوعٍ : هفته قبل

قَبِيحٌ : زشت

قَدَرَ : توانست

(مضارع: يَقْدِرُ / مصدر: قُدْرَةٌ)

قَدَمٌ : پا «جمع: أَقْدَام»

قَذَفَ : انداخت (مضارع: يَقْذِفُ)

قَرَأَ : خواند

(مضارع: يَقْرَأُ / مصدر: قِرَاءَةٌ)

قَرَّبَ مِنْ : نزدیک شد به

(مضارع: يَقْرُبُ / مصدر: قُرْبٌ و قُرْبَةٌ)

قَرِيبٌ مِنْ : نزدیک به

«متضاد: بَعِيدٌ عَنْ»

قَرِيَّةٌ : روستا «جمع: قُرَى»

قَسَمَ : قسمت کرد (مضارع: يَقْسِمُ)

قَسَمَ : تقسیم کرد

(مضارع: يَقْسِمُ / مصدر: تَقْسِيمٌ)

قَشْرٌ : پوست

قَصِيرٌ : کوتاه

قَطٌّ : گربه ۵

قَطَعَ : برید

(مضارع: يَقْطَعُ / مصدر: قَطْعٌ)

قَفْزٌ : پرید، جهش کرد

(مضارع: يَقْفِزُ) ۷

قَلْبٌ : بگو ۱

قَلْبٌ : کم شد

(مضارع: يَقِلُّ / مصدر: قِلَّةٌ)

قَلِيلٌ : کم «متضاد: كَثِيرٌ»

قَمَحٌ : گندم

قَمَرٌ : ماه «جمع: أَقْمَارٌ»

قَمِيصٌ : پیراهن

قَوَائِلٌ : کاروانها

قَوْلٌ : گفتار

قِيَامٌ : برخاستن

قِيَمَةٌ : ارزش، قیمت

قَيْدٌ : بند ۵

ک

كَ : ت ، ـ تو «مذکر»

كِ : ت ، ـ تو «مؤنث»

كَاتِبٌ : نویسنده

كَأْسٌ : جام، لیوان ۸

كَانَ : بود (مضارع: يَكُونُ)

كَأَنَّ : گویی، انگار

كَبِيرٌ : بزرگ سالی «متضاد: صَغِيرٌ»

كَبِيرٌ : بزرگ «متضاد: صَغِيرٌ»

كَتَبَ : نوشت

(مضارع: يَكْتُبُ / مصدر: كِتَابَةٌ)

كَتَمَ : پنهان کرد

(مضارع: يَكْتُمُ / مصدر: كِتْمَانٌ)

كَثُرَ : زیاد شد

(مضارع: يَكْثُرُ / مصدر: كَثْرَةٌ)

كَثِيرٌ : بسیار «متضاد: قَلِيلٌ»

كَذَبَ : دروغ گفت (مضارع: يَكْذِبُ /

مصدر: كَذِبٌ) «متضاد: صَدَقَ»

كَذَلِكَ : همین طور ۷

كَرَامَةٌ : بزرگواری ۸

كُرَّةٌ : توپ

كُرَّةُ الْقَدَمِ : فوتبال

كُرَّةُ الْمِنْبَذَةِ : تنیس روی میز

كُرْسِيٌّ : صندلی «جمع: كُرَاسِيٌّ»

كُرْيَهٌ : نامطبوع، ناپسند ۶

كَشَفَ : آشکار کرد

(مضارع: يَكْشِفُ / مصدر: كَشْفٌ)

كَفَى : بس است (مضارع: يَكْفِي) ۲

كُلٌّ : بخور ۲

(ماضی: أَكَلَ / مضارع: يَأْكُلُ)

كَلَامٌ : سخن

كَلْبٌ : سگ «جمع: كِلَابٌ»

كُنْمٌ : تان ، ـ شما «جمع مذکر»

كَمْ : چند، چقدر

كُما : تان ، ـ شما «مثنی»

كَمَا : همان گونه که

كَمَّلَ : کامل کرد

(مضارع: يُكَمِّلُ / مصدر: تَكْمِيلٌ)

كُنَّ : تان ، ـ شما «جمع مؤنث»

كُنْزٌ : گنج «جمع: كُنُوزٌ»

مضارع: يُمَاشِي / مصدر: مُمَاشَاة) ٤

ماشِي : پیاده «جمع: مُشَاة»

مَائِدَة : سفره غذا

مَبْرُوك : مبارک

مُبِين : آشکار

مُتَحَف : موزه

مَتَى : چه وقت

مِثَالِي : نمونه

مُجَالَسَة : هم نشینی

مُجْتَهِد : کوشا

مُجِد : کوشا

مُجَرَّب : آموده ٨

مُجَفَّف : خشک شده

مَجْنُون : دیوانه

مَجْهُول : ناشناخته، گمنام

مُحَافَظَة : استان، نگهداری

مَحَامِد : ستایشها ٨

مُحَاوَلَة : تلاش

مُحِيطُ أَطْلَسِي : اقیانوس اطلس ٣

مُخْتَبِر : آزمایشگاه

مَخْزَن : انبار «جمع: مَخَازِن»

مُدَارَة : مدارا کردن

مُدْرَس : معلم

مَدِينَة : شهر «جمع: مَدُن»

مَرْأَة ← اِمْرَأَة (الْمَرْأَة) : زن

مِرَاجَعَة : دوره

مُرَافِق : همراه ٣

مضارع: يَلْعَبُ / مصدر: لَعِبَ)

لَعِبَ بِـ : به بازی گرفت

لَعِقَ : لیسید (مضارع: يَلْعَقُ) ٥

لُغَة : زبان

لَقَد : قطعاً

لِکِن، لَکِن : ولی

لِمَ : برای چه (ل + ما)

لَمَّا : هنگامی که

لِمَاذَا : چرا

لِمَنْ : مال چه کسی، مال چه کسانی

لَنْ يَخْلُقُوا : نخواهند آفرید

لَوْحَة : تابلو

لَوْن : رنگ «جمع: ألوان»

لَيْسَ : نیست

لَيْل : شب «جمع: لیلای»

لَيْمُون : لیمو

م

ما : آنچه

ما : حرف نفی ماضی

ما أَجْمَل : چه زیباست! ٢

ما بِك : تو را چه می شود

ما؟ : چه، چه چیز، چیست؟

ماء : آب «جمع: میاه»

ماذا : چه، چه چیز

ماشِي : باهم راه رفتند

كَهْرَبَاء : برق

كیمیاء : شیمی

كیمیائی : شیمیایی

كَيْفَ : چطور

ل

لَ : دارد، برای «گاهی لَ به لَ تبدیل

می شود؛ مانند: لَهُ، لَكَ»

لا : نه، نیست، حرف نفی مضارع

لا بَأْسَ : اشکالی ندارد

لا شُكْرَ عَلَيَّ الْاَوْجِبِ : وظیفه ام

است؛ تشکر لازم نیست

لاخَظَ : ملاحظه کرد

(مضارع: يُلَاحِظُ / مصدر: مُلَاحَظَة) ٣

لاعِبَ : بازیکن

لامَ : ملامت کرد

(مضارع: يَلْمُومُ / مصدر: مَلَامَة)

لَانَّ : زیرا

لَبِثَ : اقامت کرد و ماند

(مضارع: يَلْبِثُ) ٢

لَبِيسَ : پوشید (مضارع: يَلْبِيسُ)

لَبِوتَة : پستاندار «جمع: لَبِوتات» ٧

لَدَى : نزد «لَدَيْهِمْ: نزدشان / لَدَى:

نزد + هُم: دارند» ٤

لسان : زبان

لَعِبَ : بازی کرد

مَرافِقِ عَامَّة: تأسیسات عمومی ۲

مَرَق: خورش ۶

مَرَّة: بار، دفعه

مَرَحَباً بِكُمْ: خوش آمدید، درود بر شما ۳

مَرَحَمَة: مهربانی

مَرَز: تلخ کرد

مَرَض: يُمَرِّز / مصدر: تَمْرِیر) ۸

مَرَضُ السُّكْرِ: بیماری قند

مَرَضَى: بیماران «مفرد: مَرِیض»

مُرور: گذر کردن

مُزْدَجِم: شلوع

مَساء: شب، بعد از ظهر

مُسَاعَدَة: کمک

مُسْتَشْفَى: بیمارستان

مُسْتَعِر، مُسْتَعْرَة: فروزان ۱

مُسْتَعین: یاری جوینده ۱

مُسْتَنْقَع: مرداب ۶

مُسْتَوْصَف: درمانگاه

مُسْجَل: دستگاه ضبط

مَسْرور: خوشحال «متضاد: حَزین»

مُسْلِم: مسلمان

مَسْموح: مجاز

مَسْؤُولُ الإِسْتِیْبَال: مسئول پذیرش ۶

مُشْرِف: مدیر داخلی ۷

مِشْمِش: زردآلو

مَصْنَع: آب انبارهای بیابان ۸

مِصباح: چراغ «جمع: مِصابیح»

مُصْحَف: قرآن

مِصْنَع: کارخانه

مِصیر: سرنوشت

مِضْر: نام قبیله ای ۱۰

مِضَى: گذشت (مضارع: یَمِضی)

مِضیاء: نورانی ۵

مِضیاف: مهمان نواز ۲

مِضیق: تنگه ۶

مِطَار: فرودگاه ۱

مِطْبَعَة: چاپخانه

«جمع: مِطابیح»

مِطْر: باران «جمع: اَمْطار»

مِطْعَم: غذاخوری، رستوران

«جمع: مِطاعِم»

مِطْهَر: پاک کننده ۵

مِمع: همراه، با

مِمعِ الأَسْف: متأسفانه ۱

مِمعِ السَّلَامَة: به سلامت

مِمعِ بَعْض: با همدیگر ۴

مِمعاً: با هم

مِمعْجُونُ أَسنان: خمیر دندان

مِفتاح: کلید «جمع: مِفاتیح»

مِفْرُوش: پوشیده ۳

مِکْتَبَة: کتابخانه

مِکْرَم: گرمی

مِکْیْفُ الهِواء: کولر ۷

مَلَأ: پُر کرد (مضارع: یَمَلأ)

مَلابِیس: لباس‌ها

مَلْعَب: زمین بازی، ورزشگاه

«جمع: مَلاعِب»

مَلَف: پرونده

مَلِک: پادشاه «جمع: مُلُوک» ۷

مَلِک: مالک شد، دارد، فرمانروایی کرد

(مضارع: یَمَلِک) ۵

مَلِیح: با نمک ۸

مَمَرُ المِشاة: گذرگاه پیاده

مَمَر: گذرگاه، راهرو

مُمَرَّض: پرستار

مَمزُوج: درآمیخته ۸

مَمْلُوء: پُر از

مِن: از

مِن: چه کسی، چه کسانی، هرکس

مِنَ أین: از کجا، اهل کجا

مِنَ دُونِ اللّهِ: به جای خدا، به غیر

خدا ۴

مِنَ فَضْلِک: خواهشمندم ۴

مِنْشَفَة: حوله

مِنْصَدَة: میز

مِنْظَمَة الأُمَمِ المِتَّحِدَة:

سازمان ملل متحد

مُنقِذ: نجات دهنده ۷

مُنهمِر، مُنهمِرَة: ریزان ۱

مَوْت: مرگ

مَوْسَوْعَة : دانش‌نامه ۷

مَوْظَّف : کارمند

مَوْعِد : وقت «جمع: مَوَاعِد» ۶

مُهِدِّي : آرام‌بخش

مِهْرَجَان : جشنواره، فستیوال ۳

مُهِمَّةٌ إِدَارِيَّةٌ : مأموریت اداری

مِهْنَةٌ : شغل «جمع: مِهَن»

ن

نَا - مَان ، - مَا

نَاجِح : موفق، پیروز

نَاج : با صدای بلند گریست و شیون کرد

نَادِي (مضارع: يَنُوحُ) ۸

نَادَى : صدا زد

(مضارع: يُنَادِي / مصدر: مُنَادَاة)

نَار : آتش

نَاس : مردم

نَافِذَةٌ : پنجره «جمع: نَوَافِذُ»

نَاقِصٌ : منهای ۲

نَائِمٌ : خوابیده «جمع: نِيَام» ۳

نَبَاتٌ : گیاه «جمع: نَبَاتَات»

نَجَاحٌ : موفقیت، موفق شدن

نَجَحَ : موفق شد

(مضارع: يَنْجُحُ / مصدر: نَجَاح)

نَجْمٌ : ستاره (جمع: نُجُوم و أَنْجُم) ۱

نُحَاسٌ : مس ۶

نَحْنُ : ما

نَحْوٌ : سمت ۶

نَدَامَةٌ : پشیمانی ۸

نَدِمَ : پشیمان شد

(مضارع: يَنْدِمُ / مصدر: نَدَامَةٌ)

نَدِمٌ : پشیمانی ۵

نَزَلَ : پایین آمد (مضارع: يَنْزِلُ)

نُزُولٌ : پایین آمدن ۳

نِساءٌ : زنان

نَسِيَ : فراموش کرد

(مضارع: يَنْسَى / مصدر: نِسيَان)

نَشَاطٌ : فعالیت ۲

نَشِيطٌ : بانشاط، فعال

نَصٌ : متن «جمع: نُصُوص»

نَصَحَ : پند داد (مضارع: يَنْصَحُ) ۲

نَصَرَ : یاری کرد

(مضارع: يَنْصُرُ / مصدر: نَصْر)

نَضْرٌ : نضرة : تر و تازه ۱

نَظْرٌ : نگاه

نَظَرَ : نگاه کرد

(مضارع: يَنْظُرُ / مصدر: نَظْر)

نَظِيفٌ : پاکیزه

نَعَجَةٌ : میش (جمع: نِعاج) ۲

نَعَمٌ : بله

نِعْمَةٌ : نعمت (جمع: أَنْعَم و نِعَم) ۱

نُفَايَةٌ : زباله (جمع: نُفَايَات) ۲

نَفْسٌ : خود، همان

نَفَعٌ : سود رساند

(مضارع: يَنْفَعُ / مصدر: نَفْع)

نَفَقَةٌ : هزینه

نَقَصَ : کم شد

(مضارع: يَنْقُصُ / مصدر: نَقْص)

نُقُودٌ : پول، پولها

نَمَا : رشد کرد (مضارع: يَنْمو) ۱

نَمَلَةٌ : مورچه ۲

نَوْمٌ : خواب

نَهَارٌ : روز

نِهَائِيَةٌ : پایان «متضاد: بَدَائِيَةٌ»

نَهَبٌ : به تاراج برد (مضارع: يَنْهَبُ) ۶

نَهْرٌ : رودخانه «جمع: أَنْهَار»

و

وَلَوْ : اگرچه

وَاجِبٌ : تکلیف

وَاحِدٌ، وَاحِدَةٌ : یک

وَاسِعٌ : وسیع

وَاقِفٌ : ایستاده

وَالِدٌ : پدر «مترادف: أَب»

وَالِدَةٌ : مادر «مترادف: أُم»

وَالِدَيْنِ، وَالِدَانِ : پدر و مادر

وَجَدٌ : پیدا کرد «مضارع: يَجِدُ»

وَجَعٌ : درد «مترادف: أَلَم»

وَجْهٌ : چهره «جمع: وُجُوهُ»

وَحَدَّةٌ : تنهایی، همبستگی

وَحَدَكٌ : تو به تنهایی

وَحِيدٌ : تنها

وُدٌّ : عشق ۸

وَرَاءَ : پشت «متضاد: أمام»

وَرَّثَ : به ارث گذاشت ۲

(مضارع: يُورِثُ / مصدر: تَوَرَّثَ)

وَرْدٌ : گل «وَرْدَةٌ : یک گل»

وَرَعٌ : پارسیایی

وَرَقٌ : برگ «جمع: أوراق»

وَصَفَّ : وصف کرد

(مضارع: يَصِفُ / مصدر: وَصَفَ) ۸

وَصْفَةٌ : نسخه

وَصَلَ : رسید

(مضارع: يَصِلُ / مصدر: وُصِلَ)

وَضَعَ : گذاشت «مضارع: يَضَعُ /

مصدر: وَضَعَ / متضاد: رَفَعَ»

وَقَايَةٌ : پیشگیری ۵

وَقَعَ : واقع شد، اتفاق افتاد، افتاد

«مضارع: يَقَعُ»

وَقَفَّ : ایستاد

«مضارع: يَقِفُ / مصدر: وُقِفَ»

وَكْنَةٌ : لانه «جمع: وَكَاتٌ / شكل

دیگر آن وَكَرَ است.» ۸

وَلَدٌ : پسر، فرزند «جمع: أَوْلَادٌ»

وَلِيٌّ : یار «جمع: أَوْلِيَاءٌ»

هـ

هَهُ : شش، او، آن «مذکر»

هَهَا : شش، او، آن «مؤنث»

هَاتَانِ : این دو، اینها، این «مؤنث»

هَاتِفٌ : تلفن (جمع: هَوَاتِفٌ) ۲

هَادِيٌّ : آرام

هَامٌ : تشنه شد (ماضی: يَهِيمُ) ۸

هَجَرَ : جدایی گزید، جدا شد

(مضارع: يَهْجُرُ / مصدر: هَجَرَ) ۸

هَجْرٌ : دوری

هَجَمَ : حمله کرد

(مضارع: يَهْجُمُ / مصدر: هُجِمَ)

هَدَى : راهنمایی کرد

(مضارع: يَهْدِي) ۶

هَذَا : این «مذکر»

هَذَانِ : این دو، اینها، این «مذکر»

هَذِهِ : این «مؤنث»

هَرَبَ : فرار کرد (مضارع: يَهْرَبُ)

هَلٌ : آیا

هَلَكَ : مُرد، هلاک شد

(مضارع: يَهْلِكُ / مصدر: هَلَكَ)

هُمٌ : هُما، هُشان، آنها «مذکر»

هُمٌ : هُما، هُشان، آنها «مذکر»

هُمَا : هُما، هُشان، آن دو، آنها «مثنی»

هُمَا : هُما، آن دو، آنها

هُنَّ : هُنَّ، هُنَّشان، آنها «مؤنث»

هُنَّ : هُنَّ، آنها، ایشان «مؤنث»

هُنَا : اینجا

هُنَاكَ : آنجا

هُوَ : او «مذکر»

هُؤْلَاءُ : اینان

هِيَ : او «مؤنث»

ی

يَ : من

يَا : ای

يَا أَيَّتُهَا : ای کاش من

يَدٌ : دست «جمع: أَيَدِي»

يَسَارٌ : چپ

يَمِينٌ : راست

يَنْبُوعٌ : جوی پرآب، چشمه «جمع»

يَنْبِيعٌ ۲

يُوجِدُ : وجود دارد

يَوْمٌ : روز «جمع: أَيَّامٌ»

يَتَيْسٌ : ناامید شد

(مضارع: يَتَيْسُ / مصدر: يَتَيْسُ)

أَيُّهَا الزُّمَلَاءُ ؛
إِلَى اللِّقَاءِ ،
نَنْتَظِرُكُمْ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ ؛
حَفِظْكُمْ اللهُ ؛
فِي أَمَانِ اللهِ ؛
مَعَ السَّلَامَةِ .



